

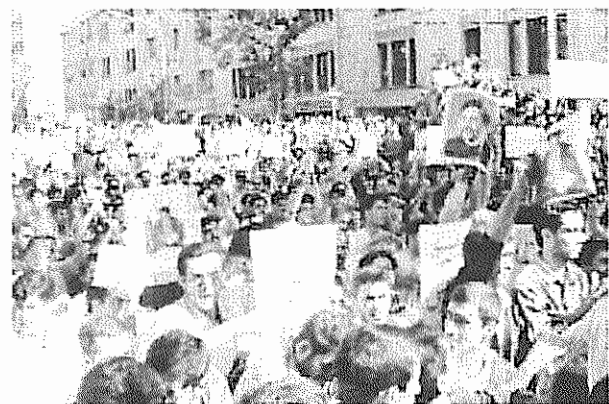
درگردهمایی دانشجویی - مردمی تحت عنوان «آزادی،

امنیت و مشارکت ملت»، دانشجویان شعار می‌دادند

شکسته شد حرمت اهل قلم، به دست دشمن اهل قلم

## هزاران دانشجو به نحوه برگزاری انتخابات خبرگان و سرکوب مطبوعات اعتراض کردند

در پایان این مراسم دانشجویان با شعار «مرگ بر انحصار، مرگ بر استبداد!» و «یزدی، یزدی، استعفا، استعفا!» به راه‌پیمایی پرداختند



هزاران دانشجو سه‌شنبه گذشته با گردهمایی در دانشگاه تهران به سیاست‌های انحصارطلبانه شورای نگهبان در انتخابات شورای نگهبان و سرکوب مطبوعات اعتراض کردند

هزاران دانشجو در تظاهراتی در دانشگاه تهران، سیاست‌های شورای نگهبان در انتخابات مجلس خبرگان را محکوم کردند و خواهان آزادی مطبوعات در ایران شدند.

این تظاهرات روز سه‌شنبه گذشته به دعوت دفتر تحکیم وحدت تحت عنوان «آزادی، امنیت و مشارکت ملت» برگزار شد. روزنامه‌های تهران و خبرگزاری‌های خارجی، تعداد شرکت‌کنندگان در این تظاهرات را بین ۳ تا ۵ هزار نفر ذکر کردند. علاوه بر دانشجویان که در دانشگاه

## فعالین کانون نویسندگان ایران دستگیر شدند

دستگیری نویسندگان و افزایش فشار به آنان، در پی تلاش‌هایی صورت می‌گیرد که برای احیای کانون نویسندگان ایران و فعال ساختن دوباره آن در جریان است. گفته می‌شود بازجویان حکومت در زندان اوین از نویسندگان دستگیر شده خواستارند که هرگونه فعالیت برای احیای ادامه در صفحه ۴

کوشان، کاظم کردوانی و محمدجواد پورینده در میان دستگیرشدگان بوده‌اند. از سرنوشت این افراد اخبار تایید شده‌ای در دست نیست. در تهران شایع شده است که دستگاه‌های امنیتی رژیم یک لیست صد نفره از نویسندگان، روشنفکران و فعالین سیاسی را تهیه کرده‌اند و برای دستگیری آنان مقدمه‌چینی می‌کنند.

گلشیری و منصور کوشان را دستگیر و به زندان اوین برده‌اند. این ۴ نفر چندین ساعت مورد بازجویی قرار گرفته و عصر روز جمعه آزاد شده‌اند. بنا به یک گزارش دیگر، روز یکشنبه ۱۲ مهرماه، بار دیگر گروهی از نویسندگان کشور توسط سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی رژیم دستگیر شده‌اند. هوشنگ گلشیری، منصور

در روزهای گذشته، عوامل وزارت اطلاعات و دادستانی انقلاب گروهی از نویسندگان دگراندیش کشور را دستگیر و تحت فشار قرار داده‌اند. مطابق گزارش‌های رسیده از ایران، روز جمعه دهم مهرماه، عوامل دادگاه انقلاب، ۴ نفر از نویسندگان و شاعران مشهور کشور، علی‌اشرف درویشیان، محمد مختاری، هوشنگ

بیانیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

## با تحریم انتخابات مجلس خبرگان، به ولایت فقیه «نه» بگوئیم!

اگر نتور انتخابات گرم شود و ترکیب مجلس خبرگان به سود جناح‌های دیگر حکومت تغییر یابد، افرادی به مجلس خبرگان راه پیدا کنند که «رهبری خامنه‌ای» را مورد تردید قرار داده و یا بخواهند بر کارهای او نظارت کنند. به همین خاطر جناح حاکم در مقابل فشارهایی که برای تغییر ضوابط انتخابات و حذف نظارت استصوابی شورای ادامه در صفحه ۳

ریاست جمهوری مورد مناقشه قرار خواهد گرفت. منافع جناح حاکم و ولی فقیه ایجاب می‌کند که نتور انتخابات گرم شود تا آن‌ها بر بوق‌های تبلیغاتی بدمند که مردم از ولایت فقیه دفاع می‌کنند. ولی تجربه انتخابات ریاست جمهوری برای آن‌ها تلخ بود. انتخابات ریاست جمهوری چنان داغ شد که اکثریت مردم به کاندیدای ولی فقیه «نه» گفتند. این بار جناح حاکم واهمه دارد که

در این مدت کوشیدند روند تحولات مثبت را متوقف و اوضاع سیاسی کشور را به قبل از انتخابات ریاست جمهوری برگردانند.

**مجلس خبرگان، دست بخت ولی فقیه و جناح حاکم**  
خامنه‌ای و سران جناح حاکم به‌خوبی آگاه هستند که انتخابات مجلس خبرگان در ذهنیت مردم و در مجامع بین‌المللی با انتخابات

روز اول آبان ماه در انتخابات مجلس خبرگان بار دیگر، «ولایت فقیه» مورد قضاوت مردم قرار خواهد گرفت. در سال گذشته اکثریت مردم کشور مادر انتخابات ریاست جمهوری به ولایت فقیه و به حاکمیت نیروهای ارتجاعی «نه» گفتند. پس از انتخابات ریاست جمهوری روندها به سود گشایش فضای سیاسی پیش رفت، اما ولی فقیه و جناح حاکم

## مجلس طرح جداسازی امور پزشکی را تصویب کرد

مجلس شورای اسلامی هفته گذشته طرح انطباق امور پزشکی با موازین شرع را به تصویب رساند. با تصویب این طرح کلیه مراکز پزشکی و وابسته به پزشکی، نظیر بیمارستان، زایشگاه، آسایشگاه، آزمایشگاه، پلی‌کلینیک‌ها، مطب پزشکان و داروخانه‌ها محل کار سایر اقتشار پزشکی و موسسات مربوطه، مراکز بهداشتی درمانی شهری و روستایی، بخش‌های تزریقات و پانسمان و یاهر تشکیلاتی که به هر نام و عنوان و با اجازت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی ایجاد شده یا خواهد شد (اعم از بخش دولتی، خصوصی و خیریه) و واحدهای مشابه در دانشگاه‌های علوم پزشکی زنانه و مردانه می‌شود و تمام کارکنان فنی و اداری و خدماتی زنان و مردان از هم جدا می‌شود. براساس این مصوبه، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی موظف است به منظور انطباق درمسانی، بهداشتی و آموزش پزشکی با موازین شرع مقدس اسلام، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی و تدوین این‌نامه اجرایی، جهت عملی نمودن انطباق امور مذکور با موازین شرع را به انجام رساند.

## در آستانه انتخابات مجلس خبرگان سرکوب منتقدین تشدید می‌شود

### عوامل ارتجاع چندین نشریه دیگر را تعطیل کردند

توس تاکنون هیچ دادگاهی تشکیل نشده است. به دستور مستقیم خامنه‌ای این روزنامه را بسته و نویسندگان اصلی آن را به زندان انداخته‌اند و از این رو تصمیم هیات نظارت بر مطبوعات، یک تصمیم ضدقانونی است.

**ماهنامه جامعه سالم توقیف شد**  
دادگاه مطبوعات در جلسه روز دوشنبه ۶ مهرماه خود، ماهنامه جامعه سالم را تعطیل کرد. شاکي این ماهنامه، دادستانی کشور و انجمن اسلامی دانشکده فنی دانشگاه تهران بودند. دادستانی انتشار مقاله «این مقاله عنوان ندارد» در این ماهنامه را، که به فسادگسترده در جامعه پرداخته و آن را نتیجه وجود استبداد و دیکتاتوری دانسته بود، «توهین به مسئولان نظام» نامید و دادگاه به استناد این مقالات، این ماهنامه مستعمل

شیخ محمد یزیدی، هیات نظارت بر مطبوعات در یک جلسه فرمایشی «به اتفاق آراء» امتیاز این روزنامه را لغو کرد و پرونده آن را به دادگاه مطبوعات فرستاد. جرم این روزنامه «اهانت» به «رهبر انقلاب» عنوان شده است. توس به هنگام سفر ژیسکار دستن رئیس جمهور سابق فرانسه به تهران با او مصاحبه کرد و سخنان او را که گفته بود آیت‌الله خمینی به هنگام ورود به فرانسه از این کشور تقاضای پناهندگی سیاسی کرده بود، به چاپ رساند. روزنامه توس را به جرم درج این «اهانت» با استناد به ماده ۲۷ قانون مطبوعات بسته‌اند. مطابق این ماده قانون، اهانت به «رهبری» به لغو پروانه امتیاز نشریات منجر می‌شود. مطابق بند دیگری از همین قانون، تشخیص جرم باید در دادگاه و با حضور هیات منصفه مطبوعات صورت گیرد. در مورد روزنامه

- به حکم دادگاه، ماهنامه جامعه سالم و نشریه عصر ما توقیف شدند
- پروانه انتشار روزنامه توس لغو شد
- ۲۷۲ روزنامه‌نگار، به سرکوب مطبوعات در ایران اعتراض کردند

**خامنه‌ای: منتقدین خان، دشمن و برانداز هستن!**  
علی خامنه‌ای در سخنرانی‌های متعدد خود در دو هفته گذشته، عوامل خویش را به ادامه سرکوب فرا خواند و در سخنانی که روز چهارشنبه گذشته ایراد کرد، صریح‌تر از هر زمان، مطبوعات مخالف و نویسندگان را خرابکار، دشمن و برانداز نامید. خامنه‌ای که در جمع بسیجیان سخنرانی می‌کرد، گفت: کسی که در عرصه نظامی، امنیتی و فرهنگی خصومت بورزد، دشمن است و باید با او مقابله کرد. خامنه‌ای «نوشتن با هدف ناامید

## اوضاع در مرزهای ایران و افغانستان هم چنان نگران‌کننده است

نکنند. پیش از آن نیز طالبان ادعا کرده بودند که جنگنده‌های جمهوری اسلامی که در شرق کشور مشغول مانور هستند، حریم فضایی افغانستان را نقض کرده‌اند. فرماندهان نظامی جمهوری اسلامی این ادعا را رد کردند. ماجراجویی‌های نظامی در شرایطی صورت می‌گیرد که طالبان به هر اقدامی متوسل

این فرمانده سپاه در جریان این زد و خوردها سه پاسگاه مرزی افغانستان به کلی منهدم شده است. در پی این درگیری، طالبان اعلام داشتند افغانستان را به «گور جمعی» جمهوری اسلامی تبدیل خواهند کرد و مقامات و روزنامه‌های جمهوری اسلامی نیز هر یک به زبان و بیان خود، به تهدیدات متقابل دست زدند و طالبان را تهدید کردند که گامه صبر آن‌ها را لبریز

- خامنه‌ای با نماینده ویژه سازمان ملل گفت: جمهوری اسلامی جنگ را اولین راه حل بحران افغانستان نمی‌داند
- دبیر کل سازمان ملل متحد: بحران افغانستان به سمت مناقشه کامل منطقه‌ای پیش می‌رود

تشن در نوار مرزی ایران و افغانستان رو به افزایش است. روز پنجشنبه گذشته، یک فرمانده سپاه پاسداران در شرق کشور اعلام کرد سربازان طالبان با تیربار و خمپاره به پاسگاه

### سرمقاله

## اول آبان

### اراده مردم در برابر اراده ولی فقیه!

اقدامات دشمنان آزادی علیه همه دستاوردهای مبارزات مردم در یک سال و نیم گذشته، به یک تهاجم تمام‌عیار تبدیل شده است، تهاجمی که هدف آن، ایجاد اختناق کامل در کشور است. این تهاجم با نزدیک شدن انتخابات مجلس خبرگان سرعت گرفته و بی‌شک یکی از اهداف اصلی آن فراهم ساختن شرایط مطلوب مستبدین برای یک «انتخابات» کاملاً کنترل شده و فرمایشی و معاندت از درگیری جناح‌های مخالف در حکومت به مرحله‌ای غیرقابل کنترل است. اما این تهاجم و تلاش برای بازگرداندن اختناق کامل در کشور، به هیچ روی تنها به انتخابات مجلس خبرگان محدود نمی‌شود و همان‌گونه که آیت‌الله خامنه‌ای در یکی از سخنرانی‌های اخیر خود اعلام کرد قصد دارد آن را «تا آخر» ادامه دهد. خامنه‌ای در این تصمیم شوم و جنایتکارانه موفق خواهد شد، اگر در برابر نیت و امیال مستبدانه او نیرویی عرض اندام نکند، اما روی‌دادهای ایران به ویژه در یک سال و نیمه اخیر نشان داده است که این نیرو وجود دارد و مساله تنها در آن است که به درستی به کار گرفته شود.

هدف اقدامات اخیر دشمنان آزادی، به ویژه سرکوب دو نیروی معترض و نافرمان در جامعه، یعنی روشنفکران و دانشجویان است. مطبوعات به عنوان جبهه نخست مبارزه علیه استبداد، مورد یورش وسیع و کاملاً برنامه‌ریزی شده‌ای قرار گرفته‌اند و ارتجاع این یورش را به دانشگاه‌ها گسترش داده است.

موتور و نیروی محرکه اختناق سیاهی که دامن می‌گسترده، علی خامنه‌ای در مقام ولی فقیه است. حوادثی که هم‌اینک در میهن ما جاری است، یک بار دیگر این حقیقت را به اثبات رساند، که ولایت فقیه، بزرگ‌ترین دشمن آزادی، اصلاح و پیشرفت در ایران است. تا پیش از این که او به طور آشکار و مستقیم به رودر رویی با روند اصلاحات و گسترش فضای باز سیاسی در ایران برخیزد، تلاش‌های مرتجعین، علی‌رغم موفقیت‌های موضعی، بی‌سرانجام ماند و نتوانست در برابر خواست‌های مردم فزاینده‌تر مردم برای آزادی، دیواری مستحکم فراهم آورد. اما اکنون با دخالت آشکار خامنه‌ای، مرتجعین بسیار پیش‌تاخته‌اند. مقام مافوق قانون ولی فقیه، که هر فرمان و دستور او را به قانون تبدیل می‌کند، همه «موانع قانونی» سرکوب آزادی‌خواهان و اصلاح‌طلبان را از سر راه بر می‌دارد. چنین است که اکنون یک سال و نیم پس از تکرار شعارهای اجرای قانون، احترام به حقوق مردم، جامعه مدنی، آزادی و سایر شعارهایی که از سوی آقای خاتمی عنوان شد و در جامعه، مقبولیت وسیعی یافت، همه این شعارها و همه تعهدات اعلام شده، زیر پای عوامل استبداد ادامه در صفحه ۳

## هزاران دانشجو به نحوه برگزاری انتخابات خبرگان و سرکوب مطبوعات اعتراض کردند

در پایان این مراسم دانشجویان با شعار «مرگ بر انحصار، مرگ بر استبداد!» و «یزدی، یزدی، استعفا، استعفا!» به راهپیمایی پرداختند

ادامه از صفحه اول  
اجتماع کرده بودند، گروه انبوهی از مردم و خانواده‌های آنان نیز در خیابان‌های اطراف دانشگاه به نشانه پشتیبانی از این تظاهرات گرد آمدند. دانشجویان در این تظاهرات سیاست‌های شورای نگهبان را محکوم کردند و شعارهایی در دفاع از روزنامه توقیف شده توسط شورای نگهبان و دفاع از آزادی مطبوعات سر دادند. برخی از شعارهای تظاهرات که از بلندگو پخش و توسط دانشجویان و جوانان تکرار می‌شد، عبارت بودند از: «شکسته شد حرمت اهل قلم»، «توسط دشمن اصل قلم!»، «نظارت جناحی ملت نمی‌پذیرد، ایرانی مسلمان قلم نمی‌پذیرد!»، «خبرگان واقعی ایجاد باید گردد، مجلس فرمایشی ملغی باید گردد!»

در این تظاهرات هادی خامنه‌ای مدیر مسئول روزنامه جهان اسلام و میثم سعیدی از اعضای شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت سخنرانی کردند.

هادی خامنه‌ای در سخنرانی خود سیاست شورای نگهبان در تأیید صلاحیت داوطلبان انتخابات خبرگان و برخورد‌های خطی و جناحی این شورا را مورد انتقاد شدید قرار داد. او در بخش دیگری از سخنانش خواهان برخورد قانونی با مطبوعات شد. وی در رابطه با حوادث هفته‌های اخیر گفت: فضا نباید با خشونت آلوده شود، فضا نباید نظامی شود و به بهانه مبارزه با سوطه‌های بیگانگان، بعضی از اهداف سیاسی داخلی پیگیری شود.

میثم سعیدی، نماینده دفتر تحکیم وحدت نیز در سخنرانی خویش لزوم دفاع از آزادی مطبوعات را مورد تأکید قرار داد و گفت: مطبوعات به منظور ایجاد هماهنگی بین بخش‌های مختلف جامعه باید از آزادی لازم برخوردار باشند.

مراسم دانشجویان در دانشگاه تهران، بار دیگر مورد حمله گروهی از انصار و نویسندگان حزب‌الله قرار گرفت، اما این بار آنان نتوانستند این مراسم را برهم بزنند.

در پایان این گردهمایی، گروهی از دانشجویان دست به راهپیمایی زدند. دانشجویان شعار می‌دادند: «مرگ بر انحصار، مرگ بر استبداد!» و «یزدی، یزدی، استعفا، استعفا!».

**اعتراض در دانشگاه‌های مختلف**  
به دنبال بازگشایی دانشگاه‌ها

چند هفته از بازداشت ۵ تن از نویسندگان و مسئولان روزنامه توس سپری شده است، این عدد هنوز در زندان به سر می‌برد و اتهامات آنان اعلام نشده است. مسئولان حکومت با استفاده از اتهامات کهنه و تکراری چون اقدام علیه امنیت ملی و تشویش اذهان عمومی، این گروه را در زندان نگاه داشته‌اند. هفته پیش حیات نظارت بر مطبوعات امتیاز این روزنامه را به این دلیل لغو کرد که توس با چاپ یک مصاحبه با والری ژیسکار دستن، به آموزش و پرورش اعلام شد، میزان موارد اعتیاد به مواد مخدر در میان دانش‌آموزان به دو برابر رسیده است.

## یادداشت

### آنچه رفسنجانی می‌خواهد

رفسنجانی رئیس مجمع تشخیص مصلحت رژیم که این‌جا و آن‌جا لقب آیت‌اللهی هم گرفته است، هفته گذشته در یک مصاحبه با رادیو تلویزیون جمهوری اسلامی از عملکرد شورای نگهبان در نحوه صدور مجوز برای نامزدهای مجلس خبرگان دفاع کرد و گفت اگر کسی انتقادی دارد، بگذارد برای بعد از انتخابات، چرا که «امروز برای طرح انتقاد مناسب نیست».

دست راست خمینی که دوست دارد هنوز او را همه‌کاره رژیم بدانند و عادت کرده است از موضع بالاتر از همه شرکایش در قدرت سخن بگوید، در شرایطی مهر تأیید بر تصفیه بی‌سابقه کاندیداهای جناح چپ حکومت توسط گماشتگان خامنه‌ای می‌زند که اعتراض به اقدام شورای نگهبان در جناح چپ رژیم و در جامعه اوج گرفته است. طبق اطلاعیه سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، تنها ۸ کاندید جناح چپ رژیم از صافی شورای نگهبان گذشته‌اند. کاملاً آشکار است که رفسنجانی با جناح راست بر سر دور نگه داشتن طرفداران خاتمی از مجلس خبرگان به توافق رسیده است.

بدین ترتیب بار دیگر «سردار سازندگی» ثابت می‌کند که نه تنها در مبارزاتی که برای تحمیل اصلاحات به روحانیت حاکم چیران دارد، بی‌تفاوت نیست، بلکه هرآنچه در توان دارد به کار می‌گیرد تا اصلاحات واقعی صورت نپذیرد و حتی با هرگونه تلاش برای تغییرات ناچیز در مجلس خبرگان هم سازگاری ندارد. اگر خامنه‌ای خطاب به اصلاح‌طلبان پیرامون حکومت با توپ و تشر سخن می‌گوید، رفسنجانی گمان می‌کند که خنرش در تقاب بر چهره گرفتن و تظاهر به همراهی موعی با این نیروها در عین زد و بند با خامنه‌ای و روحانیت محافظه کار است. اما دیری است که دروغ‌های این مظهر ماکیاولیسم در رهبری جمهوری اسلامی، دیگر خریداری ندارد. نیروهای مسلمانی که رفسنجانی می‌کوشد به گونه‌ای ظاهرالصلاح در آچمز و به خود امیدوارشان نگه دارد، به طور آشکار بی‌اعتمادی خود را به «سردار سازندگی» ابراز می‌کنند. در حقیقت امروز هرکس فریب رفسنجانی را بخورد، خود می‌خواهد که فریبش دهد!

رفسنجانی، بارزترین مظهر فریب و ریا در حکومت جمهوری اسلامی است، اما تنها شاگرد مکتب ماکیاولی در این حکومت نیست. رفسنجانی، این شیوه را به بالاترین حد از «تکامل» رسانده است. اما بی‌سازندگی شاگردان او که الگویشان «سردار سازندگی» است، از این گونه هم از توبره و هم از آخور خوردن‌ها را در ماه‌های اخیر فراوان دیده‌ایم. وزیر ارشاد کابینه خاتمی (که دست‌پرونده رفسنجانی است)، گاه به دیدن روزنامه‌نگاران منتقد می‌رود و گاه شکستن قلم همان‌ها را تأیید می‌کند. ده‌ها نماینده مجلس، اول به وزیر کشور خاتمی رأی می‌دهند و هنوز یک سال نشده به استیضاح‌کنندگان او می‌پیوندند. این شیوه در حکومت طرف‌داران فراوان دارد که یکی به نعل و یکی به میخ زدن را درایت سیاسی می‌دانند.

تا آنجا که به رفسنجانی مربوط می‌شود، اهداف و مقاصد او روشن است. رفسنجانی مراقب است تا اساس ساختار قدرت در جمهوری اسلامی آسیب نبیند، او بقای خود را در بقای ولایت و بقای خامنه‌ای می‌بیند و از این رو در مصاحبه اخیر خود نیز تأکید کرده است که انتخاب خامنه‌ای به رهبری توسط خبرگان، بهترین انتخاب بود. رفسنجانی می‌داند که خامنه‌ای برای بقای خود به او نیازمند است، و هیچ‌کس نیست که به اندازه خامنه‌ای بدو نیازمند باشد، این دو، در برابر جنبش مردم برای آزادی، برای به سلامت به در بردن ساختار قدرت مشترک خود توطئه کرده‌اند.

اگر اصلاح‌طلبان درون و پیرامون حکومت واقعاً به شعارها و خواسته‌هایی که در راستای بسط آزادی‌ها مطرح کرده‌اند وفادار باشند، لاقول دیگر باید از این پس میدان عوام‌فریبی به رفسنجانی ندهند. جبهه رفسنجانی در بیست سال گذشته همواره در جهت حفظ «عمود خمیه» رژیم ولایت فقیه بوده است و اکنون با پیشرفت روند تحولات آزادی‌خواهانه در کشور، او به سیاست خود آشکاری بیشتر داده است و از انتخاب تاریخی و ثابت خود با صراحت بیشتری سخن می‌گوید.

## مجازات قاچاقچیان مواد مخدر

### تا ۱۰ برابر افزایش یافت

آیت‌الله مقتدایی، دادستان کل کشور، روز چهارشنبه ۸ مهرماه اعلام کرد بر اساس قانون جدیدی که به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسیده است، مجازات قاچاقچیان مواد مخدر، در برخی موارد تا ۱۰ برابر تشدید شده است. به گفته وی بر اساس قانون جدید، که از اول مهرماه سال ۱۳۷۷ در دادگاه‌های انقلاب سراسر کشور به اجرا گذارده شده است، اعتیاد جز در مواردی که معتاد در حال درمان باشد، نه بیماری، بلکه جرم محسوب می‌شود. مطابق این قانون، مجازات معتادان در حال درمان تعلیق می‌شود و در صورتی که معتاد گواهی ترک اعتیاد بگیرد، مجازات او لغو خواهد شد. مقتدایی گفت، بر اساس قانون تشدید مبارزه با قاچاقچیان مواد مخدر، دارندگان ۳ گرم و بیشتر هرویین، به اعدام محکوم خواهند شد. دارندگان ۵۰۰ گرم تا ۵ کیلو تریاک به ۲۰۰ میلیون ریال جریمه نقدی، شلاق و ۱۵ سال

زندانی محکوم خواهند شد و کسانی که بیش از ۵ کیلوگرم تریاک داشته باشند، اعدام خواهند شد. در همین حال مقامات مسئول اعلام کردند که در طول ۱۹ سال گذشته، ۱۰۸۵ نفر از نیروهای انتظامی و امنیتی در مبارزه با قاچاقچیان مواد مخدر کشته شده‌اند. به گفته یک مقام مسئول هم‌اکنون ۳۰ هزار نفر نیروی نظامی و امنیتی در مرزهای کشور در امر مبارزه با قاچاق مواد مخدر مشغول هستند و ایران سالانه صدها میلیون دلار به این خاطر هزینه می‌کند.

علیرغم صرف این همه نیرو و سرمایه و مجازات‌ها و قانون‌های سخت‌گیرانه، رشد اعتیاد در ایران و به ویژه در میان جوانان، بسیار چشم‌گیر و فاجعه‌بار است. بر اساس آمارهای که چندی پیش از سوی مسئولین آموزش و پرورش اعلام شد، میزان موارد اعتیاد به مواد مخدر در میان دانش‌آموزان به دو برابر رسیده است.

## اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

### نویسندگان و روزنامه‌نگاران زندانی را آزاد کنید!

#### مردم ایران و نیروهای آزادی‌خواه!

نیروهای ارتجاعی به دنبال بازداشت عده‌ای از روزنامه‌نگاران، تعطیل روزنامه توس، نشریه جامعه سالم و راه نو و افزایش فشار به مطبوعات مستقل و منتقد، عده‌ای از نویسندگان سرشناس کشور را بازداشت و روانه زندان‌ها ساخته‌اند. هوشنگ گلشیری، محمد مختاری، منصور کوشان، علی اشرف درویشیان، کاظم کردوانی و محمد پوینده که در هفته گذشته بازداشت و پس از بازجویی آزاد شده بودند، مجدداً دستگیر شده‌اند.

ما بازداشت روزنامه‌نگاران و نویسندگان کشور را شدیداً محکوم می‌کنیم و خواهان آزادی هرچه سریع‌تر آن‌ها هستیم. ما از نیروهای آزادی‌خواه و مجامع بین‌المللی می‌خواهیم که صدای اعتراض خود را نسبت به این بازداشت‌ها بلند کنند و خواستار آزادی نویسندگان و روزنامه‌نگاران در بند شوند.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)  
۱۳ مهرماه ۱۳۷۷

## اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

### به دفاع از جنبش دانشجویی برخیزیم!

#### مردم ایران!

نیروهای ارتجاعی بعد از یورش سنگین به مطبوعات مستقل و منتقد، جنبش دانشجویی کشورمان را زیر ضرب گرفته‌اند. این بار نیز همانند هجوم به مطبوعات، حکم و مجوز حمله از جانب شخص خامنه‌ای صادر شده است. از یک سو روزنامه‌های وابسته به جناح ارتجاعی حکومت، حمله خود را بر دانشگاه‌ها و تشکل‌های دانشجویی موجود متمرکز کرده‌اند و از سوی دیگر مجلس شورای اسلامی علیرغم مخالفت وزارت فرهنگ و آموزش عالی، طرح قانونی کردن بسیج دانشجویی را به تصویب رسانده است و بدین ترتیب از این پس ما شاهد استقرار روزافزون نیروهای نظامی در دانشگاه‌ها خواهیم بود.

مطبوعات و جنبش دانشجویی در یک سال گذشته در دفع تعرضات نیروهای ارتجاعی نقش برجسته‌ای داشته‌اند. به همین خاطر خامنه‌ای و جناح حاکم، مطبوعات و جنبش دانشجویی را به عنوان سدی در مقابل پیشبرد نقشه‌ها و برنامه‌های خود می‌بینند و در طی چند ماه اخیر حمله سنگین ارتجاع عمدتاً متوجه مطبوعات بود که سرانجام به تعطیلی عده‌ای از روزنامه‌ها و نشریات مستقل و دستگیری روزنامه‌نگاران و نویسندگان انجامید. اکنون نوبت به جنبش دانشجویی رسیده است.

#### دانشجویان و نیروهای آزادی‌خواه کشور!

جنبش دانشجویی در کشور ما جنبشی است ریشه‌دار و دارای سابقه مبارزاتی طولانی. رژیم شاد علیرغم ترغدهای گوناگون، از جمله استقرار گارد در دانشگاه‌ها، نتوانست ریشه این جنبش را بکند. خامنه‌ای و جناح ارتجاعی هم با هر ترغدها از جمله استقرار نیروی بسیج در دانشگاه‌ها نتوانست با توطئه و سرکوب، جنبش اعتراضی دانشجویی را خفه کند.

اکنون جنبش دانشجویی با جنبش آزادی‌خواهی در کشور پیوند خورده است. دانشجویان مبارز باید با شعار آزادی و استقلال جنبش دانشجویی طیف هر چه وسیع‌تری از دانشجویان را بسیج کنند، با حرکات مبارزاتی در سطح جامعه پیوند ایجاد نمایند و در مقابل تهاجم نیروهای ارتجاعی بایستند. ما همه نیروهای آزادی‌خواه کشور را به دفاع از جنبش دانشجویی فرا می‌خوانیم!

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)  
۱۷ مهرماه ۱۳۷۷ - ۱۹ اکتبر ۱۹۹۸

## اطلاعیه کمیسیون زنان سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

### لایحه جداسازی جنسی در زمینه خدمات پزشکی به تصویب رسید

سرانجام مجلس شورای اسلامی روز یکشنبه، ۱۲ مهرماه ۱۳۷۷، در شور نهایی خود طرح «انطباق موسسات پزشکی با موازین شرعی»، یا در واقع «انطباق جداسازی زنان از مردان در زمینه خدمات پزشکی را، با وجود مخالفت‌های جامعه پزشکی و توده مردم و علی‌رغم موانع جدی جهت اجرای آن، به تصویب رساند. این طرح کلیه مراکز پزشکی از قبیل بیمارستان‌ها، زایشگاه‌ها، آسایشگاه‌ها، پلی‌کلینیک‌ها، مطب پزشکان و حتی داروخانه‌ها را شامل می‌شود.

در ماده ۵ این طرح چنین آمده است:

«اقدامات تشخیصی، درمانی، جابجایی بیماران و غیره باید توسط کارکنان هم‌جنس به عمل آید. در موارد ضروری به تشخیص بالاترین مسئول مرکز با رعایت ضوابط شرعی و حضور یکی از کارکنان هم‌جنس، یا یکی از محارم بیماری توان‌ازکارکنان غیر هم‌جنس استفاده نمود. پرستاری اطفال زیر ۱۴ سال توسط کارکنان زن انجام می‌گیرد. آئین‌نامه اجرایی این قانون حداکثر ظرف مدت شش ماه توسط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تهیه و پس از تصویب هیئت وزیران، لازم‌الاجرا می‌باشد.

این در حالی است که در صورت اجرای این قانون، با امکانات محدود پزشکی در ایران، میلیون‌ها زن ایرانی از دسترسی به خدمات پزشکی محروم و مرگ حتمی بسیاری را به دنبال خواهد داشت.

تصویب این طرح فوق ارتجاعی علیه زنان، در حالی صورت می‌گیرد که زنان کشور با شرکت در انتخابات دوم‌خرداد و ایجاد تغییراتی در وضعیت سیاسی کشور، می‌خواستند و امیدوار بودند که تضمینات علیه زنان کاهش یابد. متأسفانه دولت آقای خاتمی در برابر هیچ‌یک از تبعیضاتی که علیه زنان اعمال شده و می‌شود، موضعی انتقادی اتخاذ نکرده، گویا مسئله زن خارج از چارچوب کلی وعده‌های انتخاباتی و برنامه‌های دولت قرار دارد. روشن است که حرف از آزادی و حقوق بشر و جامعه مدنی، بدون اتخاذ موضع روشن و ترقی‌خواهانه در رابطه با مسائل زنان، از مضمون تهی است.

این طرح زمانی به تصویب رسید که تعرض نیروهای راست برای پیشبرد یک کودتای خنثی و بازگرداندن اوضاع کشور به وضع قبل از دوم‌خرداد، شدت می‌گیرد. اما زنانی که با دوم‌خرداد و عزمی تازه به میدان آمده‌اند، در مقابل این تعرضات و طرح‌های ارتجاعی به مقابله برخاستند.

نیروهای ارتجاعی جمهوری اسلامی تعرض و سرکوب علیه زنان ایران را ادامه می‌دهند و با اقدامات خود به همه زنان جهان و کل بشریت ترقی‌خواه توهین می‌کنند.

ما از همه آزادی‌خواهان و محافل مترقی و بین‌المللی می‌خواهیم در مقابله با بی‌عدالتی‌ها و قوانین ضد زن جمهوری اسلامی، با زنان ایران هم‌صدا شویم.

کمیسیون زنان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) - ۱۶ اکتبر ۱۹۹۸ - ۱۴ مهر ۱۳۷۷

## وزیر اطلاعات:

### دستگیرشدگان مطبوعاتی

### به دنبال ایجاد جمهوری سوم بودند!

نویسندگان بازداشت شده، می‌کوشند افکار عمومی را آرام و اعتراض به این دستگیری‌های غیرقانونی را خاموش سازند. دو هفته‌نامه عصر ما در شماره اول مهرماه خود خبر داد که آقای خاتمی پیش از سفر به نیویورک، در ملاقات با جمعی از بلندپایگان حکومت، به این بازداشت‌ها اعتراض کرده و

به دنبال جمهوری سوم هستند که آنان دولت فعلی را پلی تصور می‌کنند که می‌توانند از طریق آن به هدف‌های خودشان برسند. اظهارات وزیر اطلاعات نشان می‌دهد که چسبه عوامل ارتجاع به راستی خالی است و با سرهم‌بندی کردن تحلیل‌های خنده‌آور خود به عنوان اتهامات

تلقی شده است یا آنان هنوز اتهامات دیگری را در آستین دارند که رو نکرده‌اند؟ روز ششم مهرماه، دری نجف‌آبادی وزیر اطلاعات، در برابر پرسش افکار عمومی، سرانجام «اتهامات» این عده را برشمرد و گفت: «برخی از کسانی که اخیراً در ارتباط با مطبوعات دستگیر شده‌اند، بیان کرده‌اند که

زمینه آزادی دستگیرشدگان فراهم آمده است. همراه با انتشار این خبر، بستگان نویسندگان زندانی، به ویژه خانواده جلالی‌پور، که به دلیل داشتن ۳ شهید از اعتباری در حکومت برخوردار است، لحن انتقادات خود را آرام‌تر کرده و به امید آزادی مسئولان توس نشستند، اما این پیش‌بینی‌ها و اخبار هیچ کدام به حقیقت نپیوسته است. نویسندگان روزنامه توس کماکان در بازداشت به سر می‌برند، جرایم آن‌ها به درستی اعلام نشده است و تاریخ دادگاه‌شان نیز معلوم نیست!

## آقای خاتمی کردار رفسنجانی را پی نگیرد

پس از دوم خرداد ۷۶ و انتخاب آقای خاتمی با آن پشتوانه ۲۰ میلیونی به ریاست جمهوری، چشم‌های بسیاری به اقدامات وی دوخته شد. شعارها و وعده‌های خاتمی سبب شد رای منفی میلیون‌ها ایرانی به روش و منش جمهوری اسلامی در طی دو دهه حیات آن، امید و آرزوی مردم به ایجاد تغییرات در رای مثبت آنان به خاتمی بازتاب یابد. پس از دوم خرداد نیروی عظیمی در جامعه ما پا به میدان و عرصه مبارزه گذاشت که توان و پتانسیل ایجاد تغییرات عمیق و جدی را دارد. غولی از شیشه رها شد که به پیچ وجه در خیال بازگشت به زندان قبلی خود نیست. این امید باروتی شد که بتواند به شکل مسالمت‌آمیز با اتکا به این نیرو، به سمت ایجاد تحولات سیاسی در کشور حرکت کرد.

خطیر بودن اوضاع و کیفیت انتخاب خاتمی به حرکات و موضع‌گیری‌های وی حساسیت ویژه‌ای بخشید و هم اعمال و هم بی‌عملی‌های وی مورد توجه خاص مردم قرار گرفت. زیرا که به دلیل موقعیت و نقش و مسئولیت او، همه آن چه او می‌کند و نمی‌کند در بعد تاریخی مورد قضاوت دقیق و قاطع قرار خواهد گرفت. از دوم خرداد به بعد روشن بود که پیش‌در شعارها و وعده‌های داده شده در باره حقوق شهروندی و آزادی‌های اساسی، با نظام و حکومت ولایت فقیه مایهت دارد. در این میان، تقید خاتمی به ولایت فقیه و اصل از نظر وی خدشه‌ناپذیر حفظ کلیت نظام، که خود لاجرم دفاع از دامنه محدود آزادی و حقوق اساسی انسانی را در پی دارد، محدودیت‌های مضاعفی را برای وی شکل داده است. اما آقای خاتمی در همان حد محدودیت‌های خود ساخته و یا ناشی از شرایط نیز از امکانات موجود و نیروی مردمی که به او امید بسته‌اند، بهره‌نمی‌جوید. جلب نظر ولی فقیه و تأمین توافقی‌های پشت‌پرده و عدم مخالفت آشکار با اقدامات جناح مقابل به روال تقریباً معمول او تبدیل شده است. تقریباً در تمام تعرضات عوامل ولی فقیه، او ترجیح داده است بیشتر وارث سنت‌های رفسنجانی باشد تا تلاش کند به نوعی مناسب، بر نیروی پیکران آفرینندگان دوم خرداد تکیه کند.

در روزها و هفته‌های جاری موضع‌گیری‌ها و سخنان آقای خاتمی انسان را دچار این توهم می‌کند که گویا وی رئیس جمهور کشوری در سیاره‌ای دیگر است. وی که هر روز از برخورد تمدن‌ها و جامه‌مدنی و حقوق و آزادی‌های افراد و تساهل و مدارا و کرامت انسانی سخن می‌گوید، در برابر یورش سنگین به مطبوعات مستقل، بستن شماری از موثرترین نشریات و دستگیری دست‌اندرکاران آنان، به بند کشیدن نویسندگان دگراندیش که هر یک سرمایه‌ای ملی به حساب می‌آیند و در برابر تلاش برای بازآفرینی فضای رعب و خفقان هر چه بیشتر در کشور، و در برابر تهدیدات برای برگزاری یک انتخابات فرمایشی جناحی، سکوت کرده است. آقای خاتمی مهم‌ترین مسئول اجرایی کشور، با سکوت خود کاملاً در حاشیه رویدادهای سیاسی جاری کشور قرار گرفته است.

در شرایط عدم حضور آزاد و علنی احزاب مخالف، نشریات مستقل، عملاً علاوه بر وظیفه روشنگری و اطلاع‌رسانی، بخشی از مسئولیت سازمان‌گری اعتراض مردم را بر عهده داشته و به نوعی، شکل و اهرم دفاع مردم در مقابل تعرضات حکومت را شکل می‌دهند. خاموش شدن هر نشریه موثر، ضربه‌ای است به قدرت مقابله مردم در برابر تعرض حکومت و فتح یک خاکریز است توسط نیروهای سرکوبگر و ضد آزادی. واقعیتی است که فراتر رفتن خواست و مبارزه برای آزادی از چارچوب و ظرف قابل تحمل جناح‌ها و حد و حدود مورد تأیید آنان، آنچه که خود بر آن نام «تخطی از خط سرخ» و یا تلاش برای ایجاد «جریان سوم» نهاده‌اند، بر اغیاض و سکوت اصلاح‌طلبان درون حکومت و یا همچون مورد آقای مهاجرانی در کف‌زدن برای بستن نشریات، موثر بوده است.

آقای ابراهیم نبوی نویسنده ستون طنز روزنامه‌های تعطیل شده جامعه و توس که اکنون در زندان بسر می‌برد، یکبار در «ستون پنجم» روزنامه جامعه نوشت: آقای خاتمی برای اعتراض به دستگیری کرباسچی از چندین بیمارستان و خانه سالمندان دیدن کرد! باید افزود اکنون و در برابر موج اخیر یورش به مطبوعات و نویسندگان و دانشجویان این نوع از اعتراض آقای خاتمی شاید به اشکالی دیگر ادامه دارد. اما باید گفت که یورش اخیر ارتجاع به آزادی‌خواهان کشور دیری نخواهد پایید و با عقب‌نشینی و شکست مواجه خواهد شد، زیرا دیگر فریاد آزادی در کشور ما خاموش ناشدنی است. اما در صورت تداوم سکوت در برابر سرکوب آزادی‌ها، قضاوت تاریخ در مورد آقای خاتمی که در موقعیتی چنین خطیر قرار گرفته است، هزار بار تلخ‌تر از طنز آقای ابراهیم نبوی خواهد بود و ما همچنان می‌خواهیم که چنین نباشد. □

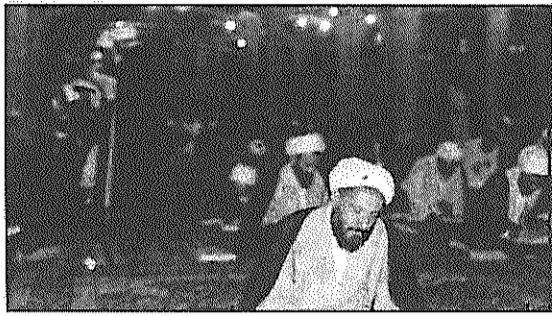
## با تحریم انتخابات مجلس خبرگان به ولایت فقیه «نه» بگوئیم

ادامه از صفحه اول  
نکته‌های صورت گرفت، ایستاد و به هیچ تغییری تن نداد. جریان‌های مختلف درون حکومت از جمله مجمع روحانیون مبارز و گروه کارگزاران در طی چندماه اخیر برای تغییر ضوابط انتخابات مجلس خبرگان کوشیدند. هدف آن‌ها این بود که ترکیب مجلس خبرگان به زبان حاکم تغییر یابد. قدرت لجام گسیخته‌ی خامنه‌ای مهار شود و کارهای او تحت نظارت قرار گیرد. آنها تحت نظارت حاکم با ایجاد حالت فرقی‌العاده در کشور و تشدید تنش بین ایران و افغانستان، نقشه‌های متعددی را علیه

## تبلیغات برای کشاندن مردم به نمایش رسوای «انتخابات» خبرگان شدت گرفت

- شورای نگهبان صلاحیت بیشتر کاندیداهای مجلس خبرگان را رد کرد
- در میان لیست تأیید شده شورای نگهبان تنها ۱۰ نفر از وابستگان به خط امام وجود دارد
- مجمع روحانیون مبارز و کارگزاران سازندگی اعلام کردند که در انتخابات شرکت می‌کنند

شده و دست‌بسته می‌بیند و همه زحمات چند ماهه خود را برای انتخاباتی حماسی، پرشور و کم‌تأثیر بی‌نتیجه می‌بیند. با این حال مجمع روحانیون مبارز در پایان بیانیه خود نوشته است از



صحنه‌ای از امتحان شورای نگهبان. این آقایان می‌خواهند در مورد سر نوشت مردم ایران تصمیم بگیرند!

مردم شریف ایران می‌خواهد که در روزهای باقی نگذاشته‌اند، احساس مسئولیت دینی در انتخابات خبرگان حضور یابند.

### کارگزاران شرکت می‌کنند

به دنبال مصاحبه هاشمی رفسنجانی با رادیو و تلویزیون که از عملکرد شورای نگهبان دفاع کرد، غلامحسین کرباسچی دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی اعلام کرد این حزب در انتخابات شرکت خواهد کرد.

دستگاه او هیچ حق انتخابی را برای مردم باقی نگذاشته‌اند، این است که همه واجدین شرایط به صورتی پرشور و آگاهانه در انتخابات شرکت کنند و با فکر و تحقیق به کسانی که تمایل دارند، رای بدهند!

### مجمع روحانیون مبارز: آش تسلیخی است ولی آن را بخورید!

نیروهای طرف‌دار دولت، تا زمانی که شورای نگهبان نتایج بررسی‌های خود را اعلام نکرده بود، سیاست تهدید به عدم شرکت در انتخابات را در پیش گرفته بودند، اما اکنون بخش مهمی از آنان نیز در کنار جناح سرکوب‌گر طرف‌دار خامنه‌ای برای دعوت مردم به شرکت در انتخابات رسوای مجلس خبرگان با این مستبدین هم‌صدا شده‌اند. مجمع روحانیون مبارز در اطلاعیه‌ای که عصر شنبه منتشر کرد و از بسند بند آن چنین نتیجه‌گیری می‌شود که مردم باید از چنین نمایش رسوایی‌کناره‌جویی کنند، آنان را به شرکت در این انتخابات فرا خواند! در این بیانیه ضمن اشاره به اقدامات شورای نگهبان با اشاره به آن که در استان قم تنها یک کاندیدا مورد تأیید قرار گرفته، نوشته است: این پدیده خود نشان‌دهنده عمق فضای نامساعدی است که به دلیل ندانم‌کاری‌ها و تنگ‌نظری‌ها و گرایش‌های یک‌جانبه برخی مسئولان امر و بعضی از جمعیت‌های سیاسی و احیاناً بعضی از مراکز قدرت به وجود آمده است. این بیانیه می‌افزاید: اکنون که شورای محترم نگهبان نتایج بررسی‌های نهایی خود را طی فهرستی اعلام کرده است، مجمع روحانیون مبارز هم‌زمان با اعلام کردیم که در حال حاضر در ایران ۳۹ میلیون نفر واجد شرایط رای دادن هستند.

مردم شریف ایران می‌خواهد که در روزهای باقی نگذاشته‌اند، احساس مسئولیت دینی در انتخابات خبرگان حضور یابند. این است که همه واجدین شرایط به صورتی پرشور و آگاهانه در انتخابات شرکت کنند و با فکر و تحقیق به کسانی که تمایل دارند، رای بدهند!

### ۳۹ میلیون نفر می‌توانند رای بدهند

مرکز آمار ایران اعلام کرد که در حال حاضر در ایران ۳۹ میلیون نفر واجد شرایط رای دادن هستند.

طریق کسانی به مجلس خبرگان راه می‌یابند که از صافی شورای نگهبان گذشته و ولی فقیه موجود یعنی خامنه‌ای را «لایس» می‌دانند. یعنی یک مدار بسته‌ای تشکیل شده است که هر حلقه‌ای، حلقه‌ی دیگر را انتخاب می‌کند. در این رابطه رای و نظر مردم تنها زینت بخش آن به حساب می‌آید. به علاوه بر پایه‌ی ضوابط انتخابات مجلس خبرگان، مردم حق کاندیدا شدن ندارند. انتخاب «رهبر» تنها در صلاحیت قشر معین و محدود یعنی روحانیون است و از میان آن‌ها نیز مجتهدین که تعدادشان به چند صد نفر نمی‌رسد، واجد صلاحیت نمایندگی مجلس خبرگان می‌باشند. شورای نگهبان نیز از بین چند صد نفر،

## اول آبان اراده مردم در برابر اراده ولی فقیه!

ادامه از صفحه اول  
و ولایت لگدمال می‌شود. دگراندیشان را راهی زندان‌ها می‌کنند، روزنامه‌های مخالف را می‌بندند و تهدیدات را به اوج می‌رسانند. این واقعیت روشن که ولایت فقیه، پرچمدار، محرک اصلی و «مشت آهنین» ارتجاع در سرکوب آزادی است، وظیفه همه آزادی‌خواهان را روشن می‌کند. مبارزه آزادی‌خواهانه در ایران نمی‌تواند از مبارزه با ولایت فقیه جدا باشد و به همان میزان که ولایت فقیه بیشتر و مستقیم‌تر جلودار این میدان می‌شود، مبارزه آزادی‌خواهانه و اصلاح‌گرانه در ایران نیز بیشتر به رویارویی و درگیری با آن کشیده می‌شود. اکنون که ولی فقیه عزم آن را کرده است پرچم تهاجم علیه آزادی را آشکارا در دست خود بگیرد، آزادی‌خواهان نمی‌توانند آزادی‌خواه بمانند، مگر پرچم مبارزه با ولایت فقیه را برافراشته‌تر سازند. چنین مبارزه‌ای البته نمی‌تواند در چارچوبه‌هایی که به ویژه از دوم خرداد به این سو، از سوی اصلاح‌طلبان حکومتی بر آنان تأکید شده است و با مرزهای قانونی تعریف می‌شود، محدود بماند. توجه به این حقیقت ساده که قوانین موجود هرگونه «اهانت» به رهبری جمهوری اسلامی را ممنوع کرده و هرگونه تلاش برای تغییر این قوانین را نیز ممنوع می‌دانند، اثبات می‌کند که مبارزه با سرچشمه فساد و استبداد در ایران، یعنی ولایت فقیه، نمی‌تواند در چارچوب قانون گسترش یابد. این یکی از دلایلی است که جنبه اصلاح‌طلبان حکومتی در ایران را سست می‌کند و در برابر دخالت آشکار اصلاح‌طلبان، بخش‌هایی از آن را پیش به تزلزل، سردرگمی و عقب‌نشینی می‌کشاند. به همان اندازه که علی خامنه‌ای در ایران بر حضور و تأثیر خود می‌افزاید، حضور محمد خاتمی کم‌رنگ می‌شود.

در این شرایط است که هاشمی رفسنجانی بار دیگر عوام‌فریبی و میانه‌بازی را به کنار گذاشته و نیت واقعی خویش را در دفاع از همه اقدامات ارتجاعی در جریان مجلس خبرگان آشکارا بیان داشته است. فشار ارتجاع به سرمداری خامنه‌ای، شکاف، تزلزل و عقب‌نشینی در میان بخشی از نیروهای مدافع اصلاحات حکومتی را نیز تشدید و آشکار کرده است و متزلزلین و فرصت‌طلبان به عوض کردن جبهه پرداخته‌اند. آقای عطاءالله مهاجرانی در بستن روزنامه‌ها با مرتجعین هم‌صدا شده، وزیر اطلاعات دولت اصلاح‌طلب، بر دامنه گستاخ‌ها و تهدیدات خود افزوده، کارگزاران سازندگی در برابر زورگویی‌های شورای نگهبان عقب نشسته‌اند و مردم را به شرکت فعال و باشکوه در انتخاباتی فرمایشی و دروغین فرا خوانده‌اند. این دسته، اکنون از مقاله با سرمنشا فساد و دیکتاتوری با طفره می‌روند و یا به آن تمکین می‌کنند. در بخش دیگر طرف‌داران دولت، یعنی خط امامی‌ها نیز به همان نسبت که به راس هرم قدرت نزدیک‌تر می‌شوند، این تزلزل‌ها به چشم می‌آید. سخنی که یک دانشجو در تریبون آزاد دانشجویی دانشگاه امیرکبیر خطاب به آقای مهاجرانی بر زبان راند، سخنی است خطاب به همه اصلاح‌طلبان حکومتی. این سخن چنین است که استیضاح مجلس را بر استیضاح ملت ترجیح ندهید. حمایت مردم از اصلاح‌طلبان حکومتی همیشگی نیست و هر اندازه که آنان به فشارهای جناح سرکوب‌گر تسلیم شوند، حمایت خود را در میان مردم از دست خواهند داد. ماکامان این نیروها را به ایستادگی در برابر فشارهای سرکوب‌گرانه فرا می‌خوانیم، تنها این ایستادگی است که رای اعتماد مردم را به دنبال خواهد آورد.

توده‌های مردم، دانشجویان و روشنفکران، بر خواسته‌های خود استناد دارند و نهیب‌ها و تهدیدهای ولی فقیه آنان را از میدان‌ها و سنگرهای که به دست آورده‌اند بیرون نرانده است. در میان مردم و به ویژه جوانان، محافظه‌کاری‌ها و حساسگری‌ها، کمتر دیده می‌شود. مردم اکنون در آستانه یک قدرت‌نمایی تاریخی دیگر قرار گرفته‌اند تا بر خواست‌های خود تأکید کنند و شور و انرژی دوباره‌ای را خلق نمایند. اول آبان ماه، زمانی است که اراده این مردم می‌تواند بار دیگر بسیاری از روندها را دگرگون سازد. طنین فریاد «نه» مردم به ولایت فقیه و مجلس دست‌بخت آن، هر چه رساتر باشد، «عمود خیمه» نظام را بیشتر خواهد لرزاند. امتناع از شرکت در نمایش انتخابات خبرگان ضربه سنگینی خواهد بود ولی فقیه که اکنون می‌خواهد پر و بال بیشتری بگشاید. «نه» مردم به ولایت فقیه هر چه پرطنین‌تر باشد، راه مبارزه آینده را هموارتر خواهد کرد، به دانشجویان، به نویسندگان، به روشنفکران، به آزادی‌خواهان ایران امید، جسارت و نیروی بیشتری خواهد بخشید و در صفوف مرتجعین هراس و شکاف بیشتری ایجاد خواهد کرد. این «نه» می‌تواند سکویی برای تقویت مبارزات آزادی‌خواهانه در ایران باشد و حتی به روحیه ضعف، ناامیدی و محافظه‌کاری در میان اصلاح‌طلبان حکومتی نیز ضربه قاطعی وارد آورد.

ما امید بسیار داریم که مردم ایران این فرصت تاریخی را به درستی مورد بهره‌برداری قرار دهند و بار دیگر اراده خود را بر اراده ولی فقیه که از آنان خواسته زینت بخش سناریوی ارتجاعی او باشند، تحمیل کنند. □

## با کمک‌های مالی خود ما را در انجام وظایف ملی - دموکراتیک‌مان یاری دهید

انتخابات و توطئه‌ها و اقدامات خامنه‌ای و جناح ارتجاعی علیه مطبوعات مستقل و منتقد را وسیله افشاء کرد. □ ما بر آنیم که با تحریم وسیع انتخابات مجلس خبرگان، باید نمایش انتخاباتی جناح حاکم را رسوا کرد و بار دیگر به ولایت فقیه «نه» گفت. □ ما شرکت‌نیروهای اصلاح طلب حکومتی در انتخابات مجلس خبرگان را خلاف مقاومت مردم در مقابل توطئه‌های خامنه‌ای و جناح حاکم می‌دانیم و آن را به زبان مواضع خود آنان هم ارزیابی می‌کنیم.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)  
۱۹ مهرماه ۱۳۷۷ برابر با ۱۱ اکتبر ۱۹۹۸

فقط صلاحیت طرف‌داران جناح حاکم را تأیید می‌کنند. بدین ترتیب از بین نزدیک به ۴۰ میلیون مردم واجد شرایط در کشور، تنها تعداد اندکی به عنوان صاحبان صلاحیت انتخاب‌کننده می‌شوند که «نفر اول» حکومت اسلامی به حساب می‌آید و از اختیارات فوق‌العاده‌ای در قانون اساسی برخوردار بوده و کارکرد آن در عمل فراتر از قانون است و به هیچ فرد و نهادی پاسخگو نمی‌باشد.

### مواضع ما

○ ما مجلس خبرگان را جزو نهاد ولایت فقیه می‌دانیم و به همین خاطر و به همراه مردم و هم‌سو با تحولات سیاسی کشور، خواستار لغو مجلس خبرگان

## به همبستگی با آزادیخواهان ایران در برابر یورش ارتجاع بر خیزیم!

ارتجاع حاکم در ایران، به دنبال سخنرانی خامنه‌ای علیه مطبوعات منتقد، در برابر آزادیخواهان شمشیر را از رو بسته است و یکی پس از دیگری دستاوردهای جنبش مردم ایران را هدف قرار داده است. چند نشریه مستقل و منتقد تعطیل شده‌اند. شماری از روزنامه‌نگاران به زندان افتاده‌اند و برای آنان پرونده «اقدام علیه امنیت ملی» ساخته‌اند. خطر آزادی همه کسانی را تهدید می‌کند که به گفته رحیم صفوی، بازوی سرکوب خامنه‌ای، با استفاده از فضای ایجادشده بر اثر مبارزات مردم، پس از سال‌ها خفقان، جرأت بیرون آمدن از تبعید داخلی را به خود داده‌اند. اگر امروز در برابر دستگیری روزنامه‌نگاران، مقاومت جدی نشود، فردا بار دیگر قتل روشنفکران مستقل و منتقد در دستور کار حکومت قرار خواهد گرفت.

مقاومت در برابر یورش ارتجاع، محدود به مبارزه داخل کشور نیست. در مقاطع مختلف، جنبش همبستگی با آزادیخواهان ایران در خارج از کشور، منشأ تأثیرات قابل توجهی در سرنوشت مبارزه روشنفکران و آزادیخواهان ایرانی داشته است. آخرین نمونه برجسته این تأثیر، کارزار دفاع از جان فرج سرکوبی بود که بدون تردید در واداشتن رژیم به آزاد کردن سرکوبی تأثیر تعیین‌کننده داشت.

متأسفانه سطح حرکت و فعالیت جنبش همبستگی با مردم ایران در خارج از کشور، در حال حاضر متناسب با خطراتی که از جانب ارتجاع، آزادیخواهان ایران را تهدید می‌کند نیست. در حالی که رژیم به فرمان رهبرش یکی پس از دیگری نشریات مستقل را می‌بندد، قلم‌ها را می‌شکند و حتی برخی از صاحبان قلم را به اسارت گرفته است، متناسب با این گسترده‌ترین یورش به آزادی از دوم خرداد ۱۳۷۶ بدین سو، حرکتی در خارج از کشور نمی‌بینیم.

این عدم تناسب بین یورش دشمنان آزادی و مقاومت در خارج از کشور البته با دلایل مختلف قابل توضیح است. اما تا آن جاکه به جنبه ذهنی و سیاسی موضوع مربوط می‌شود باید گفت از یک سو، توهماتی که نسبت به نیات و امکانات دولت خاتمی وجود داشته و دارد، برخی از نیروهای بالقوه جنبش همبستگی را از اقدام فعال برای سازماندهی اعتراضات جهانی باز داشته است. از سوی دیگر، این گمان در برخی نیروهای اپوزیسیون وجود دارد که مبارزات کنونی در ایران، در حد کشاکش جناح‌های مختلف حکومتی برای بردن سهم بیشتر از قدرت است.

## اوضاع در مرزهای ایران و افغانستان هم چنان...

● علیرغم کوشش‌های دیپلماتیکی که برای حل بحران افغانستان جریان دارد، واقعیت بسیار نگران‌کننده، همانا حضور نزدیک به ۲۵۰ هزار نیروی نظامی ایران در مرزهای افغانستان و محافل ذی‌نفوذ جنگ‌طلب در دو کشور ایران و افغانستان است.

ادامه از صفحه اول می‌شوند تا موقعیت خود را در سراسر خاک افغانستان به عنوان دولت رسمی این کشور به جامعه جهانی بقبولانند. در اواخر هفته گذشته سخن‌گویی طالبان اعلام داشت حکومت طالبان حاضر است در ازای به رسمیت شناخته شدن از سوی جهان، کشت مراد مخدر در افغانستان را متوقف کند. بر زمینه چنین تلاش‌ها و نیات است که برخی از کارشناسان سیاسی بر این باورند طالبان آغاز جنگ با ایران را به نفع خود می‌دانند تا با استفاده از آن، با کوبیدن بر ناسیونالیسم افغانی، موقعیت سیاسی خود را در میان مردم این کشور تقویت کند و در جنگ با یک دولت خسار جسی، در میان محافل بین‌المللی نیز عملا هویت دولتی کسب کند.

این همه اما در شرایطی است که در جمهوری اسلامی نیز محافل و نیروهای قدرت‌مندی وجود دارند که با استقبال از بحران خارجی جدید و دامن زدن به این بحران حتی تا شروع جنگی تازه، می‌کوشند در داخل کشور اختناق را بیشتر کنند و توجیه افکار عمومی را از تدابیری که در راس حکومت علیه جنبش آزادی‌خواهی کشور و نیز تضعیف اصلاح‌طلبان حکومتی وسیعا جریان دارد، محرف کنند. اما تا آن جاکه به دیپلماسی رسمی و دولتی برمی‌گردد، جمهوری اسلامی سخن از حل مسأله از راه سیاسی می‌رانند. سخنان مقامات رسمی ایران و نیز پاکستان در اجلاس نیویورک و حاشیه آن، و در جریان دیدار با نماینده ویژه دبیر کل سازمان

در برابر این هر دو گمان باید بر اهمیت سرنوشت جنبش مردم ایران تأکید کرد. این جنبش، که اکنون حیاتی مستقل از اراده این یا آن نیروی حکومتی دارد، گرانبهارتر از آن است که آن را به دست دولت‌مردان بسپاریم و برای دفاع از آن چشم امید به سیاستمدارانی در حکومت بدوزیم که در پایداری و ایستادگی در برابر ارتجاع، امتحان خوبی پس نمی‌دهند. و از سوی دیگر، مبارزه مردم و آزادیخواهان ایران گسترده‌تر از آن است که به خواست‌های یک جناح حکومتی محدود شود. خود حکومتی‌ها نیز این را دریافته‌اند و از «خط سوم» سخن می‌گویند، خط سومی که ما آن را همانا نیروی مستقل مردم و آزادیخواهان می‌دانیم. این نیروی که در محافل قدرت هیچ‌گاه مدافع مطمئنی ندارد، به شدت به دفاع آزادی‌خواهان در خارج از کشور نیازمند است.

وقت آن فرارسیده است که با بهره‌گیری از تجربه موفق کمیته‌های ضد ترور که به دنبال کشتار میکونوس تشکیل شد و بلاخره به رسوایی جهانی تروریسم دولتی جمهوری اسلامی انجامید، و کمیته‌های حمایت از فرج سرکوبی، مجامع مشابهی برای دفاع از روشنفکران، نویسندگان و روزنامه‌نگاران ایرانی تشکیل شود. سازماندهی چنین جنبشی، باید از چارچوب این یا آن سازمان سیاسی فراتر رود. همه آنهایی که در برابر سرنوشت جنبش آزادی در ایران احساس مسئولیت می‌کنند، باید با خیزند و دست به دست هم دهند و توجه جهانیان را به آنچه در میهن ما می‌گذرد جلب کنند. این امر به ویژه از آن رو اهمیت دارد که جمهوری اسلامی می‌کوشد با بهبود مناسبات با دولت‌های اروپایی، مسئله حقوق بشر را از دستور مذاکرات خارج کند. جای آن است که به جهانیان بگوییم علیرغم تبلیغات و ادعاهای دولت جمهوری اسلامی، اخیراً سرکوب آزادی در ایران دوباره شدت گرفته است و خطر، آزادیخواهان ایران را تهدید می‌کند. ما اطمینان داریم جمهوری اسلامی آنچنان به مناسبات جهانی خود وابسته است که هر گونه خنثی کردن دیپلماسی لیخنه آن در خارج در شرایط سرکوب حقوق بشر در ایران، می‌تواند در مقابله با یورش ارتجاع به آزادی‌ها مؤثر باشد.

نیروی خود را در خدمت آزادیخواهان ایران قرار دهیم و به وظیفه انسانی و دمکراتیک خود عمل کنیم. به دفاع از آزادیخواهان ایران برخیزیم.

### خاتمی:

#### جنگ اولین راه حل نیست

خاتمی در دیدار با نماینده ویژه سازمان ملل، سخن تندی را به کار گرفت و گفت: جنگ اولین راه حل مسأله افغانستان نیست. وی افزود: باید زورگویان را وادار کرد به ضوابط بین‌المللی تن بدهند و صلح واقعی در صورتی برقرار خواهد شد که ملت افغانستان قدرت انتخاب داشته باشد و دولتی فراگیر در افغانستان روی کار بیاید. خاتمی در این دیدار تأکید کرد: جمهوری اسلامی هیچ خواهد شد که ملت افغانستان «ولسوزو ایسمینی» در جمع خبرنگاران گفت: ما مدارکی در دست داریم که قاچاق مواد مخدر از افغانستان با مجوز انجام می‌گیرد.

#### سفر نماینده ویژه سازمان ملل

اختر ابراهیمی، نماینده ویژه سازمان ملل متحد در امور افغانستان هفته گذشته به تهران سفر کرد و با مقامات جمهوری اسلامی دیدار کرد. در دیدار او با کمال خرازی، بر اجرای قطعنامه و بیانیه شورای امنیت سازمان ملل و تصمیمات اجلاس ۶۰۲ تأکید شد. اختر ابراهیمی در دومین دیدار خود با وزیر خارجه ایران گفت خواسته‌های جمهوری اسلامی ایران و جامعه بین‌المللی یکسان است و طالبان باید به خواسته‌های جهانی تن بدهد. خرازی نیز گفت جمهوری اسلامی تلاش می‌کند تا با استفاده از راه‌های سیاسی مشکلات حل و فصل شوند، اما این صبر و خویشتن‌داری حد دارد و ما امیدواریم که مجبور به استفاده از راه‌های دیگر نشویم.

### «کار» را

#### به آشنایان خود معرفی کنید!

## مجلسین حضور بسیج در دانشگاه‌ها را قانونی کرد

رواج روحیه نظامی‌گری و گسترش شکل‌های نظامی در دانشگاه، فعالیت‌های دانشجویی را در چارچوب‌های خاصی محدود کند، ولی این گروه باید بدانند که روحیه میلتاریستی با روحیه پویا و جویای حقیقت هیچ‌گونه هماهنگی ندارد.

بسیج یک نیروی شبه‌نظامی است که زیر فرمان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قرار دارد، این بسیج چه دانشجویی باشد چه کارمندی و چه کارگری، خصلی نظامی دارد و حضور آن در مراکز غیرنظامی و به ویژه دانشگاه‌ها، پذیرفتنی نیست.

قانونی کردن بسیج دانشجویی، که بدون تردید با قدرت دادن بیشتر به آن نیز همراه خواهد بود، اقدام مستقیمی است برای کنترل دانشگاه‌ها و فراهم آوردن نیروی آماده برای سرکوب مبارزات دانشجویان.

زمانی که حکومت شاه‌گارد دانشگاه‌ها را در دانشگاه‌های ایران مستقر کرد، حضور آن خود منبع درگیری دایمی دانشجویان با آن گردید و اخراج‌گارد دانشجویی از دانشگاه به یکی از خواست‌های عمده دانشجویان مبارز تبدیل شد. اکنون نیز چنین خواهد شد. دانشجویان به بسیج و نیروی سرکوب‌گر، در هر لباسی که باشد، نیاز ندارند و از همین امروز شعار اخراج بسیج دانشجویی از دانشگاه‌ها نیز بر سر شعارهای دانشجویان افزوده شده است! □

کسی است که دشمن کینه گرفته را از یاد نمی‌برد و غافلانه خود و دانشگاه و کشورش را به دست تطاول دشمن نمی‌سپارد. خامنه‌ای در پیام خود منکر خصلت نظامی بسیج شد و نوشت: نباید تصور کرد که بسیج دانشجویی حتی در دورانی که کشور در حال جنگ مسلحانه نیست، یک مجموعه نظامی است.

اما ترکیب شرکت‌کنندگان در کنگره بسیج دانشجویی، خود نشانه «خصلت» این نیرو بود. در این کنگره، سرلشکر رحیم صفوی، فرمانده کل سپاه پاسداران، سرتیپ محمد حجازی فرمانده نیروی بسیج مقاومت، سرتیپ علیرضا افشار، فرمانده دانشگاه امام حسین حضور داشتند.

در جلساتی که در روزهای اخیر در دانشگاه‌های کشور برگزار شد، دانشجویان به مخالفت با طرح قانونی کردن بسیج دانشجویی برخاستند و آن را به مثابه حضور نیروهای نظامی در محیط‌های دانشگاهی محکوم کردند. از جمله در یک تریبون آزاد دانشجویی که در دانشگاه امیرکبیر تهران برگزار شد و در آن بیش از هزار دانشجو شرکت داشتند، سخنرانان، حضور بسیج در دانشگاه‌ها را محکوم ساختند و از نمایندگان مجلس خواستند که در شور دوم، از تصویب این طرح خودداری کنند. یکی از دانشجویان در سخنانش گفت: گروهی مایلند با

مجلس شورای اسلامی روز یکشنبه ۱۲ مهر ماه، کلیات طرح «ایجاد بسیج دانشجویی در دانشگاه‌های کشور» را به تصویب رساند. به موجب این طرح، فعالیت بسیج دانشجویی، که وابسته به نیروهای بسیجی است و تحت فرماندهی سپاه پاسداران قرار دارد، در دانشگاه‌های کشور قانونی می‌شود. تا پیش از این بسیج دانشجویی، در دانشگاه‌ها حضور داشت اما قانونی نبود و با امضای موافقت‌نامه‌ای میان وزیر آموزش عالی و فرمانده سپاه پاسداران تشکیل می‌شد. هنوز جزئیات قانونی کردن نیروهای بسیجی در دانشگاه‌های کشور تصویب نشده است.

وزارت فرهنگ و آموزش عالی با تصویب چنین طرحی مخالفت کرده است و وزارت دفاع از موافقین آن می‌باشد، معاون پارلمانی رییس جمهور معتقد است که نظر وزارت فرهنگ و آموزش عالی، نظر دولت می‌باشد. نمایندگان جناح اقلیت مجلس نیز با این طرح مخالفت کردند و آن را تلاشی برای کم‌کردن نقش انجمن‌های اسلامی دانشگاه‌ها می‌دانند.

هم‌زمان با مخالفت دولت با قانونی کردن بسیج دانشجویی، پستجمن گردهمایی بسیج دانشجویی با حضور رفسنجانی برگزار شد و خامنه‌ای پیام ویژه‌ای برای این گردهمایی فرستاد. خامنه‌ای در پیام خود از جمله گفت: دانشجوی بسیجی

## فعالین کانون نویسندگان ایران دستگیر...

گروهی از آنان توسط رژیم بازداشت شده‌اند. دولت آقای خاتمی، علیرغم وعده‌های خود مبنی بر دفاع از حقوق شهروندان و مبارزه با خودسری‌ها، نسبت به بازداشت نویسندگان ایران که مخفیانه، غیرقانونی، بدون دلیل اعلام شده صورت گرفته است، هیچ واکنش رسمی نشان نداده است و روزنامه‌های ایران نیز که به طور عمده وابسته به دو جناح حاکمیت هستند، در باره این بازداشت‌ها و افزایش فشار به نویسندگان خبری را درج نکرده‌اند. □

مسنور پیشنه‌های کانون نویسندگان ایران منتشر شد (متن این منشور در «کار» شماره ۱۹۱ چاپ شده است). این منشور قرار بود در مجمع عمومی کانون نویسندگان مورد بررسی و تصویب قرار گیرد. برای تشکیل این مجمع کمیته تدارکی با شرکت محمد پوینده، علی‌اشرف درویشیان، محمود دولت‌آبادی، کاظم کردوانی، منصور کوشان، هوشنگ گلشیری و محمد مختاری تشکیل شد. اعضای این کمیته تدارک اکنون مورد فشار و تهدید مستقیم قرار گرفته‌اند و

ادامه از صفحه اول کانون نویسندگان ایران را متوقف سازند و تهدید کرده‌اند اگر این فعالیت‌ها ادامه یابد، برخورد‌های سخت‌تری در انتظار فعالین کانون نویسندگان ایران خواهد بود.

تلاش برای احیای مجدد کانون نویسندگان ایران که با نام معروف ۱۳۴ نویسنده در سال ۱۳۷۵ آغاز شد، در ماه‌های اخیر شتاب ویژه‌ای گرفت و بحث‌های پرده‌امنه‌ای را در میان نویسندگان و اهل قلم برانگیخت. در اواخر تابستان امسال،

## «کار» در جشن سالانه اومانیته

دعوت شده و در این جشن حضور داشت. با همکاری اعضا و هواداران و دوست‌داران سازمان چه کمتر مورد توجه قرار گرفته و نمایش آثار فرهنگی و سیاسی و همچنین کارهای دستی ایران پرداخت.

هیئاتی از اعضای هیات سیاسی - اجرایی و روابط بین‌المللی سازمان نیز در این جشن شرکت کرد و چند دیدار و گفتگو با هیات‌های شرکت‌کننده سایر احزاب و سازمان‌های سیاسی ایرانی و خارجی انجام داد. در این دیدارها مسایل داخلی کشور، فضای نیمه‌باز سیاسی، مبارزات زنان و جوانان کشور در راستای احقاق حقوق خویش و همچنین مسایل مربوط به بحران افغانستان تحرکات نظامی جمهوری اسلامی در مرزهای شرقی کشور مورد بحث و گفتگو قرار گرفت. □

حاضر به خون آغشته نموده و نیازی هم به پرشردن آن‌ها نیست. وی گفت: اما برعکس، آن چه کمتر مورد توجه قرار گرفته و شناخته شده و بیش از دیگران به ما ترقی‌خواهان مربوط می‌شود، مجموع تلاش‌ها و اقدامات مردمی و در برخی موارد دولتی در راستای حل بحران و دست یافتن به نتایج مثبت است. عضو شورای مرکزی حزب کمونیست فرانسه در سخنرانی خود پیرامون مسایل صلح خاورمیانه، افغانستان، عراق، الجزایر، کوبا، یوگسلاوی سابق به اظهارنظر پرداخت و پشتیبانی حزب کمونیست فرانسه را از مبارزات مردم این کشورها برای آزادی و صلح و حق تعیین سرنوشت خویش اعلام داشت.

«کار»، ارگان مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)، مانند هر سال به جشن اومانیته

جشن سالانه «اومانیته» ارگان حزب کمونیست فرانسه، امسال از ۱۱ تا ۱۳ سپتامبر، در زیر پاران شدید برگزار شد. بر اساس آماري که از سوی گردانندگان جشن اعلام شد، بیش از ۴۰۰ هزار بلیط ورودی جشن فروخته شد. بیش از ۸۷ نماینده ارگان‌های مرکزی و نشریات سازمان‌ها و احزاب کمونیست و ترقی‌خواه از سراسر جهان در این جشن شرکت کردند.

سخنرانی روز افتتاحیه جشن از سوی آقای فرانسس وورتز عضو شورای مرکزی حزب کمونیست فرانسه و نماینده این کشور در پارلمان اروپا صورت گرفت. او در سخنرانی خود مسایل حاد بین‌المللی را مورد بررسی قرار داد و گفت: آن چه در ذهن همگان حضور دارد، وجود تشنجات و درگیری‌هایی است که جهان را در پایان قرن

## هاشمی رفسنجانی بار دیگر از سیاست‌های ضددموکراتیک شورای نگهبان حمایت کرد

هاشمی رفسنجانی رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام یکشنبه گذشته در گفتگویی رادیویی تلویزیونی سیاست‌های ضددموکراتیک شورای نگهبان در انتخابات مجلس خبرگان را مسورد حمایت قرار داد. رفسنجانی گفت: مجلس خبرگان مسجوری‌ترین نهاد جمهوری اسلامی است و تضعیف آن به سود هیچ کس نیست. اصولاً مجلس خبرگان محصول افکار امام خمینی(ره) است و بهترین و باصلاحیت‌ترین نهاد برای انتخاب رهبر است. رفسنجانی مردم را به شرکت پرشکوه در انتخابات نمایشی فرا خواند و گفت: وظیفه ملی و اسلامی همه علاقه‌مندان به اسلام، مردم و کشور ایجاب می‌کند برای برگزاری هر چه قوی‌تر انتخابات، مردم را پرشور در صحنه نگه دارند. رفسنجانی عملکرد و سیاست‌های مجلس خبرگان دوم را «بسیار خوب» ارزیابی کرد. او ضمن حمایت از خامنه‌ای او را «بهترین انتخاب» برای رهبری جمهوری اسلامی دانست و افزود مجلس خبرگان واقعا انتخاب درستی کرد و با اینکه مقام معظم رهبری مایل نبودند ایشان را به عنوان رهبر انتخاب

کرد و بعد هم مردم دیدند که بهترین انتخاب بوده است و ما هنوز هم مودی سراغ نداریم که جای حضرت آیت‌الله خامنه‌ای را بگیرد. رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام درباره نظرات شورای نگهبان گفت: با توجه به شرط عدالت فقهای شورای نگهبان و دقت رهبری در انتخاب اعضای این شورا و نیز وجود مقررات، تعیین صلاحیت نامزدهای خبرگان از طرف ایس‌ن‌شورا، راه مطمئن تر و سالم‌تری است... راه تعیین و تشخیص صلاحیت داوطلبان خبرگان از طریق شورای نگهبان قانونی است و شیوه‌های اجرایی تشخیص صلاحیت نیز در اختیار این شورا است. وی گفت: آنچه در قانون است اینکه خبرگان باید قدرت اجتهاد در بعضی از مسائل شرعی را داشته باشند و انصافاً امتحان گرفتن یکی از راه‌های تشخیص است. علاوه بر آن نوشتن کتاب، رساله و یا تز هم از جمله شیوه‌ها است و مسئله اظهار نظر و اجازه اجتهاد برخی علما هم پذیرفته شده که این آیین‌نامه هم در اختیار شورای نگهبان است اما این شورا احساس کرد ممکن است این کار

مشکلاتی پیش آورد، اما به نظر من امتحان دادن عیب نیست. وی گفت: من فکر می‌کنم به لحاظ قانونی این مشکلی نیست بلکه مسئله این است که آقایان فکر می‌کنند در موقع امتحان و یا بعد از آن اعمال نظرهایی بشود اما وقتی ما فرض کردیم اعضای شورای نگهبان عادل و تقوا و منتخبات امام عادل و رهبری هستند اطمینان نسبی بوجود می‌آید. هاشمی رفسنجانی درباره انتقاد از عملکرد شورای نگهبان گفت: زمان کنونی برای طرح مباحث انتقادی و اصلاحی حتی درباره قانون اساسی مناسب نیست و دشمنان این ملت و اسلام که با اصل این نظام الهی بی‌توجهی می‌کنند دنبال فرصت برای ضربه زدن و انتقام‌گیری هستند... هدف دشمن فرد یا افراد نیست بلکه آسیب زدن به عمود خیمه انقلاب و نظام اسلامی مستکی به ولایت فقیه است. همه احاد ملت و دلسوزان انقلاب، چاره‌ای جز اتحاد ندارند... باید در برابر تحلیل‌ها و سخن‌ها و مواضع دشمنان که برخی مسائل خود را با زبان خودی‌ها مطرح می‌کنند هوشیار باشیم.

## جان مردم را به بازی گرفته‌اند

بیمار این ملاک رد در زندگی شخصی خود بکار گیرد، عقب‌مانده‌ای است که مورد ترحم است. ولی نقطه وحشتناک این جاست که اکنون این ذهن بیمار در مقام قانون‌گذار این ملاک را می‌خواهد در زندگی ۶۰ میلیون جاری سازد. همانگونه که در بیست سال گذشته در عرصه‌های مختلف از جمله حجاب اجباری، جداسازی زن و مرد در ادارات، اتوبوس‌ها و ... آن را جاری کرده‌اند. آن‌ها این بار جان مردم را نیز به بازی گرفته‌اند. ذهنیت بیماری که تمام دنیا را از دریچه جنسیت می‌بیند، به مقابله با اخلاقیات و عرف برخاسته‌اند، اخلاقیاتی که همواره به پزشک احترام ویژه‌ای داشته است. و همه اینها در ادامه تعرضی است که از ابتدای روی کار آمدن جمهوری اسلامی به حیطه خصوصی زندگی مردم وارد آمده است. تعیین تکلیف برای مردم و گرفتن حق انتخاب حتی در اموری مانند حق انتخاب پزشک. هدف سیاسی این طرح این است که با تحمیل عقب‌مانده‌ترین الگوی مذهبی و تحمیل مردم به مقابله با جنبشی بپردازد که خواهان تحول سیاسی در جامعه است، این جنبش با اشکال مختلفی که جستجو می‌کند، بیست سال الگو پردازی مذهبی را زیر سوال می‌برد. این جنبش در راستا تحول سیاسی خواهان کوتاه شدن دست مذهب از حیطه خصوصی زندگی است. طرح انطباق امور پزشکی با موازین شرعی قطعاً در اجرا فجایی به بار خواهد آورد. آن‌گاه که امکانات ناچیز پزشکی و درمانی دوباره مورد تقسیم قرار گیرد، و افراد بر اساس جنسیت مورد سنجش قرار گیرند تا امکان مداوا یابند، زندگی و سلامت بسیاری در خطر قرار می‌گیرد. در تقسیم امکانات ناچیز با توجه به پائین‌تر بودن تعداد زنان از جمله در تخصص‌های مختلف و امور آزمایشگاهی و فیزیوتراپی و ... خطرات بسیاری سلامتی و هستی انسان را تهدید می‌کند. در شهرهای کوچک و مناطق محروم، که تعداد متخصصین و مراکز آزمایشگاهی هم اکنون نیز جوابگوی نیاز نیست، بیش از همه طبقات محروم صدمات جبران‌ناپذیر می‌بینند. تصویب‌کنندگان این طرح عقب‌مانده، مسئول فجایعی هستند که در پی اجرای آن بوجود خواهد آمد.

مجلس شورای اسلامی طرح انطباق امور پزشکی با امور شرع را به تصویب رسانید. این طرح جدا سازی زن و مرد را از مرحله تشخیص تا درمان و جابجایی در دستور دارد. این بحث که آن‌گاه که یک بیمار ضربه مغزی دیده به بیمارستان آورده می‌شود کدام جنسیت باید او را به اتاق عمل ببرد هنگامی جاری می‌شود که سرعت دستاوردهای بشری در زمینه کاربرد علوم در مبارزه با بیماریهای مختلف حیرت‌انگیز است و از سویی سرعت کمک‌رسانی به امدادجویان، خود نشانگر پیشرفته بودن است. در یک کانال تلویزیونی اروپا، برنامه‌ی نشان داده می‌شود که نحوه کمک رسانی امدادگران در لحظات حساس و اضطراری را بازسازی می‌کند. در این برنامه تلویزیونی بطور مثال دیده می‌شود آن‌گاه که مادری بر اثر حادثه‌ییی احتیاج به کمک اضطراری دارد چگونه پزشکان و پرستاران در بیمارستان بسیج شده و همه عوامل تکنیکی و روانی در خدمت کمک‌رسانی قرار گیرند. صرف‌نظر از لعاب حادثه‌پردازی در این فیلم نیمه‌مستند و نقش اغراق این مسئله روشن است که چگونه امکانات مختلف امروزی توانایی و قابلیت آن را دارد که در کوتاه‌ترین لحظه به یاری دیگران شتافت. سهم کشور ما از این دستاوردها چیست؟ بیماریانی که به علت نبود امکانات تکنیکی و دارویی جان خود را از دست می‌دهند، بستگان بیمار که در بساط دستفروشی کنار خیابانها به دنبال ابزار استریل‌ه اتاق عمل می‌گردند تا با تحویل آن به بیمارستانها بیمارشان در نوبت عمل قرار گیرد. نایبامانی وضعیت درمانی و امکانات ناچیز و بهای سرسام‌آور خدمات پزشکی، بسیاری از مردم را از دست‌یابی به این خدمات محروم کرده است. به جای مقابله با همه اینها نمایندگان مجلس شورای اسلامی چه تدارک دیدند؟ آن‌ها که قانونی تصویب کرده‌اند که پس از این در مراکز پزشکی و وابسته به امور پزشکی کارکنان برای عرضه هرگونه کمکی ابتدا جنسیت بیمار را مورد توجه قرار دهند. این موضوع که در موارد اضطراری نیاز کمک‌رسانی به درمان‌جو جنسیت ملاک قرارگیرد ناشی از یک ذهنیت بیمار است. اگر این ذهن

## عوامل ارتجاع چند نشریه دیگر را هم تعطیل کردند

روزنامه‌نگار مشهوری دیده نمی‌شود. ۲۲۲ نفر از روزنامه‌نگارانی که به طور عمده وابسته به روزنامه‌های طرف‌دار دولت هستند، نامه سرگشاده‌ی منتشر کرده و به «برخوردهای غیرقانونی به مطبوعات» اعتراض نمودند. در بیانیه این روزنامه‌نگاران آمده است: در پی توقیف روزنامه توس و دستگیری مسئولان آن و فشارهای غیررسمی و غیرقانونی علیه برخی از مطبوعات، ما اعضای جامعه مطبوعاتی کشور ضمن تقدیر از بیانیه انجمن صنفی روزنامه‌نگاران در این مورد، نگرانی خود را از برخوردهای غیرقانونی با مطبوعات و روزنامه‌نگاران اعلام می‌داریم و تأکید می‌کنیم:

- ۱- برخورد با تخلفات مطبوعاتی صرفاً باید در چارچوب قانون مطبوعات صورت گیرد و هرگونه اقدامی خارج از چارچوب این قانون علیه مطبوعات، محکوم است.
- ۲- از مسئولین قضائی درخواست می‌شود که اگر اتهامات دستگیرشدگان مسائلی غیر از فعالیت حرفه‌ای است آن را به‌طور علنی اعلام دارند و در غیراین صورت دستگیرشدگان را فوراً آزاد کنند.
- ۳- فشارهای غیررسمی علیه مطبوعات عملی غیرقانونی و محکوم است که فضای کلی مطبوعات و حرفه روزنامه‌نگاری را ناامن می‌سازد.
- ۴- از مسئولان قضائی می‌خواهیم امکان ملاقات فوری با دستگیرشدگان را برای نمایندگان روزنامه‌نگاران فراهم کنیم.
- ۵- از مسئولان انجمن صنفی روزنامه‌نگاران می‌خواهیم ضمن تعیین وکیل یا وکلای حاذق، موضوع را پیگیری کرده و مراتب را به اطلاع روزنامه‌نگاران

خامنه‌ای مبنی بر برچیدن جرایم مخالف او، مقاومت و اعتراض در میان روزنامه‌نگاران، نویسندگان و محافل سیاسی کشور نسبت به اقدامات سرکوب‌گرانه ادامه دارد. انجمن صنفی روزنامه‌نگاران، علیرغم مواضع محافظه‌کارانه‌ای که در نخستین بیانیه خود اتخاذ کرد، در بیانیه‌های بعدی اعلام کرد از امنیت حرفه‌ای روزنامه‌نگاران دفاع خواهد کرد. این انجمن در روز نهم مهرماه در صدد تشکیل مجمع عمومی خود برآمد، اما این مجمع عمومی به دلیل نرسیدن به حدنصاب لازم تشکیل نشد و برای روز ۲۳ مهرماه به تعویق افتاد. روزنامه‌ها و جراید طرف‌دار خامنه‌ای، به ویژه کیهان، جمهوری اسلامی و رسالت، برای فلج کردن این انجمن تلاش می‌کنند و تهدید کرده‌اند که در صورت ادامه مواضع کنونی آن، کارکنان خود را از انجمن صنفی خارج خواهند کرد.

**اعتراض ۲۲۲ روزنامه‌نگار**  
در همین حال دو نامه در تهران از سوی خبرنگاران و نویسندگان مطبوعات منتشر شد که یکی به حمایت از سیاست‌های سرکوب‌گرانه خامنه‌ای علیه مطبوعات بود و دیگری تهاجم به مطبوعات را مورد اعتراض قرار داد. در نامه طرف‌داران خامنه‌ای که بیش از ۵۰۰ نفر آن را امضا کردند، نام سانسورچی‌ها و دشمنان مشهور آزادی مطبوعات نظیر مرتضی نبوی، سردبیر روزنامه رسالت، حسین شریعتمداری سردبیر کیهان، مسیح مهاجری سردبیر جمهوری اسلامی و چاق‌داران مشهوری که نام خود را روزنامه‌نگار گذارده‌اند، نظیر مسعود دهنکی سردبیر نشریه شلمچه، عباس سلیمی‌نمین سردبیر سابق کیهان هوایی، مهدی نصیری، سردبیر ماخانه صبح به چشم می‌خورد. در میان این لیست نام هیچ

یک سره ساختن کار مطبوعات، سپهره بر وزارت ارشاد است. مواضع وزیر ارشاد در تأیید توقیف روزنامه توس، آنان را جری‌تری و مصمم‌تر کرده است تا آن چه از سرچشمه فساد مطبوعات می‌دانند بخشکانند و وزارت ارشاد را پیرو خط‌مشی خود سازند. بنا به درخواست «۸ نماینده مجلس، مهاجرانی روز سه‌شنبه ۷ مهر در جلسه غیرعلنی مجلس حضور یافت و در مورد وضعیت مطبوعات کشور مورد پرسش قرار گرفت. در پایان این جلسه، وی بدون این که در صدد اصلاح موضع خود در مورد روزنامه توس برآید، تأکید کرد سیاست وزارت ارشاد در مورد مطبوعات تغییر نخواهد کرد. مهاجرانی به خبرنگاران گفت: «ما سیاست‌های خود در مورد مطبوعات را هم‌چنان ادامه می‌دهیم و وزارت ارشاد تجدیدنظری نسبت به سیاست‌های خود نکرده است. معنای این حرف آن است که برای دفاع از آزادی‌های مشروع پافشاری و نسبت به این اصول بازگشتی نخواهیم داشت.» او «محدود کردن» آزادی را رد نکرد، اما آن را استثنا وزارت‌خانه خود دانست.

مهاجرانی تأکید کرد با استفاده از ابزار دادگاه انقلاب و محاکم انقلابی برای مطبوعات و بازداشت نویسندگان و روزنامه‌نگاران مخالف است و ضرورتی برای تغییر قانون مطبوعات نمی‌بیند. مهاجرانی در این مصاحبه بار دیگر از موضع خود در مورد توقیف نشریه توس دفاع کرد. وی نوشته روزنامه‌های تهران، مصاحبه مطبوعاتی مهاجرانی «آزدگی خاطر شدیدی» نمایندگان جناح چپ حکومت از او را، که به دنبال پشتیبانی مهاجرانی از توقیف توس پیش آمده بود، برطرف کرد و در برابر حملات طرف‌داران خامنه‌ای را تشدید نمود.

ادامه از صفحه اول  
را تعطیل، امتیاز آن را لغو و سیاوش گوران مدیر مسئول آن را به ۵ سال حبس تعلیقی و چهار میلیون ریال جزای نقدی محکوم کرد.  
**«عصر ماه هم تعطیل شد»**  
دادگاه عمومی تهران دو هفته‌نامه «عصر ما» ارگان سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی را به مدت ۶ ماه توقیف کرد. این نشریه به دلیل توهین، اهانت و نشر اکاذیب تعطیل شده است و توقیف آن را به ویژه باید در ارتباط با انتخابات مجلس خبرگان دانست. تعطیل عصر ما نشان‌دهنده آن است که یورش ارتجاع تنها نشریات ناوابسته به محافل قدرت را شامل نمی‌شود و برچیدن همه روزنامه‌های منتقد به جناح حاکم را دنبال می‌کند. در همین حال هفته‌نامه‌های «راه نو» و «توانا»، بدون اعلام رسمی، گماکان در توقیف به سر می‌برند. دادستانی ویژه روحانیت اصفهان پرونده آقای فضل‌الله صلواتی مدیر مسئول هفته‌نامه نوبد اصفهان را به اتهام «اقدام علیه امنیت داخلی کشور از طریق نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی و تبلیغ و ترویج از گروه‌ها و جریان‌های معاند و مخالف با مبانی نظام جمهوری اسلامی» در دادسرای شعبه یک اصفهان به جریان انداخته است. دادستانی اصفهان حکم داده است تا زمانی که رسیدگی به این پرونده در دادسرای روحانیت جریان دارد، این نشریه تعطیل شود. تعطیل نشریه نوبد اصفهان، با اعتراض معاونت حقوقی و امور مجلس وزارت ارشاد اسلامی روبرو شده است. نمایندگان طرف‌دار اکثریت در مجلس و روزنامه‌های وابسته به این جناح همچنان تعطیل روزنامه‌های بیشتری را درخواست می‌کنند.  
**مهاجرانی: سیاست وزارت ارشاد تغییر نمی‌کند**  
تلاش اصلی مرتجعین برای

شدن این سکوت، پرسش‌های بسیاری را در میان مردم برانگیخته است. در طی این روزها رئیس‌جمهور در مورد موضوع و اتفاقی سخن گفته است، به جز مساله اصلی کشور، یعنی هجوم به آزادی‌ها! این نحوه برخورد آقای خاتمی در بسیاری از موارد این پرسش‌ها را مطرح ساخته است که وی به راستی رئیس‌جمهور کدام کشور است؟

## مهاجرانی در برابر پرسش روزنامه‌نگاران

روزنامه‌های مختلف، به اعتراض علیه سرکوب مطبوعات و پایمال ساختن حقوق مردم ایران برخاسته‌اند، آقای خاتمی رئیس دولت و دو شکل اصلی سازنده دولت، یعنی مجمع روحانیون مبارز و حزب کارگزاران سازندگی، هنوز هیچ واکنش رسمی نسبت به توقیف مطبوعات، دستگیری روزنامه‌نگاران و تشدید فضای اختناق نشان نداده‌اند. به ویژه سکوت آقای خاتمی و طولانی شدن این سکوت، پرسش‌های بسیاری را در میان مردم برانگیخته است. در طی این روزها رئیس‌جمهور در مورد موضوع و اتفاقی سخن گفته است، به جز مساله اصلی کشور، یعنی هجوم به آزادی‌ها! این نحوه برخورد آقای خاتمی در بسیاری از موارد این پرسش‌ها را مطرح ساخته است که وی به راستی رئیس‌جمهور کدام کشور است؟

روزنامه‌های مختلف، به اعتراض علیه سرکوب مطبوعات و پایمال ساختن حقوق مردم ایران برخاسته‌اند، آقای خاتمی رئیس دولت و دو شکل اصلی سازنده دولت، یعنی مجمع روحانیون مبارز و حزب کارگزاران سازندگی، هنوز هیچ واکنش رسمی نسبت به توقیف مطبوعات، دستگیری روزنامه‌نگاران و تشدید فضای اختناق نشان نداده‌اند. به ویژه سکوت آقای خاتمی و طولانی شدن این سکوت، پرسش‌های بسیاری را در میان مردم برانگیخته است. در طی این روزها رئیس‌جمهور در مورد موضوع و اتفاقی سخن گفته است، به جز مساله اصلی کشور، یعنی هجوم به آزادی‌ها! این نحوه برخورد آقای خاتمی در بسیاری از موارد این پرسش‌ها را مطرح ساخته است که وی به راستی رئیس‌جمهور کدام کشور است؟

روزنامه‌های مختلف، به اعتراض علیه سرکوب مطبوعات و پایمال ساختن حقوق مردم ایران برخاسته‌اند، آقای خاتمی رئیس دولت و دو شکل اصلی سازنده دولت، یعنی مجمع روحانیون مبارز و حزب کارگزاران سازندگی، هنوز هیچ واکنش رسمی نسبت به توقیف مطبوعات، دستگیری روزنامه‌نگاران و تشدید فضای اختناق نشان نداده‌اند. به ویژه سکوت آقای خاتمی و طولانی شدن این سکوت، پرسش‌های بسیاری را در میان مردم برانگیخته است. در طی این روزها رئیس‌جمهور در مورد موضوع و اتفاقی سخن گفته است، به جز مساله اصلی کشور، یعنی هجوم به آزادی‌ها! این نحوه برخورد آقای خاتمی در بسیاری از موارد این پرسش‌ها را مطرح ساخته است که وی به راستی رئیس‌جمهور کدام کشور است؟

## پیرامون افزایش بهای «کار»

«کار» از این هفته گران‌تر به دست خوانندگان می‌رسد. تغییری که در بهای نشریه صورت گرفته است، معادل افزایش یک مارک آلمان به بهای تک‌فروشی‌هاست. برای مشترکین، که بخش اصلی خوانندگان «کار» را تشکیل می‌دهند، افزایش قیمت کمتری در نظر گرفته شده است. اشتراک ۶ ماهه از این پس به جای ۲۵ مارک آلمان معادل ۵۵ مارک و اشتراک‌های یک ساله به جای ۹۰ مارک، معادل ۱۰۲ مارک آلمان خواهد بود، که کمتر از یک مارک افزایش در هر شماره است.

افزایش بهای «کار»، آخرین راه حلی بود که شورای سردبیری و مسئولین بخش توزیع آن، برای کاهش زیان‌های مالی اتخاذ کردند. در دوره جدید انتشار «کار»، یعنی دوره سوم، که از ۲۱ فروردین ماه سال ۱۳۷۰ برابر با ۱۰ آوریل ۱۹۹۱ آغاز شد، این برای نخستین بار است که افزایش می‌یابد. در طول این هفت سال و نیم، بر هزینه‌های انتشاراتی از جمله هزینه چاپ و پست، بسیار افزوده شده است و این افزایش هزینه‌ها، فشارهای مالی زیادی را بر مجموعه سازمان ما و اعضای آن، برای ادامه انتشار «کار» تحمیل کرده است. در این هفت سال و نیم، کوشش دست‌اندرکاران سازمان و «کار» همواره این بوده است، که با پرهیز از افزایش قیمت، هر چند به میزانی اندک، فشارهای مالی را با کمک‌های داوطلبانه دوستان و هواداران «کار» جبران کنند و بر خوانندگان خود هزینه تازدهای تحمیل نکنند. اما این کار دیگر برای ما متأسفانه مقدور نیست.

«کار»، علیرغم تیراژ نسبتاً بالای خود، در مقیاس فعالیت‌های خارج از کشور، به دلیل برخی ملاحظات، موانع و سنت‌ها، آگهی و درآمدی از طریق آن ندارد. ارتباط آن با کشور، یعنی منبع اصلی تغذیه آن به دلیل سانسور حاکم ضعیف است و از همین رو در یک میدان محدودی که ناخواسته بر آن تحمیل شده، منتشر می‌شود. این عوامل تأثیرات منفی شدیدی بر «کار» اعمال می‌کنند.

تیراژ نشریه‌ای که در داخل کشور می‌توانست بدون هیچ مبالغه به ده‌ها هزار در هر شماره سر بزند و منبع اصلی درآمد آن باشد، در محیط محدود خارج از کشور پاسخگوی هزینه‌های ما نیست. «کار» به دلیل جانبداری از جهت‌گیری‌های معین اجتماعی و سیاسی و پرهیز از برخی شیوه‌های روزنامه‌نگاری خواننده جمع‌کن، خواه ناخواه محدودیت‌های دیگری را نیز تحمل می‌کند. علاوه بر آن، در دنیای امروز هیچ نشریه‌ای نیست که بتواند بدون درآمدهای تبلیغاتی به انتشار خود ادامه دهد. منبع درآمد «کار» تنها فروش نشریه و کمک‌های داوطلبانه بوده و هست و متأسفانه حتی در دریافت حق اشتراک‌های خود نیز با مشکلات جدی روبروست. آن چه ما را در ادامه انتشار «کار» یاری داده است، کمک‌های دوست‌داران کار و فعالیت‌های داوطلبانه دست‌اندرکاران نشریه بوده است.

اما اکنون افزایش هزینه‌ها، ما را مجبور کرده است که پس از هفت سال و نیم، بر بهای «کار» بیفزاییم.

بهای جدید نشریه، هنوز اصلاً به گونه‌ای نیست که زیان‌های مالی ناشی از انتشار آن را به صفر برساند، بلکه تنها این زیان‌ها را کاهش می‌دهد و ما امیدواریم آن‌ها را به سطحی برساند که برای ما قابل تحمل باشد.

انتظار و امید شورای سردبیری و همه دست‌اندرکاران «کار» این است که افزایش قیمت نشریه در سطح کنونی، از طرف خوانندگان ما با تقاضای و روبرو شود و هیچ خواننده «کار» به این دلیل پیوند خود را با «کار» قطع نکند. فرصت را مناسب می‌دانیم بار دیگر از همه مشترکین «کار» تقاضا کنیم که در پرداخت حق اشتراک‌های خود کوتاهی نکنند و همه دست‌اندرکاران «کار» را فرا بخوانیم تا با کمک‌های مالی خود ما را در ادامه بهتر رسائی که بر دوش گرفته‌ایم، هم‌راهی و هم‌یاری کنند، تا این نشریه که به بهای فدکاری‌های عظیم و نثار جان‌های عزیز بی‌شماری به اینجا رسیده است، همچنان سخنگوی آزادی خواهان، عدالت‌جویان، میهن‌پرستان و پیروان راه سوسیالیسم و برادری انسان‌ها باشد.

شورای سردبیری «کار»

## روزنامه «زن» فاش ساخت: مسئول حفاظت نیروی انتظامی رهبر حمله به اعضای دولت بوده است



فایزه رفسنجانی سردبیر روزنامه زن

به نوشته روزنامه «زن»، تیمسار رضا نقدی، فرمانده حفاظت نیروهای انتظامی، رهبری حمله کنندگان به عبدالله نوری و عطاءالله مهاجرانی را در روز جمعه ۲۰ شهریور ماه بر عهده داشته است.

به دنبال چاپ این خبر، فایزه هاشمی، مدیر مسئول روزنامه زن به دادگاه فرا خوانده شد تا بر اساس شکایت تیمسار نقدی، محاکمه شود. حسینعلی عبویی، وکیل مدافع شاکتی، مدعی شد که در روز واقعه، فرمانده حفاظت نیروی انتظامی در تهران حضور نداشته و همراه با سه نفر از مسئولین جمهوری اسلامی در مسافرت بوده و از دادگاه خواستار لغو امتیاز روزنامه «زن» شد.

فایزه هاشمی در دادگاه بار دیگر بر شرکت تیمسار نقدی در جریان حمله به اعضای دولت، تأکید کرد و گفت: «در مورد حضور آقای نقدی در مراسمی که منجر به ضرب و شتم آقایان نوری و مهاجرانی شد، شاهد عینی دارم که ثابت می‌کند که آقای نقدی نه در بین شتبع‌کنندگان، بلکه در بین جمعیت حمله‌کننده به اعضای دولت حضور داشته‌اند». فایزه رفسنجانی افزود: «شاهد ما حاضر است در دادگاه حاضر و شهادت دهد. همچنین شهادت ایشان در شورای امنیت ملی، مکتوب وجود دارد که دادگاه می‌تواند از آن جا نیز استعلام نماید». بنا بر گفته مدیر مسئول روزنامه زن: «یکی از افسران دفتر تیمسار لطیفیان به شاهد گفته است که گروهی دیگر نیز آقای نقدی را با پیراهن مشکی و

عینک دودی در بین ضاربین دیده‌اند و ایشان رهبری حمله را به عهده داشتند». خانم رفسنجانی در ادامه دفاعیات خود گفت: «یکی از وکلای اعلام کرده است که آقای نقدی در مسافرت بوده است، اما بر اساس اطلاعاتی که از ایشان ۷ صبح جمعه از مشهد به تهران بازگشته‌اند».

دادگاه مدیر مسئول روزنامه زن که به دلیل این شکایت و چند شکایت دیگر تشکیل شده بود، هنوز به نتیجه نهایی نرسیده است.

گفتنی است که پرونده حمله به اعضای هیات دولت از طرف قوه قضاییه به پایگانی سپرده شده است. وزارت کشور اعلام کرده است که عملیات و تحقیقات خود را در باره این پرونده به اتمام رسانده و آن را برای صدور رای به قوه قضاییه تسلیم کرده است، اما از آن هنگام تاکنون قوه قضاییه این پرونده را نیز مسکوت گذاشته است.

وزارت کشور نیز هیچگونه اطلاعاتی در مورد دستگیرشدگان و نتایج تحقیقات خود را راساً منتشر نکرده است.

## رییس سازمان برنامه: دولت قادر به پرداخت هزینه‌های مهر ماه نیست

رییس سازمان برنامه و بودجه روز شنبه گذشته هشدار داد اگر مجلس تا هفته آینده پیشنهادی دولت در مورد راه‌های کاهش هزینه‌های دولت را تصویب نکند، دولت در پرداخت هزینه‌های مهر ماه با مشکلاتی بزرگی مواجه می‌شود. به گفته وی کسری بودجه دولت به هزار میلیارد ریال می‌رسد. هفته پیش مجلس طرح دو فوریتی راه‌های کاهش هزینه‌های دولت را رد کرد.

## بهای کالاها و خدمات ۱۸/۹ درصد افزایش یافت

بانک مرکزی جمهوری اسلامی اعلام کرد بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری کشور در مرداد ماه ۷۷ نسبت به مدت مشابه سال قبل ۱۸/۹ درصد افزایش یافته است. بر اساس این گزارش رشد بهای خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها و دخانیات در این مدت ۲۴/۴ درصد، پوشاک ۷/۴ درصد، مسکن، سوخت و روشنایی ۱۸/۷ درصد، اثاث و کالا و خدمات مورد استفاده در خانه ۶/۶ درصد، حمل و نقل ۱۶/۹ درصد، درمان و بهداشت ۲۳/۲ درصد، تفریح و مطالعه ۷/۲ درصد افزایش یافته است.

## آیا به راستی مسئله سلمان رشدی خاتمه یافته است؟

سگراولادی، دبیرکل جمعیت مؤتلفه اسلامی نیز فتوای خمینی درباره‌ی سلمان رشدی را لغو ناشدنی خواند. فاضل لنکرانی از مراجع اعلام‌شده حکومتی نیز اظهار داشت که دولت جمهوری اسلامی حتی اگر تصمیم بر مباشرت در اقدام بر اجرای فتوای خمینی نداشته باشد، باید در ردیف اولین حامیان فتوای امام خمینی مبنی بر قتل سلمان رشدی باشد. حدود ۱۶۰ نفر از نمایندگان جناح راست مجلس هم توماری را امضاء کردند که در آن جمله آمده است: «ما نمایندگان مجلس شورای اسلامی به مسلمانان جهان اطمینان می‌دهیم که در مورد

اکنون قریب سه هفته از زمانی که خاتمی در نیویورک در مصاحبه با خبرنگاران خارجی اعلام کرد که آنان باید مسئله سلمان رشدی را خاتمه یافته تلقی کنند، می‌گذرد. متعاقب این گفته‌ی خاتمی، خرازی با رابین کرک وزیر خارجه بریتانیا که در حال حاضر عضو تریویکای اتحادیه‌ی اروپا است، دیدار مهمی انجام داد. خرازی در این دیدار تأکید کرد که «دولت جمهوری اسلامی ایران نمی‌خواهد هیچگونه اقدامی برای تهدید جان نویسندگی کتاب آیات شیطانی یا هر کسی که با این کتاب مرتبط است، به عمل آورد و هیچ کسی را نیز در این خصوص تشویق یا کمک نخواهد کرد بر این اساس، دولت ایران جایزه آرایه شده برای جان نویسندگی این کتاب و افراد ذریع با آن را با خود مرتبط ندانسته و از آن حمایت نمی‌نماید» وی همچنین گفت که چون همتای بریتانیایی خود خوشحال است که

## خامنه‌ای مجلس خبرگان گوش به فرمان و یک دست تشکیل می‌دهد

اسامی کاندیداهایی که از صافی شورای نگهبان گذشته‌اند، اعلام شد. لیست منتشره نشان می‌دهد که شورای نگهبان صلاحیت کاندیداهای سرشناس جناح‌های دیگر حکومت را رد کرده و تنها صلاحیت کاندیداهای وابسته به جناح حاکم را تأیید نموده است. مجمع روحانیون مبارز و دیگر تشکلهای وابسته به خط امام و گروه کارگزاران از ماه‌ها قبل کوشیدند شرایط انتخابات را تغییر دهند و نظارت استصوابی شورای نگهبان را حذف و یا تعدیل کنند. اما جناح حاکم به هیچ تغییری تن نداد و نظارت استصوابی را بار دیگر و به گستردگی اعمال کرد.

خامنه‌ای، شورای نگهبان و جناح حاکم تصمیم گرفته‌اند این بار «خطای» انتخابات ریاست جمهوری را مرتکب نشوند و به رقابتی خود اجازه ندهند در انتخابات مجلس خبرگان به شکلی کاندیدا معرفی کنند که رای مردم تعیین‌کننده باشد. آن‌ها عطای رقابت انتخاباتی در بین جناح‌های حکومتی را به لقایش بخشیدند و ترجیح دادند که با افراد انتصابی شورای نگهبان، مجلس خبرگان را تشکیل دهند.

خامنه‌ای و جناح ارتجاعی حکومت می‌خواهند مجلس گوش به فرمان و یک دست تشکیل دهند تا به هیچ وجه «رهبری» خامنه‌ای، میزان اختیارات و عملکرد او مورد سوال قرار نگیرد تا او مثل سابق تسلط جناح حاکم را بر ارگان‌های حکومت حفظ کند، غارتگران را هم‌چنان در رأس بنیادها نگاه دارد، فرمان سرکوب مطبوعات مستقل و جنبش دانشجویی را صادر کند و اجازه ندهد که خدش‌های بر حکومت مافیای بازار - روحانیت وارد آید. آن‌ها واهمه دارند که تزلزل موقعیت خامنه‌ای، به از دست رفتن موقعیت آن‌ها در ارگان‌ها و نهادهای مختلف منجر گردد. آن‌ها هم‌اکنون از طریق خامنه‌ای بر ارگان‌ها و نهادهای زیر تسلط دارند: قوای قضاییه و مقتنه، شورای نگهبان، قوای نظامی و انتظامی، ارگان‌های اطلاعاتی و امنیتی، رادیو و تلویزیون، بنیادهای مقدر مالی و اقتصادی، حوزه‌های مذهبی، تریبون‌های نماز جمعه، انجمن و جماعت، نمایندگان ولی فقیه در ارگان‌های مختلف و بالاخره مجلس خبرگان.

برنامه و خواست نیروهای ارتجاعی آن است که با قبضه مطلق مجلس خبرگان، ارگان لازم را در جنگ داشته باشند تا هر وقت زمان را مناسب یابند، تغییراتی را که می‌خواهند در قانون اساسی به وجود آورند. پیشنهادهای هیات مؤتلفه اسلامی در زمینه تغییر حکومت جمهوری اسلامی به «حکومت عدل علی»، حذف جمهوریت نظام و برچیدن بساط انتخابات، هر چند از سوی همه محافل وابسته به این جناح مستقیماً به زبان آورده نمی‌شود، اما خواسته و هدف آنان است و اگر شرایط اقتضا کند، از اجرای این خواسته‌ها و ایجاد حکومت خلیفه و خلیفه‌گری استقبال خواهند کرد. حکومتی که در آن خلیفه فردی را برای اداره امور کشور انتصاب خواهد کرد و از مجلس و نهادهای انتخابی و رای مردم اثری در آن نخواهد بود.

نقشه‌ها و توطئه‌های جناح حاکم با مقاومت جدی در میان مردم روبروست و همواره نیز روبرو بوده است. مردم حاضر نیستند آن چه در انتخابات دوم خرداد و در طی یک سال و نیم اخیر به دست آورده‌اند، را از دست بدهند. آن‌ها مخالفت خودشان را با ولایت فقیه و نیروهای ارتجاعی نشان داده‌اند. اکنون بی‌تردید تحریم گسترده انتخابات خبرگان، بار دیگر بی‌اعتباری و منزوی بودن رژیم ولایت فقیه را به نمایش خواهد گذاشت. خامنه‌ای به کمک شورای نگهبان، توانست نمایندگان مورد اعتماد خود را راهی این مجلس کند، اما نخواهد توانست رای و اعتماد مردم را پشتیبان این مجلس ارتجاعی سازد. تحریم این مجلس و این نمایش رسوا، همواره هم‌چون زنجیر گرانی بر پای این مجلس و خبرگان خامنه‌ای سنگینی خواهد کرد و بنای سست و پوسیده ولایت را سست‌تر خواهد کرد.

است و خرازی تنها بار دیگر آن‌را تکرار کرده است. اما واقعیت این است که سیاست دولت جمهوری اسلامی در زمان وزارت خارجه‌ی ولایتی را نمی‌توان عیناً مشابه دولت کنونی دانست. در زمان وزارت ولایتی، بسا وجود قسم‌های مکرر او مبنی بر عدم اعزام کماندو از جانب دولت برای قتل سلمان رشدی، به‌خاطر وجود ابهاماتی در سخن او و نیز وجود شواهدی چون دخالت او و امثال او در ترورهای چون ترور دکستر شرفکندی و یارانش، مقامات اروپایی از او تعهدنامه‌ی کتبی دولت جمهوری اسلامی را طلب می‌کردند. این‌بار در سخنان کرک و خرازی از تعهدنامه‌ی کتبی سخنی به‌میان نرفته‌است. بعضی از نیروهای طرفدار دولت در کشور این‌را نشانه‌ی از عقب‌نشینی اروپا از مواضعش نسبت به جمهوری اسلامی دانسته‌اند. البته می‌توان چنین تعبیری را ادامه در صفحه ۲

در جهان کتاب

برای جلب مردم و به ویژه جوانان به خرید و خواندن کتاب، ابتکارهای ویژه‌ای از سوی مراکز فرهنگی کشور به کار گرفته شده است. که یکی از آن‌ها، ایجاد جامعه‌بازارهای کتاب در تهران است. اتحادیه ناشران و کتاب‌فروشان تهران در ۵ پارک و شرکت تعاونی توزیع‌کنندگان کتاب تهران در دو پارک لاله و دانشجو، روزهای جمعه به عرضه و فروش کتاب می‌پردازند. در این برنامه، ۳۰ مرکز پخش، ۵۰۰۰ عنوان کتاب را از ۶۰۰ ناشر عرضه می‌کنند. مطابق یک آمارگیری که در این مراکز به عمل آمده است، ۸۰ درصد کسانی که به این جامعه‌بازارهای کتاب مراجعه و کتاب خریداری می‌کنند، کسانی هستند که تاکنون هرگز به کتاب‌فروشی‌های سطح شهر مراجعه نکرده‌اند!

کتاب‌های تازه

**در جستجوی زمان از دست رفته؛** جلد ششم رمان مشهور «در جستجوی زمان از دست رفته» اثر مارسل پروست، نویسنده فرانسوی، توسط مهدی سجایی به فارسی برگردانده شده و از سوی نشر مرکز روانه بازار شده است. هنوز دو جلد دیگر از ترجمه این رمان باقی است. در جستجوی زمان از دست رفته، در غرب یکی از رمان‌های برگزیده قرن نام گرفته است.

**فرهنگ علوم اجتماعی؛** مولفان جولیس گولد، ویلیام ل. کولب. این کتاب توسط ۳۲ مترجم به فارسی برگردانده شده که در میان آنان از جمله می‌توان به باقر پرهام، فریبرز رییس‌دانا، فریبرز مجیدی، محمد میرزایی، ع. پاشایی، فرهاد ماهر، علی‌اکبر فرهنگی، مصطفی ازکیا، عزیز کیاوند، منصوره کاویانی و احمد کریمی اشاره کرد. ویراستار کتاب محمدجواد زهدمان‌دروانی است و کتاب از سوی انتشارات مازیار منتشر شده و بهای آن ۳۸۰۰ تومان است. کتاب فرهنگ علوم اجتماعی به سفارش یونسکو تهیه شده است.

**گفتگوها؛** مجموعه‌ای از مصاحبه‌های اورینا فالاجی، روزنامه‌نگار معروف ایتالیایی است. این کتاب را غلامرضا امامی گردآوری و ترجمه و نشر برگ به قیمت ۵۳۰ تومان منتشر کرده است. در این مجموعه، مصاحبه‌هایی از اورینا فالاجی با آیت‌الله خمینی، مهندس بازرگان، محمدرضا پهلوی، سرهنگ قذافی، لغ والسا رییس‌جمهور سابق لهستان و گروه دیگری از شخصیت‌های سیاسی گردآوری شده است.

**دین و جامعه؛** تالیف مقصود فراستخواه، به ویراستاری حسین ناظم‌زاده توسط شرکت سهامی انتشارت وارد بازار شده است و ۳۳۰ تومان قیمت دارد. این کتاب مجموعه‌ای است از ۳۰ مقاله و گفتار این نویسنده و متقدم مذهبی که در ۴ بخش تنظیم شده است. گفتارها، غالباً پرسش‌ها و جستارهایی را مورد توجه قرار می‌دهد که در ارتباط با مسایل فرهنگی و اجتماعی هستند و جنبه نقد و تحلیل دارند.

**درها و دیوارهای بزرگ؛** مجموعه‌ای است از اشعار شاعر بزرگ معاصر احمد شاملو، که نشر مروارید به قیمت ۵۸۰۰ ریال روانه بازار کرده است.

**سهرابی دیگر و نیمایی دیگر؛** دو کتاب در زمینه شعر است. این دو اثر مجموعه‌هایی در نقد و بررسی اشعار نیمایوشیخ و سهراب سپهری، شاعران نوپرداز شیر ایرانی است که توسط ضیاءالدین ترابی نوشته شده است. از او پیشتر از این، کتاب فرغ دیگری منتشر شده بود. این دو کتاب از سوی نشر دنیای نو و انتشارات به‌آذین به طور مشترک به چاپ رسیده است.

**کتاب اشعار پینگ‌فلوید؛** در هفته گذشته برای سومین بار در ظرف بیست روز به زیر چاپ رفت. این کتاب یکی از پرفروش‌ترین کتاب‌های چند ماهه اخیر در ایران بوده است که توسط نشر ثالث منتشر شده است.

«بانو» هم‌چنان در توقیف است

علی‌رغم شایعاتی که در هفته‌های اخیر درباره صدور مجوز نمایش برای فیلم «بانو» ساخته داریوش مهرجویی بر سر زبان‌ها افتاد، روزنامه‌های تهران خبر دادند که این فیلم همچنان در توقیف است. پرونده نمایش این فیلم همچنان برای دریافت اجازه نمایش در اداره نظارت و ارزشیابی معاونت امور سینمایی سرگردان است.

«بانو» سالهاست که در محاق توقیف است.

آیا به راستی مساله سلمان رشدی...

ادامه از صفحه اول

می‌کنند و به چاپ و ترجمه آثار او مبادرت می‌کنند. هم‌چنان در خطر است.

استخوان و اندیشه‌ی پوسیده‌ی خمینی هنوز به‌درجات در حکومت جمهوری اسلامی حکم می‌راند. ایجاد تغییرات اصلاحی در ساختار و مواضع حکومت، باید به‌درجات با خمینی‌زدایی از حیات سیاسی

جامعه توأم باشد. فتوای قتل سلمان رشدی، سنگی است که خمینی در چاه جمهوری اسلامی انداخته است. تدبیر هزار نازک‌اندیش این رژیم تاکنون توانسته است که این سنگ را تا نیمه‌ی چاد بالا آورد. تا بیرون آوردن این سنگ نیز چون چندی سنگ کوچک و درشت دیگر هنوز راه زیادی باقی است.

«کار» را

از راه‌های مناسب به ایران ارسال کنید!

به مناسبت پنجاهمین سالگرد درگذشت ملک‌الشعراى بهار  
شاعر ستاینده آزادی و داد!



در زیر اظهار نظر پاره‌ای از بزرگان ادب و فرهنگ ایران و نزدیکان بهار در باره او را می‌آوریم:

**یحیی آروین پور؛** بهار از یک سو شیفته نمونه‌ها و یادگارهای شعر قدیم است و از سوی دیگر از تحول زمان و مقتضیات روزگار بی‌خبر نیست. به همان سبک و زبان و آهنگ گویندگان قدیم سخن می‌گوید و با این همه میل دارد روش‌های جدید را با اصول شعر کهن سازش دهد و این درگیردار اندیشه‌های متناقض، چنان است که از بروز هرج و مرج ادبی واهمه دارد و با همه ادعا و میل تجدیددوستی می‌کودش که افکار و احساسات خود و مسایل نوین روز را در همان اشکال و قالب‌های قدیمی بریزد و به همان سبک و شیوه و آهنگ گویندگان قدیم از مباحث سیاسی و اجتماعی سخن گوید و چون قالب‌ها و کلیشه‌های شعر قدیم را برای ادای مضامین نو و اظهار دردهای اجتماعی و سیاسی کاملاً رسانمی‌یابد، از نظر اولیه خود تا حدی عدول می‌کند. مثلاً در شعر «کیوتران من» سعی می‌کند لحن نو و

اجتماعات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی برپا شد. در این بزرگداشت که به همت سازمان اسناد ملی ایران و انجمن آثار و مفاخر فرهنگی برگزار شد، آقایان دکتر باستانی پاریزی و احمد سمعی در باره زندگی، آثار و پیاد و خاطره استاد ملک‌الشعراى بهار سخنرانی کردند.

به همین مناسبت، دفتر دوم «اسنادی از مشاهیر ادب معاصر ایران» که به ملک‌الشعراى بهار اختصاصی دارد منتشر شد. این دفتر را آقای علی میرانصاری گردآوری کرده است. اسنادی که در این دفتر مورد استفاده قرار گرفته است، به لحاظ زمانی، دوره پنجاه ساله‌ای از زندگی بهار، از پانزده سالگی تا زمان مرگ وی را دربر می‌گیرد. این اسناد مربوط به فعالیت‌های مطبوعاتی، سیاسی، زندان و تبعید، فعالیت‌های فرهنگی، وزارت و نسایندگی، بیماری و درگذشت بهار می‌شود.

از آثار معروف او می‌توان به تاریخ احزاب سیاسی در ایران، دیوان اشعار، بازگشت ادبی و مقاله شعر در ایران اشاره کرد.

مهر ماه امسال، پنجاهمین سالگرد درگذشت شاعر بزرگ چپ‌گرای ایران، زنده‌یاد استاد ملک‌الشعراى بهار سپری شد. ملک‌الشعراى بهار در سال ۱۲۶۵ خورشیدی چشم به جهان گشود و در مهرماه سال ۱۳۳۰ بر اثر بیماری درگذشت.

زندگی او توأم با حوادث سیاسی و اجتماعی مهمی بود، که بر آثار او تأثیرات عمیقی را برجای نهاد و داورى‌های متفاوتی را در مورد او پدید آورد. بهار در این حوادث سیاسی و اجتماعی بزرگ، موضوعی عمیقاً آزادی‌خواهانه و مردمی اتخاذ کرد و این موضع را در شعرها و آثار خود منعکس نمود. شرکت فعالانه ملک‌الشعرا در حوادث سیاسی و اجتماعی دوران خود، زندگی پرفراز و نشیبی را برای او به همراه آورد، زندگی که از زندان و تبعید و مهاجرت تا وزارت و مقام‌های دولتی را به همراه داشت.

به مناسبت پنجاهمین سال درگذشت این ادیب و شاعر بزرگ معاصر، امسال مراسم بزرگداشتی در تهران در تالار

من کمونیستم و کور نیستم!

جایزه نوبل ادبی به رفیق خوزه ساراماگو اهدا شد

در پرتقال و جهان برانگیخت و مورد غضب کلیسای پرتقال قرار گرفت. وی در سال ۱۹۹۲ به حمایت از سلمان رشدی پرداخت.

ساراماگو هنگامی که در نمایشگاه بین‌المللی کتاب فرانکفورت حضور داشت از اعطای جایزه نوبل ادبی باخبر شد. وی در نخستین مصاحبه مطبوعاتی‌اش گفت: در عصر اطلاعات ماکور شده‌ایم، کورهایی که می‌بینند ولی نمی‌بینند که نمی‌بینند. وی در جواب به سؤال خبرنگار شبکه دوم تلویزیون آلمان که پرسیده بود: بعد از فروپاشی سوسیالیسم واقعاً موجود آیا او هنوز به اتوبی کمونیسم اعتقاد دارد؟ گفت: من کمونیستم و کور نیستم!

در سال ۱۹۸۰ اولین اثر خود بنام «امید در آلتخو» را منتشر نمود. وی در این کتاب زندگی، فقر، گرسنگی و استثمار دهقانان جنوب پرتقال را به تصویر کشید. موفقیت بین‌المللی ساراماگو با رمان «خاطرات» آغاز شد. در این رمان پادشاه خواو چهارم برای ادای قسم اقدام به ساختن یک کلیسای با عظمت و شکوه و جلال می‌کند. وی در این رمان خواننده را با دوگانگی عظمت و زیبایی اینگونه پنهان تاریخی انسان در زیر یوغ برده‌گی به استثمار کشیده‌شداند، روبرو می‌سازد.

ساراماگو با انتشار کتاب «انجیل پس از عیسی مسیح» در سال ۱۹۹۱ بحث‌های زیادی را در مورد نقش کلیسا و واتیکان

«چراغ قرمز می‌شود و اتومبیل‌ها متوقف می‌شوند. هنگامی که چراغ سبز شد، در ردیف اول یک ماشین از جایش حرکت نمی‌کند. پشت‌سری‌ها بسوق می‌زنند. عابرین پیاده نگاهشان به چهارراه جلب می‌شود. راننده پشت‌سری از اتومبیل‌اش پیاده می‌شود و بر شیشه می‌زند. کسی که در ماشین نشسته صورتش را برمی‌گرداند. از حرکت لبهایش می‌شود دید که او چیزی می‌گوید. یک لغت را تکرار می‌کند. نه، یک لغت نیست. اگر کسی در ماشین را باز کند خواهد فهمید که در حقیقت او یک جمله را دائماً تکرار می‌کند.

«من کور شده‌ام».

این آغاز رمان شعر کوران اثر خوزه ساراماگو برنده جایزه نوبل ادبی سال ۱۹۹۸ است که مردم در آن یکی پس از دیگری کور می‌شوند و گرسنگی و خشونت بر این شهر حاکم می‌شود. دولت با فرستادن سربازان و محاصره امکان عمومی سعی بر حفظ آرامش دارد. در آخر رمان بالاخره نور بر تاریکی غلبه

جسدیدترین فیلم سینمایی کیورم پورا احمد، به نام «کابینه» یا «شاه»، که قرار بود از روز پانزدهم شهریور ماه در برابر دوربین قرار گیرد، متوقف شد. این فیلم به زندگی شاه سابق ایران و در ارتباط با آن حوادث سیاسی دوران سلطنت او، کودتای ۲۸ مرداد، حوادث سال‌های ۱۳۴۱ و وقوع انقلاب می‌پردازد. به دلیل موضوعی که پورا احمد برای فیلم خود برگزیده است، از چند ماه پیش از آن که مقدمات کار شروع شود، موضوع این فیلم به مطبوعات کشید و حساسیت‌های زیادی را برانگیخت.

پس از آن که پورا احمد فیلمنامه «کابینه» را به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ارائه داد، معاونت سینمایی این وزارت‌خانه، موافقت خود را با تهیه فیلم اعلام کرد و برای آن پروانه ساخت صادر

در حاشیه ماجراهای فیلم «کابینه»  
سرنوشت یک فیلمنامه!

اشرف پهلوی بازیگری شخصیت‌های اصلی این فیلم را که حتی پیش از زده شدن کلید دوربین به یک فیلم جنجالی تبدیل شده بود، برعهده بگیرند. تبلیغات وسیعی به خاطر موضوع فیلم در مطبوعات به راه افتاد و بسیاری را به سرنوشت این فیلم علاقمند کرد.

اما انجمن سینمای دفاع مقدس با اکثریت قاطع آراء، فیلمنامه «کابینه» را رد کرد!

به دنبال اعلام نظر انجمن سینمای دفاع مقدس، بار دیگر عملکرد و صلاحیت اعضای این انجمن در میان دست‌اندرکاران سینمایی ایران مورد اعتراض قرار گرفت و این پرسش را بر زبان‌ها جاری ساخت که این

اعمال می‌کند. همزمان با فرستاده شدن فیلمنامه «کابینه» به انجمن سینمای دفاع مقدس، کارگردان فیلم به انتخاب بازیگران و مکان‌های مورد نیاز برای فیلم‌برداری مشغول شد و تدارکات ساخت فیلم توسط موسسه سینمایی «روایت فتح»، که تهیه‌کنندگی فیلم را برعهده گرفته بود، آغاز شد. در کنار طراحی صحنه و لباس، تست گریم بازیگران هم به شکلی جدی انجام شد و بازیگران اصلی فیلم انتخاب شدند. قرار بر این بود که پرویز پرستویی در نقش شاه، پرویز نظریه در نقش فرح دیبا، اکبر عبدی در نقش هویدا و افسانه بایگان در نقش

کرد، پورا احمد که چهار بار فیلمنامه را بازنویسی کرده بود، با اعلام نظر وزارت ارشاد امور اجرایی «کابینه» را آغاز کرد. برای تهیه قسمت‌هایی از این فیلم که به صحنه‌های جنگی و استفاده از تانک و سلاح و سرباز نیاز بود، تهیه‌کنندگان مجبور شدند به انجمن سینمای دفاع مقدس که امکانات لازم را در اختیار دارد، مراجعه کنند. این انجمن چند سال است که تشکیلاتی را به موازات امور سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به راه انداخته و فیلمنامه‌هایی را که بخواهند از امکانات آن استفاده کنند، مجدداً بررسی می‌کند و برای تصویب آن، اصلاحات مورد نظر خود را

شاعران بزرگ ایران، هیچ کس به خوبی او از آزادی سخن نگفته است. آغاز شاعری وی، مواجعه یا دوره‌ای شد که در طی آن آزادی - و نه سنگر و کرسی آن - مطلوب و مقصود کسانی بود که برای نجات قوم و ملت خویش شور و درد واقعی داشتند. مبارزه با نفوذ و تجاوز بیگانه، مبارزه با تعدی و بیداد فرمانروایان خودکامه، مبارزه با آنچه ایران را به ضعف و فقر و فساد محکوم کرده بود، هدف کسانی بود که در آن روزها، در مشهد و تبریز و اصفهان و طهران و همه جا با استبداد به پیکار برخاسته بودند، بهار، شاعر جوان مشهدی نیز که در این هنگامه به دفاع از حیثیت و استقلال قوم و وطن برخاست، آزادی را یگانه امید ملک و ملت می‌شمرد.

**نیمایوشیخ؛** ملک‌الشعراى بهار یگانه استاد به سبک قدیم در زمان ما بود. من با بهار در یک راه می‌رفتیم. در سی - چهل سال پیش. احتیاج برای بیان مطالب زندگی امروزه راه ما را هم جدا کرد. شاید تاثیر کارهای مراد در تمام موقع جدایی با او در اشعار او پیدا کنید.



- فهرست آثار خوزه ساراماگو:
- امید در آلتخو (۱۹۷۹)
- خاطرات (۱۹۸۲)
- سالگرد مرگ ریکاردو رایس (۱۹۸۸)
- کلک سنگی ۱۹۹۰
- رمان تاریخ نقاشی و خوشنویسی (۱۹۹۰)
- انجیل پس از عیسی مسیح (۱۹۹۱)
- رمان تاریخ محاصره لیسبون (۱۹۹۲)
- صدلی و چیزهای دیگر (۱۹۹۵)
- شهر کوران (۱۹۹۷)

آقایان کیستند که بخش عمده‌ای از امکانات سینمای ایران را در اختیار و انحصار خود گرفته و مطابق با سلیقه‌های شخصی و خطی خود از این امکانات استفاده می‌کنند؟ سینماگران می‌گویند چند مرکز باید برای آنان تصمیم بگیرند و کارهای آنان را مطابق سلیقه خود دستکاری کنند و یا روانه بایگانی سازند؟

تصمیم انجمن سینمای دفاع مقدس با حلات شدیدی که در روزنامه‌های وابسته به حزب‌الله علیه فیلمنامه «کابینه» صورت گرفت و اعمال فشارهای این روزنامه‌ها و محافل پشت‌پرده همراه بود. در محافل سینمایی ایران گفته می‌شود که یکی از دلایل مخالفت انجمن فوق با این فیلمنامه، مشارکت مسعود بهنود در شکل‌گیری این فیلمنامه است. دست‌اندرکاران این فیلم، این ادامه در صفحه ۸

## جمشید اتحادیه، عضو کمیسیون ارتباطات سندیکایی کارگران ایران،

تتها با هیارزه هتشل کارگران  
هی توان مانع تغییرات ارتجاعی در قانون کار شد

کنشکشی‌هایی که بین جامعه کارگری ایران و هواداران بازار و ولایت و نیز بین جناح‌های رژیم بر سر قانون کار درگرفته است، موضوع قانون کار را بار دیگر به یک مساله روز در ایران و به ویژه در میان کارکنان تبدیل کرده است. کمیسیون کارگری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بر آن شده است تا با طرح سوزانی از فعالین گذشته و حال جنبش کارگری، نظر آنان را در باره این موضوع جویا شده و به منظور آشنایی سایرین، آن‌ها را در دکاره منعقد نماید. از این رو سوزانی از سوی این کمیسیون برای فعالین جنبش کارگری و سندیکایی ارسال شده که با استقبال این فعالین روبه رو شده است.

در این شماره پاسخ‌های رفیق جمشید اتحادیه، عضو کمیسیون ارتباطات سندیکایی کارکنان ایران را می‌خوانید.

لازم به توضیح است که کمیسیون ارتباطات سندیکایی کارکنان ایران، یک نهاد سندیکایی با سابقه است که هم در دوران رژیم سلطنتی و هم پس از انقلاب، نقش رابط بین جنبش سندیکایی ایران و جنبش سندیکایی بین‌المللی را به عهده داشته و از این طریق توانسته به جنبش سندیکایی ایران خدمت کند.

## نظر شما به طور اجمالی در باره قانون کار فعلی چیست؟

انظار نظر در باره قانون کار فعلی بدون در نظر گرفتن شرایط و روند کلی تدوین آن، از جمله درجه مشارکت مستقیم کارگران و نمایندگان واقعی و منتخب آنان در قانون کار، روشنگر نخواهد بود. فعالان سندیکایی کشور، از دیر باز برای قانون کار، که تامین کننده شرایط بهتر در حیات کاری و اجتماعی کارگران کشور است، اهمیت فوق‌العاده‌ای قائل بوده‌اند. قانون کار تسامی عرصه‌های زندگی کارگران و زحمتکشان کشور را دربر می‌گیرد. چگونگی محتوی آن، نه فقط بر دستمزد و شرایط کاری کارگران تاثیر می‌گذارد، بلکه در جنبش مبارزاتی پیش‌گامی کارگر در جهت پیشبرد خواسته‌های آنان، به عنوان آفرینندگان اصلی ثروت در جامعه، نقش مهمی خواهد داشت.

پس از انقلاب بهمن ۵۷، کارگران ایران به درستی خواستار تصویب یک قانون کار مترقی شدند که بتواند نقش ویژه و محوری کارگران را در انقلاب، و وظیفه عمده و ساختاری آنان در ایجاد یک اقتصاد سالم، مدرن، قدرتمند، بر پایه استعدادهای انسانی و طبیعی کشورمان منعکس سازد. در این رابطه آذغان باید داشت که مبارزه فراگیر کارگران با پیش‌نویس قانون کار ارتجاعی رژیم در سال‌های بعد از انقلاب، یکی از برجسته‌ترین فصول مبارزات کارگری کشورمان بوده است. در این مبارزه، سندیکاهای و شوراهای کارگری نقش مهمی ایفا کردند. کارگران ترقی‌خواه با رهبری هوشمندانه، مبارزه‌ی همد جانبه را در افشا روح ارتجاعی پیش‌نویس‌های تهیه شده

آغاز کردند و واپس‌گرایان حاکم را مجبور به عقب‌نشینی ساختند، یکی از خواسته‌های کلیدی کارگران در مبارزات خود در برهه تدوین طرح پیش‌نویس قانون کار، مشارکت در روند تهیه آن بود.

طبیعی است که حضور نمایندگان واقعی کارگران در تدوین پیش‌نویس، در این‌که قانون کار منعکس کننده نیازهای واقعی طبقه کارگر ایران، در مهم‌ترین عرصه‌های زندگی آنان، یعنی حقوق عمومی و خصوصی کار باشد و نقش کلیدی سازمان‌های صنفی و سندیکایی کارگران را به رسمیت بشناسد، می‌توانست کمک کند. اما این خواسته برحق کارگران در چهره عناصری نظیر احمد توکلی که حفاظت از منافع انگلی‌ترین اقشار سرمایه‌داری کشور را به عهده داشت، با مخالفت رژیم ولایت فقیه روبه‌رو شد. طراحان پیش‌نویس‌های قانون کار، اساساً به واسطه درکی عقب‌مانده و ارتجاعی از کارگر و روابط کارگری، از قبول خواسته‌های عمده کارگران در نخستین حقوق، شرایط کاری عادلانه و تامین امنیت کاری، شدیداً ابا داشتند. گرچه مبارزه وسیع کارگران عقب‌نشینی‌های مشخصی را به رژیم تحمیل کرد و سبب شد که برخی از خواسته‌های کارگران در آن گنجانده شود، اما در شرایط سرکوب سندیکاهای ساختارهای واقعی مدافع حقوق کارگران، روح ارتجاعی حاکم بر پیش‌نویس‌های قانون کار مصوب حفظ گردید. قانون کار مصوب آبان‌ماه ۱۳۶۹، که قانون شوراهای اسلامی کار مصوب بهمن ماه ۱۳۶۴ را نیز باید بخشی از آن به حساب آورد، اساساً با قوانین بین‌المللی کار در تناقض است. بند ۲ کنوانسیون ۸۷ سازمان جهانی کار مقرر می‌دارد که کارگران باید قادر باشند «بدون هیچ‌گونه تبعیض و بدون نیاز به کسب اجازت قبلی به سازمان‌های موجود درخواست خود بپیوندند». ماده ۱۳۰ قانون کار، که برای کارگران حق ایجاد انجمن‌های اسلامی را قائل می‌شود، و وظیفه آنان را متوجه تبلیغ و گسترش و «ترویج فرهنگ اسلامی و دفاع از دستاوردهای انقلاب اسلامی» می‌داند. ماده ۱۳۱، امکان تشکیل شوراهای اسلامی کار را هم‌چون ساختارهایی متشکل از نمایندگان کارگران، کارفرما و وزارت کار مطرح می‌سازد. آنچه مشخص است، این‌است که طبق تعریف قانون کار، ساختارهای مجاز، وظایف سیاسی و مذهبی برعهده دارند.

بدرغم این‌که قانون کار، تشکیل انجمن‌های

صنفی را مجاز می‌داند، کارگران در عمل فقط به تشکیل شوراهای اسلامی کار قادرند. بر طبق ماده ۱۳۸ قانون کار، ولی ققیه مختار است که نمایندگان خود را در هر کدام از ساختارهای کارگری مجاز، بگمارد. این بند عملاً استقلال شوراهای اسلامی کار و دیگر ساختارهای کارگری را نقض می‌کند. هم‌چنین در رابطه با شوراهای اسلامی کار، با مطالعه بندهای مختلف آن و از جمله ماده یک، پیرامون شرایط عضویت، که هم کارفرمایان و هم نمایندگان دولت در آن شرکت دارند، از ماهیت اصلی این شوراها پرده برمی‌دارد. ماده ۲ قانون شوراهای اسلامی کار نیز ناقص بند ۳ مقاله‌نامه ۸۷ سازمان جهانی کار است که حقوق سازمان‌های کارگری را در انتخاب آزادانه نمایندگان خود تضمین می‌کند.

نقایص جدی قانون کار می‌تواند از مجاز بودن قراردادهای موقت مستفاد شود، که در ماده‌های اخیر توسط کارفرمایان و برای اخراج کارگران، بدون تعلق هرگونه مزایایی، وسیعاً مورد استفاده قرار گرفته و با عدم توجه جدی به تعهد کارفرمایان به تامین شرایط بهداشت و ایمنی کار، که در سال‌های اخیر حوادث کاری جانگداز بی‌شماری را در محیط‌های کاری باعث شده است.

مواد متعدد دیگری از قانون کار و قانون شوراهای اسلامی را می‌توان مثال زد که با قوانین اساسی بین‌المللی مربوط به کار و کارگر در تناقض است. بر پایه این شواهد، ما معتقدیم که قانون کار فعلی از نظر دفاع از حقوق کارگران، دارای نقایص جدی و عمده‌ای است. و درست بر همین اساس، کارگران ایران و نمایندگان واقعی آنان، قانون کار فعلی را یک قانون کار ترقی و دموکراتیک نمی‌دانند و مطمئناً مبارزه جهت تدوین یک قانون کار جدید را از دستور کار خود خارج نمی‌کنند.

البته باید آذغان داشت که بدون تغییر اوضاع سیاسی حاکم بر جامعه، امکان دستیابی به یک چنین قانون کاری، اگر غیرممکن نباشد، لااقل با توجه به وضعیت جنبش سندیکایی کشور، بسیار دشوار خواهد بود.

**نظر شما در باره این‌که جناح راست درون حاکمیت می‌خواهد به بهانه هموار کردن راه سرمایه‌داری، موارد مثبت و مندرج در قانون کار فعلی را به نفع سرمایه‌داران تغییر دهد، چیست؟**  
سرمایه‌داران و کارفرمایان که هرگونه

محدودیتی در مقابل اعمال سیاست‌های کارگرسزایانه و از جمله تعطیل کارخانجات و اخراج‌های وسیع را، ناقص حقوق طبیعی خود می‌دانند، هیچ‌گاه مخالفت خود را با مفاد مشخصی از قانون کار پنهان نکرده‌اند. این‌که کارگران بر پایه سنن مبارزاتی درخشان خود و با درگیری از مبارزات برادران و خواهران خود در دیگر کشورهای جهان، توانسته‌اند با توسل به برخی از مواد همین قانون کار فعلی، بدرغم همه نقایص جدی آن، در جهت احقاق حق خود مبارزه کنند، خشم کارفرمایان را برانگیخته است.

رژیم ولایت فقیه که نمایندگی عقب‌مانده‌ترین اقشار سرمایه‌داری ایران را عهده‌دار است، به عوض کوچک‌ترین توجهی به سؤمدیریت، کمیود نقدینگی و مواد اولیه، فرسودگی ماشین‌آلات و ورود بی‌رویه کالاهای خارجی، به عنوان مشکلات اصلی صنعت کشور، قانون کار و برخی مواد آن در جلوگیری از اخراج بی‌رویه کارگران، و لزوم پرداخت حقوق ویژه به کارگران اخراجی را مانع اساسی گسترش تولید دانسته و کمر به الغای آن بسته است. سران رژیم، که با سیاست‌های خانمان‌برانداز و کسوت‌کارانه خود منابع عظیم انسانی و مادی کشور را به باد فنا داده‌اند و با اجرای دستورالعمل‌های صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، اقتصاد ورشکسته را به ارمغان آورده‌اند، الغای بندهای مشخصی از قانون کار و تسهیل شرایط اخراج کارگران و تعطیل کارخانه‌ها را هدف قرار داده‌اند.

این سیاست رژیم متوجه ایجاد شرایط برای ادامه سیاست‌های «تعدیل اقتصادی» است که در ده سال گذشته، اقتصاد کشور را ورشکسته کرده است. جالب این‌جاست که در این رابطه مرز مشخصی میان جناحین رژیم نمی‌توان یافت. این حقیقتی است که برخی از اصلی‌ترین سیاست‌گذاران اقتصادی در دولت فعلی، که همان طراحان و مستبران سیاست «تعدیل اقتصادی» و لذا بنیان‌گذار ایجاد بحران کنونی هستند، با مطرح کردن لزوم خصوصی‌سازی کارخانجات، اخراج کارگران «اضافی» و تسهیل شرایط اخراج کارگران و تعطیل کارخانه‌ها از الفا و یا لااقل تغییر قانون کار در جهت خواست سرمایه‌داران دفاع می‌کنند.

برخی از مشاوران پرنفوذ دولت و کارشناسان وابسته به آن، علناً مطرح می‌کنند که «تا زمانی که کارفرمایان نتوانند آزادانه مشاغل بنگاه خود را تعریف و طبقه‌بندی نمایند،

## برابری و نابرابری از منظر سوسیالیسم و...

ادامه از صفحه ۱۰

عنوان جمع و نیز برای عمل کردن و دنبال کردن هدفی که از پیش خواسته‌اند، به هزاران سال (وقت) نیاز دارند. تقریباً اکنون ما به این نقطه رسیده‌ایم. انگلس تاریخ بشریت را در تاریخ زمین گنجانده است (تصادفی نیست که این نامه خطاب به یک زمین‌شناس نگاشته شده است).

پس مسئله عبارت از «شکل‌بندی چیزی است که در تاریخ سیاره ما هرگز به‌وقوع نپیوسته است». از دید هگل یگانگی نوع که شاید انگلس به‌طور بسیار فشرده به آن اندیشیده، به شایستگی این واقعیت را در نظر نمی‌گیرد که مسئله عبارت از یگانگی است که اختلاف و تضاد را نفی نمی‌کند. با این همه، برای اولی مانند دومی، فراز و نشیب‌های تاریخ کلی یا جهانی بنا بر ساخت تدریجی کلیت و یگانگی نوع سوزون می‌شود. مارکس در این مورد خط پیوسته با معنایی را ترسیم کرده است. «اگر هگل پیر آن سوتر به این مسعرت می‌رسید که کلیت در زبان آلمانی و کشورهای شمال اروپا چیزی جز زمین مشترک معنی نمی‌دهد، چه می‌گفت ...» به نظر می‌رسد که در این‌جا کمیونسم به عنوان مرحله‌عالی‌تر روند ساخت کلیت اندیشیده شده است.

اگر وحدت نوع بدون شکل‌بندی کلی اندیشیدنی نیست، به نوبه خود تاریخ کلی بدون ظهور بازار مشترک نمی‌تواند اندیشیده شود. این «وابستگی متقابل کلی میان ملت‌ها» و «رقابت کلی» تاریخ کلی را ممکن می‌گرداند. در این مفهوم، بازار عاملی در روند ساخت کلیت و یگانگی نوع است. (دید مشابهی نزد هگل وجود دارد) بدیهی است که مارکس از ستایش‌های ساده‌لوحانه سنت لیبرالی در این‌باره بسیار فاصله گرفته است. بازار جهانی کاملاً می‌تواند بنا بر بردگی مستقیم سیاهان در آمریکا هم‌بسی کند. «شکار سیاه‌پوست» توسط سوداگران و دیگر «روندهای شگفت‌انگیز که انباشت بدوی» را نشان می‌دهند، بخش مکمل تاریخ پیدایش بازار جهانی‌اند. حتی هنگامی که برابری مالکان کالاها، که

از بین می‌برد، یک ملاک صوری است؛ بدین معنا که هیچ چیز معلوم نمی‌کند در زمینه توزیع ثروت اجتماعی فراهم نمی‌کند و تعریف مشترکی در زمینه شیوه مناسب تولید برای جلوگیری از تبدیل انسان‌ها یا تمامی یک طبقه اجتماعی به «ابزارکار» ارائه نمی‌دهد. البته، برابری و یگانگی نوع به عنوان ملاک صوری، این نگرش را که قلمرو مالکیت و تولید و توزیع ثروت‌های مادی امری دست‌نیافتنی است، نفی می‌کند. در این مفهوم هگل از حقوق مادی سخن می‌گوید و روی این واقعیت اصرار می‌ورزد که حقوق در کلیت آن باید نه فقط به عنوان «حق منفی» (آزادی در برابر زور که توسط اشخاص دیگر یا قدرت سیاسی خودکامه اعمال می‌گردد)، بلکه همچنین به عنوان «حق مثبت» (حق با حداقل شرایط مادی که با فقدان آن یگانگی نوع از میان می‌رود، درک گردد.

البته، در عین ایجاب و حتی خواست دخالت‌های سیاسی در قلمرو تولید و توزیع ثروت‌ها، برابری و یگانگی نوع به یک اندازه به عنوان ملاک صوری در آن قلمرو ادامه نمی‌یابند. پس بنابر لحظه تاریخی قرار دارد، این حکم نثر انگیز را صادر کند که: تو انسان نیستی! در این صورت بنا به تصریح هگل حکم منفی نامتناهی به نفی «نوع» می‌انجامد. بنابراین، یگانگی نوع خط راهنمایی است که امکان می‌دهد نابرابری غیر قانونی از نابرابری قانونی متمایز گردد. برابری در برابر قانون با عنایت به این‌که امکان تعریف آن به‌طور مشترک وجود ندارد، کافی نیست. از دید هگل حتی فقر نویدمانده توده‌هایی از مردم نمی‌تواند توزیع دوباره درآمد از راه قانونی را توجیه کند؛ یعنی در چنین چارچوبی، وضع مالیات تصاعدی نه فقط ازارنده و مستبدانه، بلکه همان‌طور که اشاره شد، مخرب برابری در برابر قانون است. در عوض بنا به دیدگاهی که شرح آن گذشت، عمل مجاز دانستن فقر نویدمانده توده‌های وسیع مردم در وضعیت رشد نیروهای مولد و ثروت اجتماعی به تخریب یگانگی نوع و برابری می‌انجامد. در این صورت باید برابری صوری و برابری واقعی را رویاروی هم قرار دهیم؟ در واقع، برابری به عنوان نفی نابرابری‌هایی که یگانگی نوع را

انعطاف لازم برای اداره کارها و تخصیص نیروی کار به مولدترین شیوه ممکن حاصل نخواهد شد. آنان معتقدند: «تاکید بر قوانین سخت‌گیرانه در مورد استخدام و اخراج نیروی کار و تحمیل هزینه‌های سنگین بیمه بر کارفرمایان، هرچند بر شرایط کار شاغلین تاثیر مثبت دارد، ولی سبب محدودیت خلق فرصت‌های شغلی جدید می‌گردد».

این برخورد مسئولان درجه اول دولت، ریشه در این دارد که برنامه «سامانیابی اقتصادی» پیشنهادی آنان، بر پایه جلب سرمایه‌های خارجی سازمان داده شده است. دست‌اندرکاران بر این باور هستند که برای ایجاد شرایط مطلوب سرمایه، با دنبال کردن نمونه‌های ورشکسته‌ای چون اندونزی، مالزی و مکزیک، کارگران فقرزده و غیرمتشکل، لشکر بیکاران، و فقدان هرگونه پوشش قانونی برای کارکنان را باید در ویرترین به نمایش گذاشت. سیاست‌گذاران اقتصادی کشور، حتی از بحران اخیر جهان سرمایه‌داری در آسیای جنوب شرقی، که در جریان آن سرمایه‌های غریبومی به همان سهولتی که وارد شده بودند، خارج شده و اقتصاد متمدن میلیون‌هاییکار و بی‌خانمان باقی گذاشته‌اند، درس نگرفته‌اند.

سازمان‌های مدافع حقوق کارگران ایران، نمی‌توانند نسبت به عوارض وحشتناک این سیاست برای اقتصاد کشور و به تبع آن برای زحمتکشان کشور بی‌تفاوت بمانند. هرگونه کوششی در جهت تضعیف بندهایی از قانون کار را که مدافع حقوق کارگران‌اند، ارتجاعی دانسته و معتقدیم که زحمتکشان کشورمان و سازمان‌های صنفی و سیاسی مدافع حقوق‌شان با آن مبارزه خواهند کرد.

در انتها باید اضافه کنیم، که ترقی‌خواهان کشورمان در موضع‌گیری در قبال شرایط حساس کشور، می‌باید رشد چشم‌گیر جنبش طبقه کارگر در دفاع از حقوق خود را در دو سال اخیر، و به‌ویژه، نقش مهم زحمتکشان را ایجاد حساسه دوم خرداد و طرد کاندیدای ارتجاع را پیوسته در نظر داشته باشند.

بر پایه چنین شرایطی، امکان و لزوم برگرداندن موج حمله به قانون کار فعلی از طریق تشدید مبارزه متشکل کارگران از مقابل به امواج اخراج‌ها و در دفاع از عمده‌ترین خواسته‌های صنفی زحمتکشان را نمی‌توان منتفی دانست.

کمیسیون ارتباطات سندیکایی ایران با کوشش در جهت بسیج افکار بین‌المللی، و به‌ویژه جنبش جهانی سندیکایی، در دفاع از مبارزات کارکنان ایران، بر این باور است که جنبش ترقی‌خواهانه کشورمان هیچ تمایزی میان حقوق بشر و حقوق دموکراتیک کارگران برای برخورداری از شرایط کاری و زندگی مناسب و انسانی و از جمله در پوشش یک قانون کار مترقی قرار داشتن را نمی‌باید قایل شود.

## سر نوشت یک فیلم‌نامه

ادامه از صفحه ۷

ادعا را رد می‌کنند و می‌گویند چنین مشارکتی وجود نداشته و فیلم‌نامه متعلق به کیومرث پوراحمد است و وی برای تهیه آن تنها بخشی از فیلم‌نامه را براساس کتاب «از سیدضیاء تا پختیان»، اثر بهنود تنظیم کرده است و نسخه نهایی فیلم‌نامه با کمک علی‌رضا داودنژاد نوشته شده است.

پس از مخالفت انجمن سینمای دفاع مقدس با تهیه این فیلم، سیف‌الله داد معاونت سینمایی وزارت ارشاد در مراسم انتخاب فیلم برتر تصریح کرد که دولت و معاونت سینمایی وزارت تنها مرجع در تایید یا عدم تایید فیلم‌نامه‌ها هستند. به دنبال آن موسسه روایت فتح نیز اعلام کرد که با وجود مخالفت انجمن سینمای دفاع مقدس، «کابینه» را خواهد ساخت، اما این موسسه تنها چند روز بعد، نظر خود را تغییر داد و اعلام کرد «کابینه» تحریف واقعیت است و این موسسه در ساخت آن مشارکتی نخواهد داشت.

پرواحمد کارگردان فیلم اعلام کرده است که با وجود همه این مخالفت‌ها، «کابینه» را خواهد ساخت. حالا او دنبال کسی می‌گردد که سرمایه پانصد میلیون تومانی این فیلم را تامین کند! □





هگل در پدیدارشناسی، روح تضاد در اندیشهٔ برابری مادی را که پایهٔ خواست «اشتراک ثروت‌ها» است، به وجه مطلوبی آشکار کرده است. بدین معنی که اگر به برآوردن مساوی نیازهای متفاوت افراد مبادرت شود، بدیهی است که نابرابری در سهم‌های افراد از آن نتیجه می‌شود. اگر به‌عکس، به «توزیع برابر» مبادرت شود، در این صورت واضح است که نتیجهٔ آن «برآوردن نابرابرانهٔ نیازها» برای افراد خواهد بود. در واقع، در هر دو حالت «اشتراک ثروت‌ها» به ایفای وعدهٔ برابری مادی دست نمی‌یابد.

مارکس که خیلی خوب به پدیدارشناسی آگاهی داشت، مشکل را با ربط دادن شیوه‌های گوناگون توزیع «برابر» به دو مرحلهٔ تفاوت رشد جامعهٔ سرمایه‌داری حل کرد: بدین ترتیب که توزیع در جامعهٔ سوسیالیستی طبق «حق برابر» است، یعنی پرداخت مزد طبق «حق برابر» است. در حالی که توزیع در جامعهٔ کومونیستی، توزیع طبق نیازهای مختلف است که عملاً موجب نابرابری می‌شود؛ اما رشد عظیم نیروهای مولد که نیازهای همه را کاملاً برآورده می‌سازد، اهمیت عملی این نابرابری را زایل می‌سازد. به عبارت دیگر، در سوسیالیسم، برابری مادی ممکن نیست، ولی در کومونیسم این ناممکنی دیگر معنا ندارد. جایی که توزیع محدود ثروت‌ها وجود دارد، بناخواهد نابرابری هم وجود دارد، ولو این‌که این نابرابری بر حسب مورد به شکل‌های مختلف بروز کند.

امروز در شرایطی که ایده‌آل کومونیسم همهٔ معانی سیاسی‌اش را از دست داده (به نحوی که هیچ دولت اعلام نمی‌کند که دست‌اندر کار پیشرفت در راه کومونیسم است، چون در چشم‌اندازی دوردست قرار دارد) و نیز در شرایطی که ایده‌آل کومونیسم در مه خیال‌بافی‌ها محو شده، آیا باید از هر اندیشهٔ برابری هم وجود دارد، ولو این‌که این نابرابری بر حسب مورد به شکل‌های مختلف بروز کند.

امروز در شرایطی که ایده‌آل کومونیسم همهٔ معانی سیاسی‌اش را از دست داده (به نحوی که هیچ دولت اعلام نمی‌کند که دست‌اندر کار پیشرفت در راه کومونیسم است، چون در چشم‌اندازی دوردست قرار دارد) و نیز در شرایطی که ایده‌آل کومونیسم در مه خیال‌بافی‌ها محو شده، آیا باید از هر اندیشهٔ برابری هم وجود دارد، ولو این‌که این نابرابری بر حسب مورد به شکل‌های مختلف بروز کند.

تفسیری دارد: «باید زنان را به کودکان افزود». هایدک نیز در یک یادداشت به طرد سنتی زنان از قلمرو حقوق سیاسی رجوع می‌کند: «این یادآوری مفید است که در سوئیس، کشور اروپایی که دمکراسی در آن بسیار قدیمی و کامل است، زنان هنوز (در سال ۱۹۶۰) حق رای ندارند و به‌نظر می‌رسد که این با تصویب اکثریت آنان است.»

بدین سان از دید هایدک، نفی حقوق سیاسی پیش از نیمی از جمعیت، نقض برابری حقوق به حساب نمی‌آید. چند دههٔ پیش از آن، اسپنسر به این نتیجه رسیده بود که تصویب حقوق

برابری، مالکیت و بنام است. از این هم‌کناری چند مقوله و یک نام می‌توان نتیجه گرفت که بنام تئوری پرداز حقوق طبیعی و شعارهای (آزادی، برابری) حصول انقلاب فرانسه است. اما بنام از موضوع کاملاً متفاوتی حرکت می‌کند. به عقیدهٔ این لیبرال انگلیسی اعلامیهٔ حقوق بشر ۱۷۸۹ چیزی جز انباشت «سفته‌های انارشستی» نیست. اعلامیه از برابری میان همهٔ انسان‌ها صحبت می‌کند. ولی تفسیر بنام از این قرار است: «همهٔ انسان‌ها، یعنی همهٔ موجودهای نوع بشر و بنابراین شاگرد با اربابش در حقوق برابرند. شاگرد حق

## برابری و نابرابری

# از منظر لیبرالیسم و نقد سوسیالیستی

از دومینکو لوسوردو

برگردان: ب. کیوان

فرمانروائی و تنبیه اربابش را دارد؛ یعنی همان حتی که اربابش نسبت به او اعمال می‌کند». پس «اصل پوچ برابری تنها جمعی متعصب و شماری نادان را راضی می‌کند». اعلامیه از «قانون به عنوان بیان ارادهٔ عموم» صحبت می‌کند. البته، بدیهی است که بدین ترتیب نمی‌تواند محدودیت‌های سیستم امتیاز در رای دادن را توجیه کرد. همچنین به‌نظر می‌رسد تئوری پردازان اعلامیه در بارهٔ حق مالکیت، مورد بدگمانی بنام است: نخست به‌خاطر این که موضوع مشخص چنین حق کاملاً معین نشده است. به هر رو، مسئله عبارت از حق است که «بدون هیچ قید و شرط به هر فرد» تعلق دارد. پس می‌توان از آن نتیجه گرفت که اعلامیه با شناسایی «حق مالکیت همگانی، بدین معنا که همه چیز برای همه مشترک است، پایان می‌گیرد. اما چون آنچه به همه تعلق دارد، به هیچ‌کس تعلق ندارد، از آن این نتیجه به‌دست می‌آید که تأثیر اعلامیه تثبیت مالکیت نیست، بلکه برعکس، تخریب آن است؛ هواداران با یوف، این مفسران واقعی اعلامیه حقوق بشر، آن را این‌گونه درک کرده‌اند که می‌توان آن‌ها را فقط به‌خاطر این‌که در توجه به تندرست‌ترین و پوچ‌ترین اصل، منطقی بوده‌اند، نکوهش کرد.»

در این جا لازم می‌آید که به یک قضیهٔ متناقض اشاره کنیم. در حالی که به عقیدهٔ مارکس برابری اعلامیهٔ حقوق بشر مترادف با «مالکیت و بنام» است، از دید بنام این برابری مترادف با کومونیسم است؛ این تناقض را چگونه باید توضیح داد؟ آیا باید اشتباه را به انقلابی آلمانی نسبت داد یا به لیبرال انگلیسی؟ شاید فرضیهٔ دیگری وجود دارد. هنگامی که کاپیتال «آزادی، برابری، مالکیت و بنام» را پهلوی هم قرار می‌دهد، آشکارا به بازار رجوع می‌کند که در آن سرمایه‌دار و کارگر به عنوان «مالکان آزاد و برابر کالاها» با هم روبرو می‌شوند و به‌طور قرائ دادی کالاها مربوط به خود (مزد و نیروی کار) را مبادله می‌کنند. در عوض بنام، هنگامی که نتیجه‌های مخرب برابری و حقوق بشر را اعلام می‌دارد، مطلقاً به بازار رجوع نمی‌کند. «برابری» که مارکس به عنوان هدف در نظر می‌گیرد، شاید برابری‌ای نباشد که بنام از دید کاملاً مخالف به عنوان هدف مطرح می‌کند.

شعار «برابری» خیلی پیش از ۱۷۸۹ در سنت سیاسی لیبرالی انگلیس انعکاس یافت. به عقیدهٔ آدام اسمیت «امکان دادن به هر کس که نفع خاص شخصی‌اش را به‌طور مستقل بنا بر طرح لیبرالی برابری، آزادی و عدالت دنبال کند»، ضرورت دارد. در برخورد به شعار «برابری، آزادی و عدالت» تقریباً به‌نظر می‌رسد که ما یک پیشگامی در کار برد نام سه گانهٔ یادشده سر و کار داریم که بعد در انقلاب فرانسه تولد یافت. هنگامی که آدام اسمیت هر نوع «نقض آزادی طبیعی و عدالت» را به عنوان امری «ناعادلانه» محکوم می‌کرد، کوشش شد آن را به عنوان حقوق طبیعی انسان تلقی کنند. از این رو، نباید از هم‌اوانی‌های ساده و جزئی گمراه شد. برابری درخواستی اسمیت کاملاً در چارچوب بازار به کار می‌رود که در پرتو آن هر انسان باید بتواند «بنا بر سیستم آزادی طبیعی»، «کار یا سرمایه‌اش» را بدون هیچ مانعی به کار اندازد و وارد رقابت شود. حتی هنگامی که موضوع عبارت از آزادی است، این آزادی مخصوصاً بر اساس بازار تنگدستی شده است. اسمیت به ریشخند خاطر نشان می‌کند که «افراد کمون در انگلستان، هرچند به آزادی‌شان بسیار علاقه نشان می‌دهند، در عین این که هرگز به درستی درک نمی‌کنند که این آزادی مبتنی بر چیست، همانند افراد کمون اغلب کشورهای دیگر، خشم خود را «علیه حکم‌های عام توقیف و بی‌تردید علیه عمل خلاف که البته به‌نظر نمی‌رسد در حد تعدی به عموم باشد»، ابراز می‌دارند. ولی همین افراد کمون به قوانین و نهادهایی که آزادی‌گرددش خرید و فروش نیروی کار را محدود می‌کنند، توجه کمی دارند

و یا هیچ توجه ندارند. «آزادی طبیعی» «آزادی برابر طبیعی» هر فرد آشکارا بر پایهٔ بازار اندیشیده شده که قدرت سیاسی باید از دخالت در آن بپرهیزد. همانند دانستن تئوری انقلابی فرانسه در زمینهٔ حقوق طبیعی انسان با چنین موضع‌گیری ناممکن است. آگاهی از این تفاوت، گاه نزد مارکس دیده می‌شود. چنان‌که در «خانوادهٔ مقدس» آمده است: برابری «یک اصطلاح فرانسوی است که برای نشان دادن یگانگی اساسی انسان‌ها، آگاهی نوعی و رفتار نوعی انسان و همانندی انسان با انسان از زمینهٔ

فعالیت عملی، یعنی رابطهٔ اجتماعی یا بشری انسان با انسان به‌کار می‌رود». پس «خانوادهٔ مقدس» تفسیری آشکارا متفاوت با تفسیر کاپیتال ارائه می‌دهد: زیرا به یقین بازار جانی نیست که آگاهی و یگانگی نوع بیان خود را در آن یابد. برابری از متنی به متن دیگر به چه ترتیب انتقال یافته است؟ آن چه در بارهٔ این موضوع باید خاطر نشان کرد، این است که وابسته کردن مقولهٔ مشترک به انقلاب بورژوازی، سنت لیبرالی انگلیس و سنت انقلابی فرانسه را تابع روند همانندی می‌سازد که فضای کمی برای متمایز کردن دقیق تر آن‌ها باقی می‌گذارد.

در واقع، برای سنت لیبرالی کلاسیک و به‌ویژه لیبرالیسم کنونی، برابری کالاها (سرمایه یا نیروی کار) که کاپیتال در بارهٔ آن صحبت می‌کند، دولت باید مانع از هر بی‌نظمی بازار گردد. بسیار خوب، اما چه کسی بازار را بی‌نظم می‌کند؟ در جای نخست، این‌ها عبارتند از انحصارها و به‌ویژه انحصار نیروی کار. مناقشهٔ ضد سندیگان گاه بسیار آشکار و تند و گاه پنهان و به‌زحمت محسوس همواره با تاریخ اندیشهٔ لیبرالی همراه بوده است. در این باره نخست سخن ماندویل را ذکر می‌کنیم: «من از اشخاص قابل اعتماد شنیده‌ام که برخی از خدمتکاران، گسختی را به جانی رسانده‌اند که با گرد آمدن در انجمن‌ها قوانینی وضع کرده‌اند که طبق آن خود را ملزم نمی‌دانند در قبال مبلغی پایتین تر از مبلغی که بین خود گذاشته‌اند، استخدام شوند و یا بارها ننگ‌بارها و بسته‌هایی را که سنگینی آنها از حد معینی متلاذو تا سه کیلو بیشتر باشد، حمل نکنند و نیز مقررات دیگری وضع کرده‌اند که مستقیماً با منافع کسانی که آن‌ها نزدشان کار می‌کنند، در تضاد است و این حتی با هدفی که آن‌ها به خاطر آن استخدام شده‌اند، وفق نمی‌دهد». به همین ترتیب بورکه، نویسندهٔ کلاسیک دیگر سنت لیبرالی، که هایدک همیشه به او مراجعه می‌کند، از قراردادی ستایش می‌کند که بنابر طرح برابری در خارج از هر «اتحاد یا تبانی» و با اشارهٔ آشکار و رضایت اتحادیه‌های قانونی منعقد می‌گردد و در آن تا ساید شده است که اعتصاب‌های کارگری ممنوع و قابل مجازات است.

اما آیا برای از میان برداشتن بی‌نظمی در بازار و برقراری برابری مبادله، منع این «انحصارها توسعه یافته» که عبارتند از شرکت‌ها یا اتحادیه‌های کارگری کافی است؟ اسمیت اعتراف می‌کند که در واقع «قوانین پارلمانی علیه اتحادیه‌ها که به کاهش بهای کار گرایش دارند، وجود ندارند، حال آنکه قوانین پارلمانی زیادی علیه اتحادیه‌ها که به افزایش آن گرایش دارند، وجود دارد». تا این‌جا تنها مسئله عبارت از بی‌ترتیبی قانون‌گذاری است که می‌تواند به آسانی رفع شود. اما اسمیت تذکر دیگری را اضافه می‌کند: «چون کارفرمایان از حیث تعداد کم‌ترند، می‌توانند به آسانی متحد شوند»، «کارفرمایان همیشه و همه جا دارای نوعی اتحاد پوشیده هستند که کم‌تر جنبهٔ دائمی و یک‌شکل دارد. مراد از این اتحاد جلوگیری از بالا رفتن دستمزدها از سطح کنونی آن» و یا «پائین آوردن سطح دستمزدها است». پس اگر با چنین شیوهٔ قانون‌گذاری با کارفرمایان و کارگران رفتار شود، نابرابری واقعی به سود کارفرمایان چیزی از برابری باقی نمی‌گذارد. اسمیت در اقتصاد سیاسی با واقع‌گرایی خاصی اعتراف می‌کند که در این صورت جدا از قانون‌گذاری جاری، برابری واقعی میان «شریکان» بازار و رقیب کار وجود ندارد. «کارگران برای واداشتن (کارفرمایان) به تصمیگیری فوری، همواره به وسیله‌های پرسوسا و گاه خشونت‌آمیز و این‌ها موثر متوسل می‌شوند. آن‌ها (از وضع خود) نویسد شده و با جنون و شدت عمل انسان‌های مایوس که یا باید از گرسنگی بپیرند و یا کارفرمایان خود را به قبول خواست‌های شان وادارند، رفتار

هایک که نفی حقوق سیاسی زنان و همهٔ طبقات اجتماعی را با اصل برابری در برابر قانون سازگار می‌داند، از سوی دیگر، معتقد است که «وضع مالیات تصاعدی به عنوان وسیله برای دست یافتن به باز تقسیم درآمد» این اصل ناسازگار است. پس در این چشم‌انداز باید از آن نتیجه گرفت که تقریباً همهٔ کشورهای غربی اصل برابری در برابر قانون را نفی کرده و به وضعیت پیش از دمیدن دنیای مدرن بازگشته‌اند؛ هرچند از این پس اکثر تهیدستان‌اند که طبق قانون باید مالیات کسری بپردازند و از امتیازهایی برخوردار شوند. به عقیدهٔ هایدک این واقعیت که حذف برابری حقوقی نتیجهٔ مستقیم تحقق برابری سیاسی است، هنوز بسیار جالب است؛ «در حالی که شمار مزدبران و پسرولترها ششپان افزایش می‌یافت، حق رای برای آنها که تا آن زمان از آن محروم بودند، شناخته شد. بدین ترتیب، افکار اکثریت عظیم انتخاب‌کنندگان در کشورهای غربی (تقریباً به‌جز چند استثنا) بنا بر وضعیت وابستگی که در آن قرار داشتند، تعیین می‌گردید. چنانکه امروز در اغلب موارد این افکار آنهاست که بر سیاست فرمانرواست. تصمیحاتی که آنها می‌گیرند، وضع زحمتکشان مزدبر را تا اندازه‌ای بهبود می‌بخشد. در عوض وضع پیشه‌های مستقل را وخیم می‌سازد. این موضوع در جای نخست برای «مالیات‌ها» دارای اهمیت است. تصور می‌رود این‌جا مستقیماً در برابر یک وضعیت متناقض قرار می‌گیریم: جایی که برابری سیاسی وجود دارد، برابری حقوقی پایان می‌یابد. اما هایدک به‌راحتی از آن درمی‌گذرد؛ زیرا به عقیدهٔ او حذف حقوق سیاسی به نابرابری قانونی مربوط است؛ حال آنکه تنها برابری در برابر قانون واقعا اهمیت دارد. بنابراین، این برابری با شناسایی حق رای در حقوق سیاسی نقض نمی‌شود؛ بلکه برعکس این برابری با شناسایی حق رای (به زبان ثروتمندان) که تحمیل مالیات تصاعدی را ترسیم می‌کند، نقض می‌گردد.

حال می‌پرسیم برخورد مارکس نسبت به خواست برابری چیست؟ نخست این‌که در کاپیتال قطعهٔ بسیار مشهوری وجود دارد که در آن او حوزهٔ چرخشی را ریشخند می‌کند که «بهشت واقعی حقوق طبیعی فطری به‌شمار می‌رود، آن‌چه این‌جا فرمانرواست: آزادی،

می‌کنند». همهٔ این‌ها مانع از آن نگردد که اسمیت به دولت توصیه کند که با شدت علیه اتحادیه‌های کارگری اقدام کند و به منع هر شکل تجمع کارگری دست یازد. چون بدبختانه «دشوار است که افراد یک حرفه برای برگزاری جشنی یا تفریحی گرد هم آیند و گفتگوی آن‌ها به توطئه علیه دولت و انتخاب و اعزام نماینده برای بالا بردن پادشاه یا نینجامد».

برق آه این‌که سرانجام اسمیت به متزلزل کردن اسطورهٔ برابری در بازار و مبادله که خود آن را ساخته بود، دست می‌یازد. عنصرهای واقع‌گرایی موجود در تحلیل اسمیت وسیعاً در فکر لیبرال نو ناپدید شده است. اسطورهٔ بازار و برابری در بازار با صراحت خیره‌کننده نزد نویسندگان چون هایدک و نوزیک دوباره سربرآورده است. اما در قبال اطمینان‌های تسکین‌دهندهٔ لیبرالیسم نو کنونی، کافی است که تاریخ واقعی سنت لیبرالی را در برابر آن قرار دهیم. بنابراین، پس چه وقت بازار بدون بی‌نظمی بیرونی وجود خواهد داشت که شریکان طرف مبادلهٔ خود را در وضعیت آزادی و برابری احساس کنند؟ لاک اصل دادن کالا به جای دستمزدها (Trade Knttd) را که بر پایهٔ آن به کارگران به جای پول کالاهای کارخانه‌ای که در آن کار می‌کنند، داده می‌شود، امری کاملاً موجه می‌دانست. در عوض به عقیدهٔ اسمیت «قانونی که کارفرمایان... را و می‌دارد که بجای کالا به کارگران پول بپردازند، قانونی کاملاً عادلانه است». در عمل این قانون هیچ التزام واقعی را به کارفرمایان تحمیل نمی‌کند. اسمیت برخلاف لاک فکر می‌کرد که سیستم کالا به جای دستمزدها، اصل برابری میان شریکان را نقض می‌کند و از این رو، مداخلهٔ قانونی را که از نظم لاک غیرقابل تحمل است، توجیه می‌کرد. جلوتر نویسندگان لیبرالی چون لکی و دیگران تنظیم ساعت کار به وسیلهٔ دولت را به عنوان مداخلهٔ ناپذیرفتنی در قلمرو بازار محکوم کردند». به عکس، به عقیدهٔ هایدک، دولت حق دارد «مقررات عام برابری و مشترک» و «شرایط عامی را که بر قرارداد به رعایت آن فرا خوانده شده»، معین کند. هایدک که امروز علیه هر نوع سوسیالیسم و اتاتیسم (دولت‌گرایی) داد سخن می‌دهد، به نوبهٔ خود از نظر لکی که او را به مثابهٔ نویسندهٔ کلاسیک لیبرالیسم می‌دانست، سوسیالیست و اتاتیست تلقی شده است.

پس آنچه واضح می‌گردد، خصلت معین تاریخی بازار است که به گفتهٔ گرامشی شکل مشخص بیرونی آن نمی‌تواند مستقل از «روبنای سیاسی، اخلاقی و حقوقی» اندیشیده شود. همان‌طور که هایدک خاطر نشان می‌کند: قبول این امکان برای دولت که قاعده‌های عامی را اعلام دارد که شرایط صحت قرارداد را مشخص کند، اعتراف به این است که در واقع دولت شرایط را معین می‌کند که امکان می‌دهد ببینیم فلان قرارداد بر اساس زمینهٔ آزادی و برابری بسته شده و نیز اعتراف به این است که برابری میان شریکان مبادله نتیجهٔ تعریف کاملاً تاریخی و سیاسی است.

برابری در بازار که در نظر لیبرال‌ها به مثابهٔ یگانه برابری درخور تعریف روشن و بی‌ابهام جلوه می‌کند، در واقعیت خود را همچون مسئله برانگیزترین برابری نشان می‌دهد. حال به تعریفی از برابری بازگردیم که در «خانوادهٔ مقدس» آن را همچون وجدان یگانگی نوع می‌یابیم. بدیهی است که این تعریف نیز خالی از مشکل و مسئله‌های خاص خود نیست. جدی‌ترین ایراد، ایرادی است که مستر

(Malstre) در زمان خود فرمول‌بندی کرد: «در جهان ابد انسان وجود ندارد. من در زندگی‌ام فرانسوی‌ها، ایتالیایی‌ها، روس‌ها و غیره را دیده‌ام و به غایت منتسکویو حتی می‌دانم که می‌توان پاریسی (ایرانی) بود. اما در بارهٔ انسان باید بگویم که هرگز به سن بلوغ و استعداد کامل درک کردن و اداره کردن نیل نمی‌آید، برابری حقوقی وجود دارد؟ و نیز آیا میان یک شهروند به معنی دقیق آن و کسی که همچون بیگانه در کشور باقی ماند، برابری حقوقی وجود دارد؟ ممکن است در پاسخ گفته شود که در این‌جا مسئله عبارت از فصلی از تاریخ است که پایان یافته و به گذشته تعلق دارد. چون رای همگانی مرد و زن همه جا خود را تحمیل کرده است. با این همه، امروز نیز نویسنده‌ای چون هایدک فکر می‌کند که هیچ تضادی میان برابری حقوقی و محدودیت رای در حقوق سیاسی وجود ندارد. به عقیدهٔ او «نمی‌توان تصدیق کرد که برابری در برابر قانون ضرورتاً مستلزم آن است که همهٔ افراد بالغ حق رای داشته باشند.» به یقین نمی‌توان تأیید کرد که (...) خارجیان مقیم ایالات متحده یا افراد خیلی جوان به خاطر نداشتن حق رای از آزادی زیادت‌بی بهره‌اند. در صورتی که آنها از آزادی سیاسی برخوردار نیستند... خارجیان و کودکان نمونه‌هایی هستند که کنستان هم به آنها اشاره کرده است. چند دههٔ بعد، ادوارد لایولا، ناشر اصول سیاست که از نابندگان برجستهٔ سنت لیبرالی به‌شمار می‌رود، در این باره چنین

ادامه در صفحه ۸

## قانون دادگاههای عام: پيله خوش خيالی‌ها ترکيد!

مسيان یک مشت بادمجان دورقصاب چين و فرصت طلب بی‌اينکار هم، که هيچ گونه حبيت ملی و شغلی نداشتند، بيکار نشستند و هرچه توانستند تنور قانون‌زدایی را گرمتر کردند. دور باطل از مومن و خطا آغاز شد و هر چندی، یک دست آورد جديد از کارگاه قانون سازی قوه قضائيه پيرون داده شد ولی هيچ کدام از آن‌ها، در عمل کارسازی و سودمندی قوانين کنار گذاشته شده سابق را نسيافت و قانون‌سازان ياد شده، هربار، از بار پيش، ناکام‌تر گردیدند!

سرانجام پس از سالیان دراز، که سرمایه مادی و معنوی کشور به هدر رفت و هبا متوررا گردید، قوه قضائيه آخرين فرآورده خود را به نام قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب به معرض عمل گذاشت.

این قانون که تقریباً الگوی بسی‌ریختی از قانون تشکیل دادگاههای بخش مستقل است، نقائص فراوانی دارد که صدالبته، آن قانون نداشت و در عمل، مشکلات بسیاری پيش روی مردم و دستگاه قضائيه کشور نسياده است که آن قانون نمی‌گذشت!

از جمله ابدعات و نوآوری‌های قانون جديد این است که هرچه در قانون تشکیل دادگاههای بخش مستقل، صلاحیت دادرسان دادگاهها و دایره عملشان محدود بود، در این قانون، دست قاضی از هر طرف باز است و یک قاضی بی‌تجربه تازه کار، می‌تواند در مورد دست‌کم سیزده فقره موضوع حقوقی و کیفری، از رانندگی بی‌پروانه دوچرخه‌پایی گرفته تا قتل عمل عمدی، یک تته رسیدگی و تصمصگیری کند.

حالا از این رسیدگی ناشیانه و شتاب‌آلود، چه نتایجی به بار خواهد آمد، موضوعی است که قضائيه گردانندگان قوه قضائيه و متفکران قانون‌سازان آن دستگاه، به گمان خودشان، بهترین محصولشان را به عرصه بروز و ظهور گذاشته‌اند، نیست. «محاکمه شهردار تهران این حقیقت را به همه جهانیان، که روزها و شبها، چشم به گردش کار دادگاه دوخته و گوش به صدای قاضی و متهم پرورنده سپرده بودند، فهمانید که علی‌آباد شهری نیست. این محاکمه، سیمای بهترین و معتبرترین دادگاه تاریخ بیست‌ساله اخیر را، به روی صحنه تلویزیونها و امواج رادیوها کشانید و عارف و عالمی چالش‌های بی‌جا و بگومگوهای بی‌مورد و تائثرانگیز قاضی و متهم را بارها و بارها دیدند و شنیدند و دریافته‌اند که چگونه در پرتو قوانین دادرسی کنونی کشور، دادرس دادگاه، خودش شاکمی است، خودش دادستان و بازپرس است و سرانجام خودش هم قاضی است و انشا راي و اجرای رای می‌کند و به دیگر سخن خودش می‌برد و خودش می‌دود و به این کار هم می‌گویند قضاوت بیطرفانه و در نهایت امر، تامین عدالت قضائیه!

«محاکمه شهردار تهران این حقیقت بزرگ را آشکار گردانید که وقتی شهردار تهران، با آن همه کس و فر و هیمنه و پشتوانه‌اش و آن همه هیاهو که به خاطرش برپا شد، آن‌چور محاکمه بشود که همگان دیدند و شنیدند، بر آن دست و پاچلفتی‌ها و یک لایق‌هایی و تیره‌روزانی که در هفت آسمان بخت و اقبال حتی یک ستاره کورده هم ندارند، چه‌جا بیشتر، دامن همت بر کمر زدند و به جان قوانین استوار و ماندگار گذشته افتادند و هر روز بخشی از آنها را لت‌وپار کردند. در این

روز، دروغ‌گویی، حته بازی و تقلب در جامعه فزونی پیدا می‌کند و سطحی‌نگری و مادی‌گرایی جای خود را ... به‌طور کلی، این تحقیق نشان می‌دهد که بنا بر باور جوانان، رویدادهای کنونی اجتماعی، با اهداف این جامعه مذهبی و انقلابی هماهنگ و همخوان نیستند. (تاکید از ماست) این تحقیق پیشنهاد می‌کند که با به‌کارگیری افرادی که نه تنها از دانش و معلومات لازم برای اداره امور برخوردارند، بلکه عشق به خدمت اولین ذغدغه زندگی آن‌ها است، الگوهای رفتاری مناسب‌تری برای جوانان فراهم می‌آید.

اولاً به عنوان یک ایرانی کوچک و چین یکدست و دارای جوانانی چنین یکدست و دارای اتفاق نظر را به مسئولان امور وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، وزارت علوم و آموزش عالی، وزارت بهداشت و آموزش پزشکی و دیگر مصادر امور جوانان و دانشگاههای ریز و درشت دولتی و خصوصی تبریک می‌گویم و برای آنان موفقیت بیشتری آرزویمند.

دیگر این که خوشبختانه این تحقیق در وزارت ارشاد، پيش از دولت آقای خاتمی و در زمان آقای رفسنجانی و وزارت آقای میرسیم آغاز شده و شاید در همان دوره هم به انجام رسیده است. نمی‌توان گفت که دولت جديد و وزیر جديد ارشاد در نتایج این پژوهش دستکاری کرده‌اند. بعلاوه استادان و اساتید که دانشمندان جوانان سرور کار دارند، در عمل هریک، چنین تحقیقی را انجام داده‌اند و به نتایجی بس وخیم‌تر رسیده‌اند، زیرا تحقیق مذکور بر اساس سؤال از ۷۵ نفر از جوانان است و آنان لاقلاً سالی با صد جوان سرور کار دارند و با هم سروکله می‌زنند.

این تحقیق که گویای پس رفت و اضمحلال اخلاقی جامعه‌ای است که شعارهای اصلی‌اش معنویت و اخلاق است، سنوالات فراوانی را در ذهن پرس می‌انگیزد که ناچاریم به آنها بپردازیم. □

«تبهکاران سیاسی و فرهنگی که امروز با فعالیت‌های محفلی و مطبوعاتی قصد نابودی کشور و مردم ایران را دارند، باید از هرگونه حمایت چتر قانون محروم و توسط نیروهای انقلاب اسلامی منکوب شوند.»

«رفستار سیاسی آنها پس کودکانه است. اقدامات و تحرکات آنها طی یکسال اخیر، دستان آنان را برملا کرد و این یک عطیه الهی برای مردم ما است. مردم متوجه شدند چه سنگلان و گرگان بدسگالی در کمین آنها نشسته‌اند و پیتینا به حیات سیاسی این بختک‌آلوده و پایگاههای سیاسی و فرهنگی که به نیابت از دشمنان ما عمل می‌کنند پایان خواهند داد.» □

تجاری و امثال آن، کاملاً روشن و وابستگی به شهر بیشتر شده است، به حدی که بسیاری از روستاها یا آرد سهمیه دارند یا نان خود را از شهر تهیه می‌کنند. ... «باریدن آگهی‌های تجارتي از در و دیوار و اتوبوس در مورد انواع کالاها و تائیس یا ساخت مجتمع‌های تجاری فراوان به چشم می‌خورد. بسیاری از جوانز فرهنگی وسیله ظاهرآرایسی و برخی کاملاً مضحک، توخالی و بی‌معنی شده است. فرهنگ، هنر، سیاست، دین و اخلاق شدیداً به تسجارت، دلالتی و روابض نامشروع گره خورده و کم‌کم به از بین بردن تولید و سازندگی و تسلط تجارت و دلالتی منجر شده است. کمتر جوانی به فکر کار سالم و اساسی است. یاور ندارید؟ از خبرنامه فرهنگ و پژوهش وزارت ارشاد اسلامی می‌خوانیم:

«الگوری رفتاری رایج در جامعه از نگاه جوانان». عنوان طرح پژوهشی است که توسط خانم دکتر علیایی زند و با همکاری مرکز پژوهشهای بنیادی (وزارت ارشاد) انجام شده است. نتایج نشان می‌دهد که جوانان علیرغم آن که زن باشند یا مرد، هفده ساله باشند، یا چهل ساله، تحصیلاتشان دانشگاهی باشد یا زیر دیپلم جملگی معتقدند که در جامعه، روابض جای ضوابط را گرفته‌اند آنها معتقدند که این روزها افراد با پرداخت رشوه یا قرار گرفتن در سایه حمایت یک فرد سرشناس، می‌توانند هر کاری را که بخواهند به هر جایی که می‌خواهند برسند. به سخن دیگر آنها معتقدند که این روزها قوانین یا «اصول» در برابر روابض رنگ باخته‌اند. در جایی دیگر از این پژوهش جوانان بیان کرده‌اند که این روزها انگیزه رسیدن به پست و مقام مقوی‌تر از انگیزه خدمت به مردم است ... جوانان، به صورت معناداری، باور دارند که روز به

روز، دروغ‌گویی، حته بازی و تقلب در جامعه فزونی پیدا می‌کند و سطحی‌نگری و مادی‌گرایی جای خود را ... به‌طور کلی، این تحقیق نشان می‌دهد که بنا بر باور جوانان، رویدادهای کنونی اجتماعی، با اهداف این جامعه مذهبی و انقلابی هماهنگ و همخوان نیستند. (تاکید از ماست) این تحقیق پیشنهاد می‌کند که با به‌کارگیری افرادی که نه تنها از دانش و معلومات لازم برای اداره امور برخوردارند، بلکه عشق به خدمت اولین ذغدغه زندگی آن‌ها است، الگوهای رفتاری مناسب‌تری برای جوانان فراهم می‌آید.

**فرم درخواست اشتراک**

اشتراک جدید □ تمدید اشتراک □ شماره اشتراک: \_\_\_\_\_

مدت اشتراک: شش ماهه □ یک ساله □ تاریخ: \_\_\_\_\_

نام: \_\_\_\_\_

نشانی: \_\_\_\_\_

Address: \_\_\_\_\_

فرم را همراه با بهای اشتراک (حواله بانکی یا تمبر) به آدرس \_\_\_\_\_ پست کنید!

مأمور کشور را به دست گرفتند، کم‌کم ضد انقلاب یا ناهماهنگ با آن شناخته شدند و تدریجاً یا از دور خارج شدند، یا فرار کردند و یا حتی اقدام شدند، به طوری که هنوز هم ایراد اتهام در مورد آنها ادامه دارد. حتی کار پیشتر از این رفت و روشن شد که تکلیفمان با موسیقی هم روشن نیست، چه در آغاز احکام حرمت «موسیقی» و بسی اشکال بودن «اصوات» مشکوکه» صادر و در جعبه اعلانات همه مراکز رادیوی تلویزیون دیده شد و پس از مدت‌ها موسیقی بی اشکال شد. اما هنوز هم همه مراجع آن را بی اشکال نمی‌دانند و برخی مصداق لهر و لعب و برخی مصداق فعل حرام می‌شناسند. این در حالی است که حتی مباح‌دانندگان آن که موسیقی «بدون عشوه» را مجاز می‌شمرند، امروز ناچار به پست‌ترین انواع آن هم از رادیو و تلویزیون رضایت می‌دهند. البته موسیقی و امثال آن - یعنی هنر که هنوز در کشور ما جای حلال و حرام دارد - در مقابل اقتصاد، سیاست، قانون و شکل حکومت شاید بی اهمیت جلوه کند. از آنجا که تکلیف این کارها هم روشن نبود، بلافاصله پس از انقلاب بحث در «اقتصاد اسلامی»، «بانکداری اسلامی» و دیگر مسائل اجتماعی آغاز شد، اما یکی از مهمترین نظریه پردازان اقتصاد اسلامی، یعنی ابوالحسن بنی‌صدر، متناقض و ضد انقلاب از کار درآمد و ظاهراً خودش - اما نه نظریه‌اش - از دور کار خارج و در جای امنی نگهداری شد. اقتصاد اسلامی - حتی با وجود کتاب او - دقیقاً تعریف نشد، اما روشن شد که یکی از انواع بسیار رایج اقتصاد در جهان است، بانکداری هم همین‌طور شد. یعنی روشن شد که بانکداری اسلامی هم از نوع نظام عمومی بانکداری جهانی است که اصطلاحات خاص خود را دارد، مثلاً در آن نمی‌توان رسماً از بهره، ربح، ربا و امثال آن سخن گفت و بسايد از

مأمور کشور را به دست گرفتند، کم‌کم ضد انقلاب یا ناهماهنگ با آن شناخته شدند و تدریجاً یا از دور خارج شدند، یا فرار کردند و یا حتی اقدام شدند، به طوری که هنوز هم ایراد اتهام در مورد آنها ادامه دارد. حتی کار پیشتر از این رفت و روشن شد که تکلیفمان با موسیقی هم روشن نیست، چه در آغاز احکام حرمت «موسیقی» و بسی اشکال بودن «اصوات» مشکوکه» صادر و در جعبه اعلانات همه مراکز رادیوی تلویزیون دیده شد و پس از مدت‌ها موسیقی بی اشکال شد. اما هنوز هم همه مراجع آن را بی اشکال نمی‌دانند و برخی مصداق لهر و لعب و برخی مصداق فعل حرام می‌شناسند. این در حالی است که حتی مباح‌دانندگان آن که موسیقی «بدون عشوه» را مجاز می‌شمرند، امروز ناچار به پست‌ترین انواع آن هم از رادیو و تلویزیون رضایت می‌دهند. البته موسیقی و امثال آن - یعنی هنر که هنوز در کشور ما جای حلال و حرام دارد - در مقابل اقتصاد، سیاست، قانون و شکل حکومت شاید بی اهمیت جلوه کند. از آنجا که تکلیف این کارها هم روشن نبود، بلافاصله پس از انقلاب بحث در «اقتصاد اسلامی»، «بانکداری اسلامی» و دیگر مسائل اجتماعی آغاز شد، اما یکی از مهمترین نظریه پردازان اقتصاد اسلامی، یعنی ابوالحسن بنی‌صدر، متناقض و ضد انقلاب از کار درآمد و ظاهراً خودش - اما نه نظریه‌اش - از دور کار خارج و در جای امنی نگهداری شد. اقتصاد اسلامی - حتی با وجود کتاب او - دقیقاً تعریف نشد، اما روشن شد که یکی از انواع بسیار رایج اقتصاد در جهان است، بانکداری هم همین‌طور شد. یعنی روشن شد که بانکداری اسلامی هم از نوع نظام عمومی بانکداری جهانی است که اصطلاحات خاص خود را دارد، مثلاً در آن نمی‌توان رسماً از بهره، ربح، ربا و امثال آن سخن گفت و بسايد از

## این مقاله عنوان ندارد

اصطلاحاتی مثل کارمزد بجای آن استفاده کرد. مجموع این کارها برای عده‌ای از اهل تحقیق و حتی توده مردم روشن کرده است که اگر کاری به دست مسلمان صورت گیرد در بیان آن اصطلاحات اسلامی به کار رود، آن کار اسلامی است و گرنه حتی ممکن است کفرآمیز باشد. این حکم را می‌توان به همه شئون زندگی تری داد، مثلاً از بین بردن آزادی‌های فردی و اجتماعی اگر توسط مسلمان صورت گیرد، نباید در آن سخن گفت، اما مثلاً اگر به دست شاه صورت می‌گرفت - که کافر مادرزاد بود - البته کار بسیار بدی بود.

باری، همه این اوضاع به آنجا انجامید که آخرین نخست‌وزیر مسلمان انقلابی نظام اسلامی که بعدها هم به صورت یکی از کارگردانان یا دست‌کم، مشاوران نظام باقی ماند، در آخرین سالیهای کارش اعتراف کرد که در اواخر جنگ فاصله طبقاتی در این بین فقیر و غنی نسبت به سالهای پیش از انقلاب دو برابر شده بود و بی شک امروزه که درآمدها و سوساستفاده‌های میلیاردي و هدیه‌های میلیونی فاش می‌شود، چند برابر شده است. مطالعات و آمارهای چندی در سراسر جهان حاکی از این شکاف عمیق است که فعلاً احتیاجی به نقل آنها نیست.

در طول سفرهای مکرر و دور دراز تحقیقی خود در ده - دوازده سال گذشته در سراسر ایران شاهد اشتغال بیشتر کودکان، محرومیت از تحصیل، فقر شدید عده‌ای از روستاهای ایران (آذربایجان، کردستان، خراسان، سیستان و ...) بودم. صدها روستا را در حال ویران شدن دیدم و کمتر خانهای است که ویران و از نو ساخته شود. مهاجرت از روستاها به شهر پس از انقلاب شتاب و شدت بیشتری یافته است. اضمحلال حرفه‌های روستایی، مثل فرش‌بافی، جاجیم یا چوخا یا شال‌بافی، آهنگری،

دکتر علی‌حضوری در دو شماره ماهنامه جامعه سالم مقاله‌ای با عنوان فوق به چاپ رسانده است. در این مقاله که گفته می‌شود بهانه اصحاب ولایت فقیه برای بستن ماهنامه جامعه سالم بوده است، دکتر حضوری به بررسی روندها و اوضاع اجتماعی پس از انقلاب پرداخته است. بخش‌هایی از قسمت اول مقاله مربوط را در زیر می‌خوانید:

«بیست‌سال از انقلاب اسلامی می‌گذرد. انقلابی که معلوم نیست تا چه زمانی باید با محافظه کاری از آن سخن گفت. این انقلاب به شرق و غرب نه گفت و معیارهای خاص خود را به میدان آورد. اگرچه انقلاب به دست جوانان صورت گرفت اما کارگردانان امور آن مسن، با تجربه و جهان دیده بودند و با مسائل دنیا می‌بایستی آشنایی می‌داشتند، چراکه کار بزرگی در پیش گرفته بودند.

هر انقلابی اول برنامه خود را ارائه می‌دهد و با آن برنامه است که مردم را قانع می‌کند. اگر اکثریت جامعه یا دست کم عده مؤثر و فعال (و نه بی تفاوت‌ها) با آن برنامه موافق باشند، به احتمال قوی انقلاب پیروز می‌شود. دستگاه حکومت شاه هم چیزی نبود که به بادی از جای بجنید. علاوه بر پایگاه‌های درونی، عده‌ای حامی خارجی هم داشت. بنابراین فرض ما این است که انقلاب ما هم دارای برنامه بوده و در توان خود می‌دیده است که جامعه را به نحوی بهتر از دوره پیش اداره کند. اصولی مثل برادری، برابری و حکومت عدل که همه از شعارهای اسلام است، در شعارهای انقلاب وجود داشت و هنوز هم وجود دارد. بر اساس معلومات ما از تحولات جهانی می‌بایست این شعارها طی یک نسل یا می‌گرفت و نتایج آن را همه به چشم می‌دیدند...»

«اما از فردای انقلاب روشن شد که نه تنها تصویر روشنی از سیاست، اقتصاد، جامعه، جمعیت، ازدیاد نسل، صادرات نفت و امثال آن وجود ندارد، بلکه حتی انقلاب نمی‌دانسته است که کارها را به دست چه کسانی بسپارد، به همین دلیل تقریباً تمام کسانی که

ماهنامه صبح که نظرات کسروهی از سرگروه‌ترین و ارتجاعی‌ترین محافظان درون و بیرون حکومت جمهوری اسلامی را بازناب می‌دهد در مقاله‌ای تحت عنوان «جریان سوم» و نظریه تعادل ویرانگر به موضوع مناسبات جناح‌ها در حکومت پرداخته و برای سرکوبها و بکسیروبندهای کنونی زمینه می‌چیند.

در بخش‌هایی از این مقاله که با امضاغ «بناه» به چاپ رسیده آمده است:

«جبهه لیبرالی خارج از نظام با لایه‌ای ضعیف از نیروهای داخل نظام و عناصر «نفوذی» همدست شده و در تلاش هستند تا با بی‌اعتبار ساختن هر دو جناح داخلی نظام «نیروی سوم» ی بیافرینند و به وسیله فرایندهای شبه قانونی و پارلماناریستی به تدریج ارکان اسلامی و انقلابی و ارزشهای نظام را از کارکرد طبیعی خود خارج و مساقط سازند.»

«جناح‌های سیاسی، هم برای حفظ هویت زبني خود و هم در انتقاد از جناح مقابل و استمرار مبارزه سیاسی به یک دیالوگ جدلی و هجومی احتیاج دارند و مضافاً عناصر «نفوذی» در میان هر دو جناح که اعتقادی به اصول و مبانی نظام ندارند، به منظور بالا کشیدن خود در هم قدرت به خلق شرایطی کمک می‌کنند که عرصه هنرنمایی و تخریب جناح

## جریان سوم و نظریه تعادل ویرانگر

مقابل را فراهم نماید که نقش زیادی در تشدید تضادها دارند.»

«فن‌سالاران لیبرال هر دو جناح، تدریجاً و در بلند مدت، سیمایی از نظام اسلامی را ترسجیح می‌دهند که ضمن همکاری و دوستی مجدانه با غرب، نفوذ مبانی دینی و اخلاقی به نفع فرآیندها و هنجارهای عرفی عقب‌نشینی کنند. آنها اعتقاد قلبی و درک روشنی از ولایت فقیه و استمرار جنبه‌های انقلابی و ایدئولوژیک نظام ندارند و گو اینکه به حسب روحیه محافظه‌کاری و خطرناپذیر خود، فعلاً به همدستی رسمی با نظام ادامه می‌دهند.»

جریان سوم و آینده

«طی سالجاری هم رهبری معظم انقلاب اسلامی و هم عناصر شاخص جناحها، خطر تضاد حیثیتهای گروهی را بر وحدت انقلابی و اسلامی و انقلابی بودن، گوشزد کردند. شاخص‌ترین حرکت را فرماندهی سپاه پاسداران انجام دادند و ضربه‌ای هشیارانه بر روند شکل‌گیری «جریان سوم» وارد ساختند که رابطه آن را با عناصر نفوذی داخل نظام تا مرز تلاشی برد.

تک فروشی، معادل ۴ مارک آلمان

بهای اشتراک:

اروپا: شش ماه ۵۵ مارک، یک ساله ۱۰۲ مارک

سایر کشورها: شش ماهه ۶۲ مارک، یک ساله ۱۲۰ مارک

Verleger: I.G.e.v

I.G.e.v آدرس:

Postfach 260268

50515 Köln

Germany

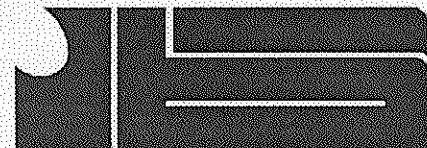
I.G.e.v آدرس:

22 44 20 32

37 05 01 98

Stadtsparkasse Köln

Germany



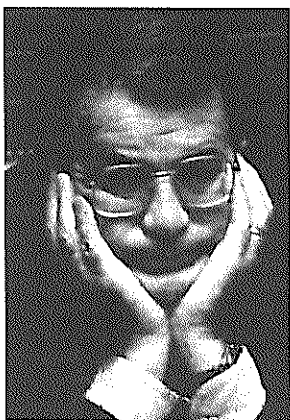
چهارشنبه ۲۲ مهر ۱۳۷۷ - ۱۴ اکتبر ۱۹۹۸ دوره سوم - شماره ۱۹۳

KAR. No. 193 Wednesday 13. Oct. 1998

G 21170 D

«کار» ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) دو هفته یک بار روزهای چهارشنبه منتشر می شود

## نخست وزیر ایتالیا استعفا داد



روز یکشنبه گذشته حزب کمونیست‌های ایتالیا «Rifondazio comunista»

به رهبری پرتینوتی، در جلسه کمیته ملی این حزب تصمیم گرفت بعثت عدم اجرای رفرم‌های مورد نیاز و کاهش هزینه‌های اجتماعی در بودجه سال آینده ایتالیا از پشتیبانی پارلمانی دولت رومانو پرودی دست بردارد. این تصمیم در رای‌گیری کمیته ملی با ۱۸۸ رای موافق و ۱۱۲ رای مخالف به تصویب رسید. با این حال ۲۱ نفر از ۳۴ نماینده این حزب در پارلمان ایتالیا اعلام نمودند خارج از تصمیمات فراکسیون خود به دولت پرودی رای اعتماد خواهند داد.

روز جمعه گذشته پرودی دولت خود را به رای اعتماد مجلس گذاشت. از ۶۲۵ نماینده حاضر ۳۱۲ نفر رای مثبت و ۳۱۳ نفر به دولت وی رای اعتماد ندادند و به این ترتیب تنها با اختلاف یک رای دولت وی ساقط گردید. گفته می‌شود تغییر نظر نماینده پارلمانی باعث سقوط دولت پرودی گشته است. سیلیو لیوتاکه تا آوریل ۱۹۹۶ به عضو حزب Forza Italia به رهبری برلوسکونی بود که بعداً به حزب کوچک Rinnovamento Italiano به رهبری وزیر امور خارجه ایتالیا

لامبرتو دینی پیوست. لیوتاکه قبل از رای‌گیری گفت از این حزب کناره خواهد گرفت و به دولت نیز رای اعتماد نخواهد داد.

دولت پرودی ۵۵مین دولت ایتالیا بعد از جنگ دوم جهانی و در عین حال با ۸۷۶ روز یکی از طولانی‌ترین دولت‌های این کشور بود. ماسیمو دالما رهبر حزب چپ دمکراتیک گفت: هنوز هیچ چیز مشخص نیست، حتی امکان انتخابات پیش‌رس نیز وجود دارد. وی گفت: رهبر نئوکومنیست‌ها دچار «اشتباه دراماتیکی» گشته است. کسی که خوشحالی و شغف نمایندگان اپوزیسیون دست راستی را دید این روز را هیچگاه از زندگی اش فراموش نخواهد کرد.

# روابط ترکیه و سوریه بشدت بحرانی شد

تلفنی با سلیمان دمیرل و حافظ اسد، اعلام آمادگی نمود تا در این بحران میانجی‌گری کند. وی بر توقف تحریکات و تبلیغات دو کشور علیه یکدیگر تاکید کرد. متعاقب آن کمال خرازی وزیر

نگرانی کرد. سخنگوی وزارت خارجه آمریکا «جیمز روبین» گفت: ما از اینکه روابط ترکیه و اسرائیل در چپتی منفی پیش رود نگران هستیم. وی افزود آمریکا با هر دو کشور در تماس است و

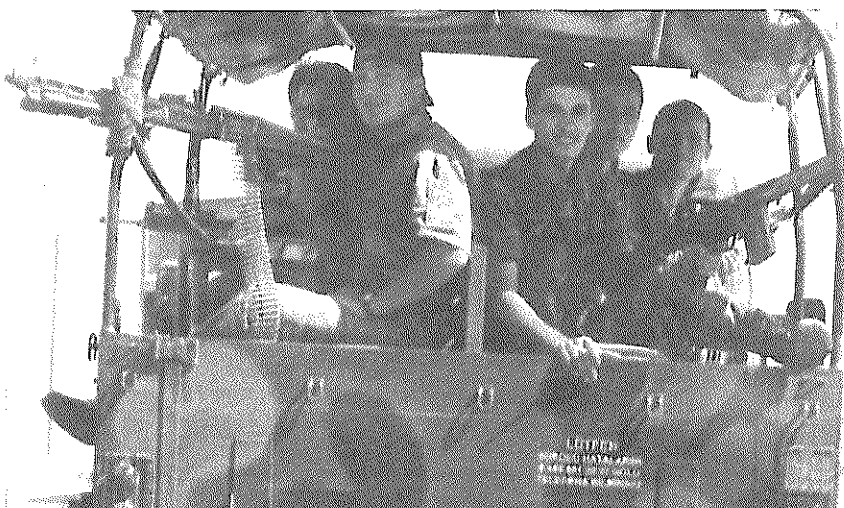
دست زد. سلیمان دمیرل رئیس جمهور ترکیه در مراسم افتتاح دور جدید قانن‌گذاری در مجلس این کشور گفت: «ترکیه حق مقابله با تحریکات خصمانه سوریه علیه آنکارا را برای خود

سالمات جنگ خونینی بین ارتش ترکیه و پیشمرگه‌های حزب کارگران کردستان «پ.کا.کا» در کردستان ترکیه در جریان است. کردستان ترکیه از محروم‌ترین و فقیرترین مناطق این کشور است و دولت ترکیه از شناخت هر گونه حقوق خلق کرد سرباز می‌زند و حتی ناسیونالیست‌های افراطی ترک در ادبیات رسمی خود از بیان لغت کرد خودداری می‌نمایند و بجای آن از «ترک‌های کوه‌نشین» نام می‌برند.

در جنگ بین ارتش ترکیه و نیروهای پ.کا.کا، ارتش این کشور طی سالهای اخیر حتی بارها به حریم مرزی عراق تجاوز نموده و برای تعقیب و سرکوب آنان دهها کیلومتر در خاک عراق به پیشروی پرداخته است.

عبدالله اوجلان رهبر حزب کارگران کردستان سالمات در دمشق زندگی می‌کند. گفته می‌شود دولت سوریه در امر رساندن تدارکات به نیروهای «پ.کا.کا» دخیل است و همچنین این حزب در منطقه بعلبک لبنان نیز دارای قرارگاههای آموزشی می‌باشد.

طی روزهای گذشته روابط ترکیه و سوریه بشدت تیره شد. دولت ترکیه در امتداد مرزهای مشترک خود با سوریه به استقرار نیروهای نظامی پرداخت. سوریه نیز با استقرار موشک‌های میان برد و ضد هوایی به اقدام متقابل



روزنامه‌های عربی نیز به سهم خود در آتش این بحران هییم ریختند.

روزنامه الریاض به آنکارا هشدار داد و نوشت: تمامی اعراب در این جنگ شرکت خواهند کرد. روزنامه اماراتی الخلیج از دولت‌های عرب خواست از سوریه حمایت نکنند و روزنامه سعودی جزیره نوشت دولت‌های عربی در برابر جنگ ترکیه و اسرائیل با سوریه دست به سینه نخواهند بود.

### اوتیما توم ترکیه به سوریه

بنا بر گزارش روزنامه حریت از آنکارا ترکیه به دولت سوریه «آخرین مهلت» را داده است و دولت سوریه ۴۵ روز وقت دارد تا عبدالله اوجلان و نیروهای پ.کا.کا را به ترکیه تحویل دهد. ناظران سیاسی معتقدند که دولت سوریه به این نوع اولتیماتوم‌ها تن نخواهد داد و ممکن است در بهترین حالت اوجلان از سوریه به عراق فرستاده شود.

امور خارجه جمهوری اسلامی تهران را به مقصد دمشق و آنکارا ترک نمود. وی در ملاقات با همتای سیاسی خود در دمشق گفت: تنها دشمنان اسلام و قبل از هر چیز رژیم صهیونیستی از اختلافات بین کشورهای اسلامی سود می‌برد.

### آتش‌باران معرکه

با شروع بحران تعدادی از روزنامه‌های صبح ترکیه اقدام به

خواستار حل مسالمت‌آمیز اختلافات آنها شده است. هفته‌گذشته حسن مبارک‌پس از سفر خود به عربستان سعودی وارد ترکیه شد و با رئیس جمهور ترکیه به ملاقات و گفتگو پرداخت و آمادگی خود را برای میانجی‌گری بین دو طرف اعلام نمود و گفت ترکیه کشور برادر است و هر اقدام نظامی بر ضد سوریه غیر قابل قبول خواهد بود. محمد خاتمی رئیس‌جمهور اسلامی ایران نیز طی تماس‌های

محفوظ می‌دارد. روزنامه البعث ارگان حزب حاکم سوریه نوشت: اسرائیل در پشت تهدیدهای ترکیه علیه سوریه قرار دارد. ترکیه بر مشکلاتی اصرار می‌ورزد که وجود ندارند.

### تلاشهای دیپلماتیک برای خنثی کردن بحران

دولت آمریکا از احتمال بروز درگیری بین سوریه و ترکیه ابراز

## بازندگان اصلی بحران اقتصادی جهانی کشورهای جهان سوم هستند

محمود صالحی



بیش از ۷۰٪ اضافه تولید نفت خام بین سالهای ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۶ از سوی کشورهای آسیایی مصرف می‌گردید. طی این سالها تولیدکنندگان میزان تولیدات خود افزودند تا جوابگویی تقاضای بازار باشند. با آغاز بحران در کشورهای آسیایی بازار خرید مواد خام نیز دچار رکود گردید. بطور مثال برای جلوگیری از خروج ارز، دولت مازنی به تولیدکنندگان نوشابه دستور کاهش درصد شکر این نوشابه را داده است.

در سایه سقوط بهای مواد خام، برای نخستین بار بعد از جنگ دوم جهانی در بسیاری از کشورهای پیشرفته بهای افزایش قیمت کالاها و خدمات به کمتر از یک درصد رسیده است. البته خوشحالی این کشورها دوام چندانی ندارد، زیرا سقوط درآمدهای ارزی کشورهای تولیدکننده مواد خام دیر یا زود بر مبادلات تجاری تاثیر منفی خواهد گذارد.

از سوی دیگر اخراج‌های دسته‌جمعی کارگران، ورشکستگی و تعطیل معادن و مزارع منجر به تشدید فقر و ناآرامی‌های اجتماعی بازهم بیشتری در کشورهای جهان سوم می‌گردد.

معنی - کشاورزی را که هنوز تولید نشده است در بازار بین‌المللی به قیمت ثابت و با سررسید چند ماهه می‌فروشد. اینان سپس هنگام برداشت محصول و خرید آن از تولیدکنندگان، آنچنان قیمت‌ها را پایین می‌برند که ماه‌آزای پیش فروش مواد خام و خرید آن، منبع سودشان را تشکیل می‌دهد.

تا قبل از آغاز بحران در کشورهای موسوم به برهاری آسیا تقاضای برای مواد معدنی سالانه ۱۲٪ افزایش نشان می‌داد. بیش از یک‌سوم تقاضای مس جهان و ۴۰٪ نیکل در سال ۱۹۹۶ از سوی این کشورها بود.

صندوق‌های بیمه‌ای در عرصه جهانی ضربه‌های کشورهای جهان سوم که ناشی از تنش‌های بازار است را بگیرند؟

### چرا قیمت مواد خام

### در حال سقوط است؟

تولیدکنندگان مواد خام، مقصرین سقوط دائمی قیمت‌ها را در وهله نخست دلالتان بین‌المللی می‌دانند. نقش این دلالتان در بازارهای مواد خام بسیار مخرب است. «سلف‌فروشان»، مواد خام

بهای همه مواد خامی که این کشور صادر می‌نماید بشدت کاسته شده است. ابعاد بزرگ، ابزار کوچک هنگامی که روز ۲۵ فوریه سال ۱۹۷۵ بزرگترین قرارداد همکاری و توسعه اقتصادی شمال و جنوب «لومه ۱» بین بازار مشترک اروپا و ۴۶ کشور موسوم به (AKP) آفریقایی، کارائیب و حوزه پاسیفیک) به امضا رسید، انتقادهای بسیار درستی از قبیل پشتیبانی اقتصادی برای ثبات سیاسی دیکتاتورها، اجبار کشورهای عضو قرارداد به وارد کردن کالاهای بازار مشترک اروپا و تثبیت نقش صادرکنندگان مواد خام برای کشورهای جهان سوم و غیره بر علیه این قرارداد مطرح گردید. هفته گذشته مذاکرات برای انعقاد قرارداد «لومه ۵» با حضور بیش از ۷۰ کشور در ژنو آغاز شد.

در قرارداد لومه ۱ قرار شد صندوقی با قدرت مالی ۳/۵ میلیارد دلار برای تامین بیمه تولیدات کشاورزی کشورهای

بر اساس تخمین سازمان تجارت و توسعه «Unctad» سازمان ملل، کشورهای تک محصولی در وضعیت بسیار خطرناکی بسر می‌برند. تنها بز اثرکاهش بهای نفت، تولید ناخالص ملی

### ابعاد بزرگ، ابزار کوچک

کشورهایی نظیر آنگولا، گابن، نیجریه، ایران و کویت بین ۴ تا ۱۸ درصد کاهش یافته است. سایر کشورهای تک محصولی نیز از وضعیت اقتصادی بهتری برخوردار نیستند. دولت آفریقایی زامبیا ۸۰٪ از درآمدهای ارزی خود را مرون صادرات مس می‌باشد. بهای مس در بازارهای بین‌المللی طی ماههای گذشته ۲۸٪ کاهش یافته است.

وضعیت سایر صادرکنندگان مواد خام نیز بهتر از شرایط تک محصولی‌ها نمی‌باشد. تقریباً ۴۰٪ از درآمد ارزی مکزیک از طریق صدور نفت خام تامین می‌شود.

طی ماهها و روزهای گذشته اخبار مربوط بحران اقتصادی در جهان و سقوط بهای سهام در رسانه‌های گروهی بین‌المللی انتظار عمومی را به خود جلب کرد. تاثیرات این بحران بر کشورهای جهان سوم چیست؟

بیمه‌های تک محصولی‌ها!

درآمدهای ارزی بسیاری از کشورهای جهان سوم تنها از طریق صادرات مواد خام و طبیعی تامین می‌گردد. از آغاز دهه ۹۰ میلادی به‌طور متوسط از بهای مواد خام ۲۵٪ کاسته شده است. با آغاز بحران اقتصادی در کشورهای موسوم به برهاری آسیا سقوط بهای مواد خام تشدید گردید. بنا بر گزارش انستیتو مطالعات اقتصاد جهانی در هامبورگ از بهای نفت خام ۳۳٪، آلومینیوم ۲۳٪، نیکل ۴۰٪، روی ۳۸٪، چوب ۲۶٪ و غلات ۱۷٪ کاسته شده است.

کاهش بهای مواد اولیه برای بسیاری از کشورهای جهان سوم فاجعه‌بار است. از آنجایی که این کشورها مجبور به واردات بخش اعظم نیازهای جوامع خود هستند، کاهش درآمدهای ارزی تاثیر مستقیمی بر وضع زندگی مردم خواهد داشت.